

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## احكام جوانان

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر  
حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (مدظله العالی)

ناشر: مهدی موعود# ● چاپ و صحافی: مجتمع چاپ قدسیان

صفحه‌آرا: داود عبادی فرد ● شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به گروه چاپ و نشر قدسیان است



قم / میدان معلم / کوچه ۲۲ / پلاک ۲۲

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۷۴۲۲۰۰

[www.Qodsiyan.com](http://www.Qodsiyan.com)

# احكام جوانان

همراه با مطالب فرهنگي  
اخلاقي، اجتماعي و مسائل شرعي

مرجع عاليقدر

حضرت آيت الله العظمي نوري همداني «مدظله»



## فهرست مطالب

### پیش‌گفتار

### مقدمه

۱. جایگاه جوانان در فرهنگ اسلامی..... ۲۰
- جوانان زودتر حق را می‌پذیرند..... ۲۱
۲. حمایت پیغمبر اسلام از نسل جوان..... ۲۲
- الف) نخستین نماینده پیغمبر..... ۲۲
- ب) عتاب بن اسید و فرمانداری مکه..... ۲۴
- ج) «اسامه» فرمانده ۱۸ ساله سپاه عظیم اسلام..... ۲۶
۳. دوره جوانی، دوره قدرت و شکوفایی..... ۳۰
- استفاده از فرصت جوانی..... ۳۱
- اصحاب کهف همگی جوان بودند..... ۳۲
- نقش جوانان در نهضت جهانی حضرت مهدی #..... ۳۴
- غافل منشین نه وقت بازی است..... ۳۵
۴. جوان و باورهای دینی..... ۳۶
- افکار و عواطف جوانان متعهد..... ۳۹

۴۱	..... جوانی که ایمان و یقین او پیغمبر را به شگفت آورد.....
۴۳	..... جلوه‌ای تابناک از فرهنگ شهادت طلبی.....
۴۴	..... ۵. جوان و آموزش.....
۴۷	..... تأکید بیشتر به علم آموزی کودکان و جوانان.....
۴۸	..... جوان و آموختن مسائل شرعی.....
۵۰	..... ۶. جوان و بلوغ و تکلیف.....
۵۰	..... بلوغ پدیده مبارکی در زندگی جوانان.....
۵۴	..... ۷. جوان و توبه.....
۵۶	..... حقیقت توبه.....
۵۷	..... شرایط توبه.....
۵۸	..... ۸. جوان و انتخاب دوست.....
۵۹	..... ویژگی‌های دوست.....
۶۰	..... پی آمد دوستی ناهلان.....
۶۱	..... ۹. جوان و حُسن خُلق.....
۶۳	..... نشانه‌های حسن خلق.....
۶۶	..... ۱۰. جوان و اراده.....
۶۶	..... در سایه اراده، مشکلات آسان می‌شود.....
۶۸	..... خداوند افراد بوقلمون مسلک را دشمن می‌دارد.....
۶۸	..... ۱۱. جوان و ادب.....
۷۰	..... حریم پدر و مادر را نگهدارید.....
۷۱	..... ۱۲. جوانان و آشنایی با زمان.....
۷۳	..... فواید آشنایی با زمان.....

۷۴	..... حساسیت زمان کنونی
۷۶	..... ۱۳. نیازمندی جوانان به راهنمایی
۷۷	..... نصیحت قرآنی
۷۹	..... استفاده از راهنمایی‌های دانشمندان اسلامی
۸۲	..... ۱۴. جوان و اشتغال
۸۳	..... بوسه پیامبر بر دست انسان زحمت کش
۸۴	..... خداوند جوان بی‌کار را دوست نمی‌دارد
۸۴	..... نکاتی در ارتباط با انتخاب شغل
۸۶	..... ۱۵. جوان و ازدواج
۸۷	..... حفظ دین در سایه ازدواج
۸۸	..... ازدواج موجب فراوانی روزی
۸۹	..... وظیفه مسئولان در قبال ازدواج جوانان
۹۰	..... ۱۶. جوان و ولایت اهل بیت عصمت
۹۱	..... ستمگران شایسته پیشوایی مردم نیستند
۹۲	..... دین اسلام با «ولایت» به سر حدّ کمال رسید
۹۳	..... معرفی امامان دوازده گانه
۹۵	..... حق عیانست ولی طائفه‌ای بی‌بصرند
۹۵	..... اهل بیت پیغمبر همتای قرآن می‌باشند
۹۷	..... ولایت اهل بیت بر دو پایه استوار است
۹۷	..... محمد فرزند جوان ابوبکر
۹۹	..... محمد فرزند جوان ابوبکر شهید راه ولایت
۱۰۰	..... ولایت اهل بیت شرط قبول شدن اعمال است
۱۰۱	..... ولایت در (۵) مرحله خلاصه می‌شود

- هرچه در دفتر صنع است و کتاب ملکوت..... ۱۰۱
- جلوه تعهد و آگاهی در زندگی جوانان عزیز ما..... ۱۰۲
- آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند..... ۱۰۳

### احکام و مسائل شرعی

- احکام تقلید..... ۱۰۷
- چیزهای نجس..... ۱۱۰
- ۱ و ۲. بول و غائط..... ۱۱۱
۳. منی..... ۱۱۱
۴. مردار..... ۱۱۱
۵. خون..... ۱۱۱
- ۶ و ۷. سگ و خوک..... ۱۱۲
۸. کافر و آن‌ها که در حکم کافرند..... ۱۱۳
۹. مسکر مایع..... ۱۱۳
۱۰. آبجو..... ۱۱۴
۱۱. عرق شتر نجاست خوار..... ۱۱۴
- راه‌های ثابت شدن نجاست..... ۱۱۴
- احکام نجاسات..... ۱۱۵
- احکام تخلی (دستشویی رفتن)..... ۱۱۷
- استبراء..... ۱۱۷
- مطهرات (پاک کننده‌ها)..... ۱۱۹



۱۱۹.....	۱. آب.....
۱۲۰.....	اقسام آب‌ها.....
۱۲۱.....	۱. آب کر.....
۱۲۱.....	۲. آب قلیل.....
۱۲۲.....	۳. آب جاری.....
۱۲۲.....	۴. آب باران.....
۱۲۲.....	۵. آب چاه.....
۱۲۳.....	آب مضاف.....
۱۲۳.....	۲. زمین.....
۱۲۴.....	۳. آفتاب.....
۱۲۴.....	۴. استحاله.....
۱۲۴.....	۵. انقلاب.....
۱۲۵.....	۶. ثلثان شدن.....
۱۲۵.....	۷. انتقال.....
۱۲۵.....	۸. اسلام آوردن.....
۱۲۶.....	۹. تبعیت.....
۱۲۶.....	۱۰. برطرف شدن عین نجاست.....
۱۲۷.....	۱۱. غایب شدن مسلمان.....
<b>۱۲۸.....</b>	<b>وضو.....</b>
۱۲۸.....	چگونه وضو بگیریم.....
۱۳۰.....	دعاهای وضو.....
۱۳۲.....	شرایط وضو.....
۱۳۶.....	احکام وضو.....

۱۳۶.....	اموری که باید برای آنها وضو گرفت.....
۱۳۷.....	اموری که وضو را باطل می‌کند.....
۱۳۸.....	وضوی جبیره.....
<b>۱۴۰.....</b>	<b>غسل.....</b>
۱۴۰.....	شیوه غسل کردن.....
۱۴۰.....	غسل‌های واجب.....
۱۴۱.....	۱. جنابت.....
۱۴۲.....	کارهایی که بر جنب حرام است.....
۱۴۲.....	کارهایی که بر جنب مکروه است.....
۱۴۳.....	احکام غسل جنابت.....
۱۴۵.....	احکام غسل.....
۱۴۶.....	۲. حیض.....
۱۴۷.....	احکام زن حائض.....
۱۴۹.....	اقسام زنان حائض.....
۱۵۰.....	۱. صاحب عادت وقتییه و عددیه.....
۱۵۰.....	۲. صاحب عادت وقتییه.....
۱۵۱.....	۳. صاحب عادت عددیه.....
۱۵۱.....	۴. مضطر به.....
۱۵۲.....	۵. مبتدئه.....
۱۵۲.....	۶. ناسیه.....
۱۵۲.....	مسائل متفرقه حیض.....
۱۵۳.....	۳. استحاضه.....

۴. غسل مس میت..... ۱۵۶

**تیمم..... ۱۵۷**

بر چه چیزهایی می‌توان تیمم کرد؟..... ۱۵۹

روش تیمم کردن و احکام آن..... ۱۵۹

**نماز..... ۱۶۲**

فضیلت نماز..... ۱۶۲

احکام نماز..... ۱۶۳

نمازهای واجب..... ۱۶۵

نمازهای واجب یومیه..... ۱۶۵

قبله..... ۱۶۶

پوشانیدن بدن در نماز..... ۱۶۶

شرایط لباس نمازگزار..... ۱۶۷

هواردی که نجس بودن لباس یا بدن نمازگزار جایز است..... ۱۷۱

مکان نمازگزار..... ۱۷۳

اذان و اقامه..... ۱۷۵

واجبات نماز..... ۱۷۷

۱. نیت..... ۱۷۸

۲. تکبیرة الاحرام..... ۱۷۸

۳. قیام..... ۱۷۹

۴. قرائت..... ۱۸۰

۵. رکوع..... ۱۸۳

۶. سجود..... ۱۸۵

۱۸۷.....	چیزهایی که سجده بر آن صحیح است.....
۱۸۸.....	سجده‌های واجب قرآن مجید.....
۱۸۹.....	۷. ذکر رکوع و سجده.....
۱۸۹.....	۸. تشهد.....
۱۹۰.....	۹. سلام.....
۱۹۱.....	۱۰. ترتیب.....
۱۹۲.....	۱۱. موالات.....
۱۹۲.....	قنوت.....
<b>۱۹۳.....</b>	<b>ترجمه نماز.....</b>
۱۹۳.....	ترجمه سوره حمد.....
۱۹۴.....	ترجمه سوره قل هو الله.....
۱۹۵.....	ترجمه ذکر رکوع.....
۱۹۵.....	ترجمه ذکر سجود.....
۱۹۵.....	ترجمه تشهد.....
۱۹۵.....	ترجمه سلام.....
۱۹۶.....	ترجمه تسبیحات.....
۱۹۶.....	ترجمه قنوت.....
۱۹۶.....	تعقیب نماز.....
۱۹۷.....	مطلات نماز.....
۲۰۴.....	جایی که شکستن نماز جایز است.....
۲۰۴.....	شکایات نماز.....
۲۰۵.....	۱. شک‌های باطل.....
۲۰۶.....	۲. شک‌هایی که اعتبار ندارد.....

۲۰۶.....	اول: شک بعد از محل.....
۲۰۷.....	دوم: شک بعد از سلام.....
۲۰۷.....	سوم: شک بعد از وقت.....
۲۰۷.....	چهارم: کثیر الشک.....
۲۰۷.....	پنجم: شک امام و مأوم.....
۲۰۸.....	ششم: شک در نماز مستحبی.....
۲۰۸.....	۳. شک‌های صحیح.....
۲۱۱.....	طریقه نماز احتیاط.....
۲۱۳.....	مواردی که سجده سهو واجب است.....
۲۱۴.....	دستور سجده سهو.....
۲۱۴.....	قضای سجده و تشهد فراموش شده.....
۲۱۶.....	نماز مسافر.....
۲۱۹.....	چیزهایی که سفر را قطع می‌کند.....
۲۲۰.....	مسائل متفرقه نماز مسافر.....
۲۲۱.....	نماز جماعت.....
۲۲۲.....	شرایط نماز جماعت.....
۲۲۴.....	فضیلت نماز جماعت.....
۲۲۷.....	احکام جماعت.....
۲۳۰.....	شرایط امام جماعت.....
۲۳۲.....	اموری که در نماز جماعت مستحب است.....
۲۳۳.....	نماز جمعه.....
۲۳۴.....	نماز آیات.....
۲۳۵.....	دستور نماز آیات.....

۲۳۷.....	نماز عید فطر و قربان.....
۲۳۸.....	نماز غفیله.....
۲۴۰.....	مسائل متفرقه نماز.....
۲۴۱.....	فضیلت سحرخیزی و نماز شب.....
۲۴۴.....	کیفیت نماز شب.....
۲۴۵.....	فضیلت نماز جعفر طیار.....
<b>۲۴۸.....</b>	<b>روزه</b> .....
۲۴۸.....	نیت.....
۲۴۹.....	کارهایی که روزه را باطل می‌کند.....
۲۵۰.....	۱. خوردن و آشامیدن.....
۲۵۲.....	۲. جماع.....
۲۵۲.....	۳. استمناء.....
۲۵۲.....	۴. دروغ بستن به خدا و پیغمبر.....
۲۵۳.....	۵. رساندن غبار غلیظ به حلق.....
۲۵۳.....	۶. سر فرو بردن در آب (ارتماس).....
۲۵۴.....	۷. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.....
۲۵۶.....	۸. اماله کردن با مایعات.....
۲۵۶.....	۹. قی کردن.....
۲۵۷.....	مواردی که قضا و کفاره واجب است.....
۲۵۷.....	کفاره روزه.....
۲۵۹.....	زکات فطره.....
۲۵۹.....	مصرف زکات فطره.....

**۲۶۰ ..... خمس**

موارد هفتگانه خمس..... ۲۶۰

۱. منافع کسب و کار..... ۲۶۰

۲. معادن..... ۲۶۱

۳. گنج..... ۲۶۱

۴. مال مخلوط به حرام..... ۲۶۱

۵. جواهراتی که با غواصی به دست می‌آید..... ۲۶۱

۶. غنایم جنگی..... ۲۶۲

۷. زمینی که کافر از مسلمان می‌خرد..... ۲۶۲

مصرف خمس..... ۲۶۲

**۲۶۴ ..... زکات**

احکام زکات مال..... ۲۶۴

مصرف زکات..... ۲۶۴

**۲۶۶ ..... ازدواج**

عده‌ای از زنان که ازدواج با آنان حرام است..... ۲۶۶

احکام نگاه کردن..... ۲۶۷

شرایط عقد ازدواج..... ۲۶۹

**۲۷۰ ..... مسائل متفرقه**

موسیقی..... ۲۷۱

دست زدن..... ۲۷۲

بازی با شطرنج..... ۲۷۲

---

---

۲۷۳.....	فال گرفتن.....
۲۷۳.....	تراشیدن ریش.....
۲۷۵.....	رهن خانه.....
۲۷۵.....	قولنامه.....

\* \* \*





## پیش‌گفتار

الحمد لله اغلب افراد مملکت اسلامی ایران را **نیروی جوان** که مهمترین سرمایه یک کشور است تشکیل می‌دهد. و روحیه بیشتر آن‌ها سرشار از ایمان و تقوا و تعهد است.

**جوانان متعهدی** که دیروز، در جبهه‌های دفاع مقدس حماسه‌ها آفریدند و عزت و سربلندی این کشور را فراهم ساختند، امروز در صحنه‌های اعتکاف و جلسات دعای ندبه و سایر مجامع دینی و مراکز مذهبی در راه حفظ اسلام و نظام اسلامی با چهره‌های مصمم گام برمی‌دارند.

این **جوانان عزیز** در طی ملاقات‌ها و تماس‌های مکرر از محضر **مرجع عالی قدر آیت الله العظمی حسین نوری همدانی** (دام‌ظله‌العالی) خواستار تدوین مجموعه‌ای که **مشمول بر مطالب فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و مسائل شرعی** باشد، شدند.

معظم‌له با کثرت اشتغالی که داشتند چون توجه مخصوصی به **نسل جوان** مملکت دارند این پیشنهاد را پذیرفته و مجموعه حاضر را که حاوی مطالب متنوع اخلاقی، اجتماعی و مسائل شرعی است؛

جهت مطالعه و استفاده جوانان عزیز تهیه فرمودند.  
امید است بدین وسیله گامی در مسیر آشنایی هر چه بیشتر نسل  
جوان با وظایف شرعی، اخلاقی و اجتماعی برداشته شود و  
ان شاء الله تعالی مورد توجه **حضرت ولی عصر** (ارواحنا فداه) قرار  
بگیرد.

دفتر معظم له

## مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ  
وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي  
الْأَرْضِينَ وَاللَّعْنَةُ عَلَيَّ أَعْدَائِهِمْ  
أَجْمَعِينَ.

## جایگاه جوانان در فرهنگ اسلامی

دین اسلام توصیه و تأکید می‌کند که به نسل جوان با نظر  
خوش‌بینی و عطوفت نگاه کنید و جایگاه جوان را در اجتماع  
بشناسید.

حضرت پیغمبر | فرمودند:

أَوْصِيكُمْ بِالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ  
أَفِيدَةٌ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا  
وَنَذِيرًا فَخَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَخَالَفَنِي  
الشُّيُوخُ.<sup>۱</sup>

یعنی: «به شما توصیه می‌کنم که نسبت به جوانان نظر خوب  
و مساعد داشته باشید، زیرا آن‌ها دارای دل‌های نازکتر و انعطاف

---

۱. شباب قریش، ص ۱.

پذیرتر هستند. خداوند مرا برای دعوت - به حق به عنوان مژده دهنده به نیکوکاران و بیم دهنده از عذاب نسبت به بدکاران - برانگیخت و در این میان جوانان با من پیمان همکاری بستند و در راه دعوت به اسلام به من کمک کردند ولی پیرمردان با من از راه مخالفت و ستیزه جویی در آمدند».

### جوانان زودتر حق را می‌پذیرند

یکی از راویان حدیث و ارادتمندان مخصوص اهل بیت عصمت<sup>^</sup> به نام «ابوجعفر احول» که از جهت قدرت منطق و بیان نیز ممتاز بود، بر خود لازم می‌دانست که در فضای حکومت بنی عباس در راه تبلیغ مذهب تشیع و نشر تعالیم اهل بیت به کوشش و تلاش پردازد و در مدتی که به این کار ادامه می‌داد روزی به محضر امام صادق<sup>×</sup> شرفیاب شد حضرتش از او پرسیدند: با در نظر گرفتن وضعی که حکومت بنی عباس هم اکنون به وجود آورده است توجه مردم به مذهب تشیع و تعالیم اهل بیت چگونه است؟ او در پاسخ گفت: متأسفانه توجه مردم کم و اقبال آن‌ها اندک است.

حضرت امام صادق<sup>×</sup> فرمودند: **عَلَيْكَ بِالْأَخْدَاثِ**

فَانَّهُمْ اَسْرَعُ اِلَى كُلِّ خَيْرٍ<sup>۱</sup>. یعنی : توجه تبلیغی خود را به نسل جوان معطوف دار و نیروی خویش را در راه هدایت آنها به کار انداز، زیرا جوانان زودتر حق را می پذیرند و سریع تر به هر خیر و صلاحی می گرایند.

### حمایت پیغمبر اسلام | از نسل جوان

پیغمبر اسلام | حمایت خود را از جوانان و استفاده از شایستگی و ظرفیت آنها را در موارد بسیاری نشان می داد و مشاغل مهم اجتماع را به آنها می سپرد . و این کار هرچند در آن روز و آن محیط جهل و تعصب کار آسانی نبود ولی حضرتش برای این که درس مهمی به جوامع اسلامی داده باشد نسبت به این موضوع عنایت مخصوص داشت و در موارد زیادی عملاً پایبندی خود را به این مهم نشان داده اند که اینک به برخی از آن موارد اشاره می شود:

### نخستین نماینده پیغمبر(ص)

پس از این که تعداد نسبتاً زیادی از مردم مدینه در نتیجه مسافرت به مکه و ارتباط با پیغمبر اسلام | و شنیدن آیات قرآن مجید و مشاهده احوال پیغمبر به اسلام گرویده و ایمان آوردند از آن حضرت تقاضای اعزام نماینده ای به آن شهر برای تعلیم قرآن و بیان

۱. روضه کافی، ص ۹۳.

احکام و معارف اسلامی نمودند.

بدیهی است که برای انجام چنین مأموریت خطیری کسی باید برگزیده شود که از جهت قدرت منطق و بیان در درجه ای باشد که بتواند از عهده وظیفه خطیر تبلیغ دین برآید و از لحاظ تدبیر و حسن معاشرت در حدی باشد که بتواند چراغ مهر و صفا و محبت را که یکی از مظاهر اسلام است در آن شهر روشن کند و اختلافات خونین مخصوصاً اختلاف میان دو قبیله «اوس» و «خزرج» را که سال‌ها ادامه داشته است برطرف سازد.

حضرتش از میان همه مسلمانان سالخورده و جوان، جوانی به نام **مصعب بن عمیر** را که دارای همه این امتیازات بود برگزید و به مدینه اعزام کرد و او مأموریت خود را به بهترین وجهی انجام داد، حتی فعالیت مؤثر و تبلیغات نافذ و تدبیر وافی و حسن معاشرت **مصعب بن عمیر** زمینه را برای هجرت حضرت پیغمبر از مکه به مدینه مهیا کرد این جوان در جنگ بدر شرکت کرد و یکی از پرچمداران این جنگ بود، سرانجام با شرکت در جنگ احد به شهادت نایل گردید.<sup>۱</sup>

۱. اسدالغائب ج ۴، ص ۳۶۹.

### عتاب بن اسید و فرمانداری مکه

پس از این که حضرت پیغمبر به مدینه هجرت کرد و در آن شهر با توفیق خداوند و همکاری مسلمین، اسلام را تثبیت نمود، بزرگ ترین آرزویی که مسلمین در دل داشتند این بود که شهر مکه را فتح کنند و خانه کعبه را از بت های گوناگونی که مشرکین در آن قرار داده بودند، پاک نمایند و به این وسیله راه پیشرفت اسلام را هموارکنند.

به خواست خداوند متعال این آرزوی بزرگ جامه عمل پوشید و پیغمبر اسلام با جهادگران سلحشور و با ایمان در سال هشتم هجرت شهر مکه را فتح کردند و بت ها را شکستند و حرم خدا را از پلیدی های شرک پاک نمودند.

اکنون که شهر مکه فتح شده و زیر چتر اسلام قرار گرفته است پیغمبر گرامی اسلام و همراهانش تصمیم مراجعت به مدینه رادارند لازم است برای تنظیم امور آن شهر که به تازگی از دست مشرکین خارج شده است فرماندار لایق و مدبری تعیین کند که درکمال شایستگی هم به کارهای مردم رسیدگی کند و هم از بی نظمی های بی که ممکن است دشمنان به وجود بیاورند جلوگیری نماید. **پیشوای بزرگ اسلام** از میان تمام مسلمانان، جوان بیست و یک ساله ای بنام «**عتاب بن اسید**» را برای انجام این کار خطیر برگزید و به او فرمود: «من از این جهت تو را حاکم و امیر اهل حرم خدا و ساکنین مکه معظمه نمودم که کسی را شایسته تر از تو برای این موضوع ندیدم».



---

انتصاب این جوان به چنین مقام بزرگی باعث رنجش خاطر  
جمعی از رجال عرب و بزرگان مکه شد به طوری که زبان به  
اعتراض گشودند.

حضرتش در پاسخ فرمودند:

لَا يَحْتَجُّ مُحْتَجٌّ مِنْكُمْ فِي مُخَالَفَتِهِ بِصَغَرِ  
سِنِّهِ فَلَيْسَ الْأَكْبَرُ هُوَ الْأَفْضَلُ بَلْ الْأَفْضَلُ  
هُوَ الْأَكْبَرُ.

یعنی: هرگز نباید هیچ یک از شما جوانی عتاب بن اسید را  
اساس اعتراض خود قرار بدهد زیرا ملاک فضیلت انسان، کبر سن  
و سال زیاد نیست بلکه برعکس میزان بزرگی انسان فضیلت و کمال  
معنوی اوست.

وبالاخره آن جوان تا آخر عمر پیغمبر اکرم | فرماندار مکه بود و  
در کمال لیاقت و شایستگی انجام وظیفه کرد و به خدمات  
درخشانی نایل گردید.<sup>۱</sup>

و این جریان نیز نمونه‌ای از ارج نهادن اسلام به نسل جوان  
و حمایت از شایستگی‌های آن‌ها در عرصه فعالیت‌های سیاسی  
و اجتماعی است.

### ج) «اسامه» فرمانده ۱۸ ساله سپاه عظیم اسلام

پیغمبر اکرم در روزهای آخر زندگی خود تصمیم گرفت که  
لشگری از مسلمانان را برای جنگ با دولت روم که در دنیای آن روز  
قدرت بزرگی محسوب می‌شد و مانع پیشرفت اسلام بود بسیج

۱. سیره حلبی، ج ۳، ص ۱۲۰؛ اسدالغابة ج ۳ ص ۳۵۸؛ نسخ التواریخ جلد رسول خدا(ص)

کند، به دستور آن حضرت تمام افسران ارشد و امرای ارتش و کلیه بزرگان مهاجر و انصار و همه شیوخ عرب و رجال باشخصیت، در این لشکر عظیم اجقاع کردند و زیر پرچم اسلام آماده عزیمت شدند.

علامه مجلسی می‌نویسد: **فَلَمْ يَبْقَ أَحَدٌ مِنْ وُجُوهِ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ إِلَّا انْتَدَبَ فِي تِلْكَ الْغَزَاةِ فِيهِمْ أَبُو بَكْرٍ، وَعُمَرُ، وَسَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ، وَسَعِيدُ بْنُ زَيْدٍ وَأَبُو عُبَيْدَةَ، وَقَتَادَةَ بْنُ النُّعْمَانَ.<sup>۱</sup>**

یعنی: «کسی از وجوه و معاریف مهاجر و انصار باقی نماند مگر این که در میان این لشکر حضور پیدا کرد که از جمله آن‌ها **ابوبکر، و عمر، و سعد بن ابی وقاص، و سعید بن زید، و ابوعبیده و قتاده** بودند».

این موضوع روشن است که فرماندهی چنین سپاه عظیمی، فوق العاده مهم است و حتماً باید لایق‌ترین افسران از طرف پیشوای اسلام برای این مقام خطیر برگزیده شود.

رسول اکرم «اسامه» فرزند زید را که یک جوان هجده ساله بود<sup>۲</sup> به پیش‌خواست و پرچم فرماندهی را با دست خود برای او بست

۱. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۴۱۰.

۲. اسد الغابة، ج ۱، ص ۶۴.

و فرماندهی این لشکر عظیم را به او محول فرمود.  
 این موضوع از نظر تلویخ نظامی در جهان اگر نگوییم بی نظیر  
 است قطعاً باید گفت کم نظیر است.  
 این پیشوای عالیقدر اسلام است که در حمایت از جوانان دست  
 به این عمل مهم نظامی می‌زند و فرماندهی بزرگ ترین سپاه اسلام  
 را که برای جنگ با امپراتوری قدرتمند روم بسیج می‌شوند به عهده  
 افسر جوان هی‌جده ساله‌ای می‌گذارد.  
 با این که در میان این سپاه سربازان توانمند و شجاعی بودند که  
 در طول چندین سال امتحان شجاعت و دلاوری خود را داده بودند .  
 و با این که در میان این قشون بزرگان عرب و شخصیت های مهم  
 اسلامی بودند که قسمت مهمی از عمر خود را در فراز و نشیب‌های  
 روزگار همراه پیغمبر اسلام | گذرانده بودند، اکنون وظیفه دارند در  
 تمام مراحل این لشگرکشی از اوامر فرمانده جوان ۱۸ ساله‌ای  
 اطاعت کنند.

در این میان جمعی از آنها با تعجب و نگرانی توأم با ناراحتی  
 این موضوع را مورد اعتراض قرار دادند که چگونه است و چرا یک  
 جوان نارس به فرماندهی مسلمانان سابقه دار و پیشقدمان اسلام  
 برگزیده شده است!

**رسول اکرم |** از شنیدن سخنان طعن آمیز آنها سخت خشمگین

و ناراحت شدند و به منبر رفتند و بعد از حمد و ثنای الهی

فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ فَمَا مَقَالَةٌ بَلَّغْنِي عَنْ بَعْضِكُمْ فِي تَأْمِيرِ أَسَامَةَ لِي بِنِ طَعْنْتُمْ فِي تَأْمِيرِي أَبِيهِ قَبْلَهُ وَأَيُّمَ اللَّهِ إِنْ كَانَ لِلْمَارَةِ خَلِيقًا وَإِنْ ابْنُهُ مِنْ بَعْدِهِ لَخَلِيقٌ لِلْمَارَةِ وَإِنْ كَانَ لِمَنْ أَحَبَّ النَّاسُ إِلَيَّ فَاسْتَوْصُوا بِهِ خَيْرًا فَإِنَّهُ مِنْ خَيْرِكُمْ.»<sup>۱</sup>

یعنی: ای مردم این چه سخنی است که درباره فرماندهی

«اسامه» از بعضی از شما به من رسیده است، طعنه‌های امروز شما تازگی ندارد چند سال پیش نیز که «زید بن حارثه» پدر «اسامه» را به فرماندهی لشکر در جنگ موته تعیین کردم زبان به طعن و ملامت گشود، به خداوند بزرگ قسم که دیروز «زید بن حارثه» برای فرماندهی لشکر شایسته بود، امروز نیز فرزندش «اسامه» شایستگی دارد همه شما از وی اطاعت نمایید که او از محبوب‌ترین افراد در نزد من و از نیکان شما است.

و بالاخره پافشاری و اصرار پیغمبر اکرم | در پشتیبانی و حمایت از جوانان لایق اثر عمیقی در افکار عموم مسلمین گذاشت و افرادی که بر اساس تفکرهای جاهلی و تعصب‌های بی‌منطق به نسل جوان بانظر حقارت نگاه می‌کردند به خطای خود پی بردند و برای همگی ثابت شد که حمایت از نسل جوان و استفاده از شایستگی‌های آنان در عرصه فعالیت‌های نظامی نیز یکی از آداب مهم اسلامی است.

۱. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۴۱۰.

### ۳. دوره جوانی، دوره قدرت و شکوفایی

می‌دانیم عمر انسان دوره‌های مختلفی دارد و فصل جوانی

بهترین دوره‌های زندگی است قرآن مجید می‌فرماید:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ  
بَعْدِ ضَعْفِ قُوَّةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا  
وَشَيْبَةً<sup>۱</sup>.

یعنی: خداوند آن پروردگاری است که شما را از ضعف و ناتوانی

آفرید و بعد از ضعف و ناتوانی، دوره قدرت و توانایی برای شما

به وجود آورد و پس از آن دوباره برای شما دوران ضعف و ناتوانی

قرار داد.

در این آیه مبارکه دوران قدرت که دو طرف آن دوره ضعف

یعنی: ضعف کودکی و ضعف پیری قرار دارد، همان دوره جوانی  
است.

و بالاخره همان طور که فصل بهار دوره رشد و شکوفایی و

بالندگی است فصل جوانی نیز دوره قدرت و نشاط و شکوفایی و

بالندگی است.

۱. سوره روم، آیه ۵۴.

## استفاده از فرصت جوانی

بر جوانان عزیز لازم است قدر این مرحله از عمر خود را بدانند و با آگاهی و جدیت گام‌های استواری در راه ترقیات علمی و کمالات معنوی و نیز در راه پیشرفت‌های مادی بردارند و فرصت جوانی خویش را مغتنم بشمارند.

حضرت رسول اکرم فرمودند: پنج چیز را قبل از فرارسیدن پنج چیز غنیمت بشمارید.

۱. جوانی خود را پیش از فرارسیدن دوره پیری
  ۲. سلامت بدن قبل از بیماری
  ۳. توانایی و توانگری قبل از فقر<sup>۱</sup>
  ۴. فراغت خود را پیش از گرفتاری
  ۵. زندگی خویش را قبل از فرارسیدن مرگ<sup>۲</sup>
- حضرت امیرمؤمنان** فرمود: دو چیز است که اشخاص به اهمیت آن‌ها پس از این که آن‌ها را از دست دادند، پی می‌برند.

۱. جوانی

۲. تندرستی<sup>۳</sup>

۱. ظاهراً در این حدیث منظور از توانگری و فقر تنها جنبه مالی نیست.

۲. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۳.

۳. غررالحکم، ص ۴۴۹.

در این حدیث حضرت علی نعمت جوانی را در ردیف بزرگترین نعمت‌های الهی یعنی صحت و سلامت آورده است.

چنین گفت روزی به پیری جوانی	که چون است با پیریت زندگان‌ی
بگفتش در این نامه حرفیست مبهمة	که معنیش جز وقت پیری ندان‌ی
توبه کز توانایی خ‌ویش گویی	چه می‌پرسی از دوره ناتوان‌ی
جوانی نکه دار کی‌ن مرغ زیبا	نماید در این خانه استخوان‌ی
متاعی که من رایگان دادم از کف	نتوگر می‌توانی مده رایگان‌ی
هر آن سرگرانی که من کردم اول	جهان بیشتر کرد از آن سرگران‌ی
چو سرمایه ام رفت بی‌مایه ماندم	که بازی‌ست بی‌مایه بازارگان‌ی
از آن برد گنج م‌را دزد گیتی	که در خواب بودم گنه پاسبان‌ی

### اصحاب کهف همگی جوان بودند

داستان جالب اصحاب کهف که یکی از قصه‌های قرآنی است راهمه شنیده ایم، در فضایی که پرستش بت‌ها در آن، رایج و اجباری بود و سلطان وقت و مردم مملکت او تعصب بسیار شدیدی در پستی به خرج می‌دادند به طوری که بردن نام خدا و اعتقاد به توحید مجازاتی جز شکنجه و عذاب و کشته شدن نداشت<sup>۱</sup>، افرادی در سایه ایمان محکم و قدرت روحی کامل و پایداری در راه حق در برابر سلطه گران جبار در فضای وحشت و ارعاب قیام کردند و جو سکوت و وحشت را شکستند، با شجاعت و قاطعیت ندای

۱. تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۲۷۰.



توحیدسر دادند و حقیقت را آشکار ساختند و بعد از انجام این رسالت خطیر، خداوند آنها را در داخل یک غار در پناه لطف خود صدها سال حفظ کرد و نامشان را در طومار نهضت کنندگان برای حق ثبت و بلند آوازه کرد و آنها را در جرگه ره پویان راه قیام و انقلاب قلمداد کرد.

قرآن مجید در معرفی آن ه ا می گوید : **إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا<sup>۱</sup>**

یعنی: آنها جوانانی بودند که به خداوند ایمان داشتند و ما بر هدایت آنها افزودیم و دلشان را محکم گردانیدیم هنگامی که قیام کردند و گفتند پروردگار ما همان پروردگار آسمان ها و زمین است و ما جز او کسی را خدای خود نمی خوانیم.

(که اگر غیر از آفریدگار آسمان ها و زمین کس دیگری را خدا بنامیم) سخن نادرست گفته ایم. استاد بزرگوار ما آیت الله طباطبائی & در تفسیر المیزان می گوید: آیات قرآنی در بیان این قصه دلالت بر تمجید و ستایش از جوانان دارد.<sup>۲</sup>

۱. سوره کهف، آیه ۱۴ - ۱۳.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۲۶۴.

### نقش جوانان در نهضت جهانی حضرت مهدی #

لشگر حضرت مهدی صاحب الزمان عجل الله فرجه که به گفتار امام صادق × شب زنده دارانی هستند که شب‌ها صدای دعا و مناجات‌های آن‌ها با خدا مانند مهمه زنبوران عسل به گوش می‌رسد و عبادت کنندگان شب و شیران روز می‌باشند و دل‌های آن‌ها از جهت تصمیم و قاطعیت در راه اجرای حق مانند قطعات آهن و تکه‌های سنگ، محکم و نیرومند است و مشتاقان جهاد و پیکار در راه دین و عاشقان شهادت در راه خدا هستند این‌ها بیشتر از جوانان تشکیل می‌شود که: خداوند جبهه حق را به واسطه آن‌ها پیروزی می‌بخشد.<sup>۱</sup>

حضرت امیر مؤمنان فرمودند: **أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا مِثْلُ كُحْلِ الْعَيْنِ وَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ.**<sup>۲</sup>

یعنی: یاران مهدی همه جوان هستند و در میان آن‌ها افرادی که پیر و مسن باشند جز به اندازه سرمه چشم و یا نمک غذا وجود ندارد.

حضرت باقر فرمودند: این‌ها (اصحاب خاص حضرت مهدی)

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

که تعداد سیصد و چند نفر از آن‌ها مرد و پنجاه نفر از آن‌ها زن می‌باشند در مرحله اول در مکه به دور آن حضرت جمع می‌شوند.<sup>۱</sup>

### غافل منشین نه وقت بازی است

دوران جوانی همان طور که گفته شد دوران استفاده از فرصت است بنابراین لازم است جوانان عزیز در این سن از عمر خود بیدار شوند و به خود بیایند و وقت خود را در راه تلاش و فعالیت و خلاقیت بگذرانند تا پایه اساسی سعادت خویش تا پایان عمر را پی‌ریزی کنند، کسانی که در بحبوحه جوانی با سستی و سهل انگاری ایام عمر عزیز خود را از کف می‌دهند و از این فرصت بی‌نظیر قدردانی نمی‌کنند مستحق ملامت می‌باشند و با ندامت مواجه می‌شوند.

از حضرت امام صادق معنای این آیه **أَوْلَم نَعْمَرُ كُمْ  
مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ.**<sup>۲</sup>

یعنی: آیا به شما آنقدر عمر و فرصت ندادیم که متذکر وظیفه و موقعیت خود باشید؟ مورد سؤال قرار گرفت، حضرتش در پاسخ فرمودند:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

۲. سوره فاطر، آیه ۳۷.

این آیه ملامت و سرزنش جوانان غافلی است که به سن هیجده سال رسیده‌اند و از فرصت جوانی استفاده نکرده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ۴. جوان و باورهای دینی

**پیشوایان دین** در نخستین گام تبلیغی و تربیتی خود با **دل‌ها** ی

**مردم** سر و کار دارند و سعی می‌کنند مردم را از دل و جان به خداوندی که آفریننده جهان است، متوجه سازند و «**ایمان به خداوند**» را از این راه‌ها در دل مردم ایجاد کنند:

۱. همه موجودات جهان دارای نظم و انضباط می‌باشند و هیچ موجودی از حوزه نظم و تقدیر خارج نیست و معلوم است که نظم احتیاج به نظم دهنده‌ای دارد.
۲. در قیافه همه موجودات آثار هدف و حکمت مشاهده می‌شود و نمایانگر آن است که آن موجود برای چه منظوری ساخته شده است و این خود دلیل است که یک آفریدگار ح‌کیمی آن موجود را برای تأمین آن هدف آفریده است.
۳. همه موجودات عالم مانند اعضای یک بدن باهم هماهنگی و تناسب دارند بنابراین یک پدید آورنده‌ای که آن‌ها را به این ترتیب باهم پیوند داده است؛ وجود دارد.

۱. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۸۸۲.

۴. همه موجودات در حال حرکت می باشند و هیچ یک از آنها ساکن و راکد نیست و احتیاج هر حرکت به محرک روشن است.

۵. موجودات جهان همگی حادث می باشند به این معنا که در وجود آنها شواهد و قراینی هست که دلالت می کند بر این که آنها پس از این که وجود نداشته اند پایه عرصه هستی نهاده اند و احتیاج موجوداتی که حادث می باشند به یک موجود قدیم که به آنها هستی بخشیده است روشن است.  
آفرینش همه تنبیه خدایوند دل است

دل ندارد که ندارد به خدایوند ق رار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

کوه و دریا و درختان همه در تسبی حند

نه همه مستمعان فیه م کنند این اسرار

که تواند که دهد میوه رنگین از چوب

یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار؟

پاک و بی عیب خدایی که به تقدیر عزیز

ماه و خورشید مسخر کند و لی ل نهار

چشمه از سنگ برون آرد و باران از میغ

انگبین از مگس نح ل و در از دریا بار

تا قیامت سخن آن در کرم و قدرت او

همه گویند و یکی گف ته نیاید ز ه زار

به علاوه موجودات عالم با این گستردگی به طور کلی بر دو قسمت تقسیم می‌شوند.

الف) موجودات زنده

ب) موجودات غیر زنده

احتیاج به خالق که زنده و زندگی بخش است که به موجودات زنده زندگی و تجهیزات حیات داده است روشن است.

بنابراین، نخستین درس پیغمبران خدا، خداشناسی است که

حضرت امیرمؤمنان × فرمودند:

**أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ**<sup>۱</sup> کلاس اول درس دین شناخت

خداست.

و می‌دانیم که بسیاری از رشته‌های علوم که در مدارس

ودانشگاه‌ها مورد تدریس قرار می‌گیرد به مخلوقات این جهان

مربوط است.

بنابراین، همان علوم در عین حال درس‌هایی از خداشناسی

می‌باشند و لازم است از همین دیدگاه نیز مورد توجه خوانندگان

قرارگیرند تا باخواندن آن‌ها بر درجات ایمان خود بیفزایند.

بر جوانان عزیز لازم است پس از شناخت ذات مقدس

خداوندصفت جمال و کمال او را - که در این شعر مقداری از آن

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱.

ذکر شده و صفات ثبوتیه نامیده می‌شود - بشناسند:

**عالم و قادر و حی است مرید و مُدرک ازل و ابدی پس متکلم صادق**

و همچنین صفات جلال خداوند که صفات سلبيه نامیده

می‌شود و در این شعر آمده است را بشناسند:

**نه مرکب بود و جسم نه مرئی نه محل**

**بی شریک است و معانی تو غنی دان خالق**

بعد از آن به موضوع «نبوت» و موضوع امامت و موضوع معاد

و قیامت که این‌ها همه از اصول دین می‌باشند توجه نمایند و با دلیل

و برهان به اندازه معلومات و استعداد خود «ایمان» پیدا کنند.

این است راه پیغمبران خدا که از این راه مردم را با خداوند

مهربان مربوط می‌سازند و در سایه آن ، انسان ها را در راه انجام

وظایف انسانی بسیج می‌نمایند.

### **افکار و عواطف جوانان متعهد**

دین اسلام با برنامه تربیتی مخصوص خود همان طور که افق

فکرانسان‌ها را به طوری بالا می‌برد که با پی‌روی از کلام حضرت

امیرمؤمنان × که فرمود:

**مَا رَأَيْتَ شَيْئًا إِلَّا وَ رَأَيْتَ اللَّهَ قَبْلَهُ**

## و مَعَهُ وَبَعْدَهُ.<sup>۱</sup>

با دیدن هر موجودی آثار قدرت و حکمت پروردگار جهان

رامی بینند و می‌گویند:

به صحرا بن‌گرم صحرات بینم      به دری‌ا بن‌گرم دری‌ات بینم  
به هرجا بن‌گرم کوه و در و دش‌ت      نشان از قامت رعنا‌ت بینم

افق عواطف و دل‌بستگی انسان‌ها را نیز از مادیات این جهان بالاتر می‌برد و دل‌ها را از محبت الهی لبریز می‌سازد و در نتیجه آن‌ها از عبادت در درگاه خدا و مناجات با ذات لایزال الهی که عالی‌ترین محبوب دل‌های آن‌ها است، بالاترین لذت‌ها را می‌برند که در این رابطه پیغمبر اکرم<sup>۱</sup> فرمودند: لذات و شادمانی مؤمن در سه چیز است:

۱. روزه دار باشند و افطار کنند.

۲. با افراد مؤمنی مانند خود ملاقات نمایند.

۳. در دل شب‌ها به تهجد و مناجات با خدا پردازند.<sup>۲</sup>

چنان‌که، هم اکنون می‌بینیم که بس یاری از جوانان عزیز ما در صحنه‌های **اعتکاف** و **مراکز مذهبی** و **مساجد**، به تمام لذت‌های مادی پشت پا می‌زنند و بهترین لذت خود را در انجام **عبادت‌ها**،

۱. شرح الاسماء الحسنی، ج ۱، ص ۱۸۹ و شرح الاصول کافی، ملاصالح مازندرانی، ج ۳،

ص ۸۲.

۲. خصال صدوق، ص ۱۲۵.



خواندن دعاها و رفتن به زیارت مشاهد مشرفه می دانند و مخصوصاً در مجامع دعای ندبه با سردادن زمزمه‌های مشتاقانه و ریختن اشک‌های عاشقانه به یاد امام زمان آمادگی خود را در راه یاری آن حضرت برای اقامه قسط و عدل جهانی اعلان می‌دارند. این جوانان عزیز همان‌ها هستند که دیروز در ۸ سال جنگ تحمیلی با آفریدن حماسه‌ها و جانفشانی‌ها بهترین و بالاترین لذت خود را در به خون غلطیدن و جان شیرین در راه جانان دادن به نمایش گذاشتند و گفتار نورانی و راه گشای پیغمبر بزرگوار اسلام را که فرمود: **أُغْرُوا تُورِثُوا أَبْنَاءَكُمْ مَجْدًا**<sup>۱</sup> جهاد کنید تا مجد و عظمت را برای نسل‌های بعد به یادگار بگذارید، عملی ساختند **جَزَاهُمْ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ خَيْرًا**.

### جوانی که ایمان و یقین او پیغمبر را به شگفت آورد

امام صادق فرمودند: روزی پس از این که پیغمبر خدا را در مسجد نماز صبح را با جماعت به جا آورد جوانی را با چهره زرد و بدن لاغر در میان جمعیت مشاهده کرده و به او به عنوان احوال‌پرسی فرمودند: در چه حال هستی او در پاسخ بیشتر از این کلمه نگفت: **أَصْبَحْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُوقِنًا**. یعنی: من

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹ باب ۱ از ابواب جهاد العدو...، حدیث ۱۶.

در حال یقین صبح کرده‌ام.

این جواب تعجب و مسرت پیغمبر را برانگیخت حضرتش فرمود: علامت یقین بق چیست؟  
جوان در پاسخ گفت:

۱. **یقین** من موجب حزن و اندوه من شده است.
  ۲. **یقین** من باعث گردیده است که شب‌ها بیدار باشم و به عبادت و تهجد پردازم.
  ۳. **یقین** من مرا وادار کرده است که روزها در هواهای گرم با گرفتن روزه سختی تشنگی را تحمل کنم.
  ۴. **یقین** من موجب شده است که دلم از دنیا عبور کرده و به آخرت پیوسته است.
  ۵. هم اکنون درسایه یقینم صحنه روز قیامت که وسایل بررسی به **حساب مردم** فراهم شده و مردم برای حساب محشور شده اند و من در میان آن‌ها در انتظار **حساب خود** ایستاده‌ام را، می‌بینم.
  ۶. هم اکنون مثل این که **اهل بهشت** را که در بهشت متنعم می‌باشند و بر تخت‌های بهشتی تکیه زده‌اند نظاره می‌کنم.
  ۷. هم اکنون اهل جهنم را که در میان آتش جهنم معذب هستند و ناله و فریاد می‌کشند، مشاهده می‌کنم.
  ۸. همین الان صدای انفجار آتش‌های جهنم در اطراف گوش من طنین افکنده است و می‌شنوم.
- حضرت پیغمبر بعد از شنیدن این کلمات از آن جوان، رو کرده

اصحاب خود و فرمود:

هَذَا عَبْدٌ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ ان این

جوان بنده شایسقای است که خداوند دلش را بانور ایمان روشن ساخته است.

بعد از آن به آن جوان فرمود: **مراقب خود باش که این حالت**

**راه‌رگز از دست ندهی و نگاه بداری.**

### جلوه‌ای تابناک از فرهنگ شهادت طلبی

در مزرعه دل جوانان معمولاً آرزوهای فراوانی می‌شکند و این آرزوها با طرز تفکر و میزان ایمان و تعهد آن‌ها ارتباط دارد اکنون به بینیم این جوان با این مرتبه از ایمان که به اصول و ارزش‌های اسلامی داشت و احوال و اوضاع قلبی و روحی خود را برای حضرت پیغمبر بیان کرد و دیدیم که آن حضرت نیز بر آن صحه گذاشت و تحسین کرد، در پاسخ به سؤال پیغمبر ا چه می گوید، حضرتش از او پرسید چه آرزویی در دل داری؟

جوان در این رابطه عرض کرد : **یا رسول الله دعا کن و از**

**خداوند بخواه که شهادت به امر تو یا به همراه تو را نصیب من بگرداند.**

پیغمبر دعا کرد که خداوند شهادت را نصیب او بفرماید، طولی نکشید که یکی از **غزوات** برای **رسول خدا** پیش آمد و آن جوان در آن **غزوه** شرکت کرد و پس از شهادت ۹ نفر از یاران آن حضرت

این جوان دهمین نفر بود که **مرگ زیبای شهادت در راه خدا را در آغوش گرفت**.<sup>۱</sup>

از برخی از روایات استفاده می‌شود که نام این جوان **حارثه بن مالک** است و آن جنگی که در آن به شهادت رسید جنگ موته است و او همراه **جعفر طیار**، فرمانده سپاه جنگ موته پس از شهادت نه نفر دهمین شهید این معرکه است.<sup>۲</sup>

### ۵. جوان و آموزش

یکی از سرمایه‌های بزرگ و بسیار ارزشمند «علم» است. **قرآن مجید** در حدود ۸۰ مورد از عظمت مقام علم و تکریم عالمان سخن گفته و **پیغمبر عالی مقام اسلام** | فراگرفتن علم را **فریضه هر مرد و زن** معرفی نمود.<sup>۳</sup> و امت اسلامی را برای فراگرفتن دانش هر چند با عبور از دیوار چین هم باشد بسیج کرد.<sup>۴</sup> و با کنار زدن حد و مرزسن و سال فرمان علم آموزی و دانش اندوزی از **گهواره تا گور** را صادر فرمود.

و حضرت امیرمؤمنان با کلام پرنور: **الْعِلْمُ أَضَلُّ كُلِّ**

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۳ و سند روایت صحیح است.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۴.

۳. بحارالانوار، ج ۲، ص ۵۳ و سند روایت صحیح است.

۴. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۸۰ و کنز العمال ج ۱۰، ص ۱۳۸.

خَيْرٌ وَ الْجَهْلُ اَصْلُ كُلِّ شَرٍّ<sup>۱</sup>. علم را منشأ همه کمالات بشری و پیشرفت‌های جامعه انسانی در هر شأنی از شئون زندگی مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، فردی، اجتماعی جسمی و روحی قلمداد کرد و جهل را ریشه همه عقب ماندگی‌ها و انحطاطات زندگی معرفی نمود.

این موضوع یکی از امتیازات اسلام است، که در پرتو آن کاروان علم را به حرکت در آورد و مسلمانان را مشعلدار علوم و فنون جهانی کرد.

حضرت امیرمؤمنان علی به کمیل بن زیاد که از خواص و یاران حضرتش بود فرمودند علم از جهاتی بهتر از مال است:

۱. علم تو را حفظ می‌کند ولی مال را تو باید حفظ کنی.
۲. مال باخرج کردن نقصان می‌پذیرد اما علم باخرج کردن فزونی می‌یابد.
۳. عظمت و شخصیتی که در سایه مال به دست آمده است با از بین رفتن مال از بین می‌رود ولی بزرگی علم از بین رفتنی نیست.
۴. انسان به وسیله علم در زندگی خود راه اطاعت خدا را در پیش می‌گیرد و پس از مرگ برای خود نام نیک باقی می‌گذارد.
۵. علم فرمانروا و مال فرمانبر است.

وبألاخره افزودند:

هَلْكَ خُرَّانَ الْأَمْوَالِ وَ هُمْ أَحْيَاءُ

۱. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۰۵.

وَالْعُلَمَاءُ بِاقْوَانٍ مَبْقِي الدَّهْرِ،  
أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ  
مَوْجُودَةٌ.<sup>۱</sup>

آنان که مال و ثروت را جمع کردند و در راه تأمین منافع و مصالح اجتماعی خرج نکردند هرچند که در حال حیات هم باشند مرده و تباه شده‌اند، ولی علما تا هنگامی که روزگار باقی است تا خورشید می درخشد و نسیم می وزد باقی و برقرار می‌باشند. هرچند خودشان از میان مردم رفته‌اند اما آثار آنها در دل‌ها جاوید است. شد مبدل آب این جو چن-دبار عکس ماه و عکس اختر برق-رار حضرت رسول اکرم در رابطه با تشویق و ترغیب مؤکد برای فرا گرفتن علم فرمودند:

مَنْ لَمْ يَصْبِرْ عَلَي ذُلِّ التَّعَلُّمِ سَاعَةً  
بَقِيَ فِي ذُلِّ الْجَهْلِ أَبَدًا.<sup>۲</sup>

یعنی: کسی که زحمت و ذلت یک ساعت فراگرفتن علم را تحمل نکند همیشه در ننگ و ذلت نادانی باقی می‌ماند.  
هرکه ز آم-وخ-تن ندارد ن-گ گِل برآرد ز خار و لعل از سنگ  
هرکه دانش نباشدش روزی ننگ دارد ز دانش آموزی

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۳۹.

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۴۶.

## تأکید بیشتر به علم آموزی کودکان و جوانان

دین اسلام هرچند همه امت اسلامی را در راه آموختن علم  
باترغیب و تأکید فراوان بسیج می کند ولی در این راه به کودکان و  
جوانان عنایت بیشتری دارد.

پیغمبر بزرگوار اسلام فرمودند:

مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ  
الرَّسْمِ فِي الْحَجَرِ وَمَنْ تَعَلَّمَ وَهُوَ كَبِيرٌ كَانَ  
بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَيَّ وَجْهَ الْمَاءِ.<sup>۱</sup>

یعنی: آموختن علم در فصل جوانی مانند نقشی است که بر سینه  
سنگ قرار داده شود که باقی و برقرار می ماند و آموختن علم  
در فصل بزرگ سالی مثل «نقش بر سطح آب است که باقی نمی ماند  
و زود محومی شود.

حضرت امیر مؤمنان فرمودند: **تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ**

**صِغَارًا تَسُوذُوا بِهِ كِبَارًا.<sup>۲</sup>**

در دوران کودکی علم بیاموزید تا در دوره بزرگ سالی سیادت  
و مجد را به دست بیاورید.

و نیز فرمودند: **مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمِ الْعِلْمَ فِي**

۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، کلمه ۹۸، ص ۲۶۷.

### الصَّغَرِ لَمْ يَتَّقِدْمَ فِي الْكِبَرِ.<sup>۱</sup>

یعنی: کسی که در دوران کودکی و جوانی علم نیاموزد در دوره بزرگ سالی موقعیت و تقدم، در جامعه پیدا نمی‌کند.

بنابراین بر کودکان و جوانان عزیز لازم است قدر شکوفایی و بالندگی عمر عزیز خود را بدانند و در این فصل از زندگی خود در راه تحصیل علم گام‌های بلند و استواری بردارند و علم را با تحقیق و دقت بخوانند تا روح خلاقیت و ابتکار و نوآوری در وجود آن‌ها رشد پیدا کند و با توفیق خداوند هر یک از آن‌ها در آینده عنصری مفید و چراغی تابان برای اجتماع اسلامی باشند.

### جوان و آموختن مسائل شرعی

در این جا لازم است توجه داشته باشیم که در روایات اهل بیت عصمت<sup>۱</sup> تأکید بیشتری به این مطلب شده است که جوانان مسائل شرعی خود را یاد بگیرند و به معارف دینی که سه قسمت است آشنا شوند و آن سه قسمت به این شرح است:

۱. معارف اعتقادی - اعتقاد و ایمان به اصول و ارزش‌های

اسلامی.

۲. معارف اخلاقی - مطالب اخلاقی مخصوصی است که با توجه

۱. غررالحکم، ص ۶۹۷.



به آن‌ها خود را با توفیق خداوند به اخلاق نیک آراسته و از اخلاق ناپسند پاک می‌سازد و در این مورد برای نمونه به کتاب معراج السعادة مراجعه شود.

### ۳. احکام عملی - تا واجبات را بشناسند و به جا بیاورند و

محرمات را بدانند و از آن اجتناب کنند.

حضرت باقر فرمودند: اگر جوانی از جوانان شیعه را ببینم که احکام دین خود را نمی‌آموزد او را باتنبيه به یاد گرفتن احکام دین وادار می‌کنم.<sup>۱</sup>

امید که ان شاء الله علاوه بر آشنایی به مسائل دینی و خود سازی، جوانان عزیز در راه هدایت دیگران نیز گام بردارند و مشمول این حدیث که گفتار رسول اکرم | به حضرت امیر مؤمنان × است باشند:

وَأَيُّمُ اللَّهُ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَيَّ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ.<sup>۲</sup>

یعنی: سوگند به خدا اگر یک نفر به دست تو به راه راست هدایت شود برای تواز آنچه که خورشید بر آن می‌تابد، بهتر است.

۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۸۰.

۲. سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۰۰.

### ۶. جوان و بلوغ و تکلیف

یکی از جریان های مهم و سرنوشت ساز که در تاریخ زندگی جوانان رخ می دهد، موضوع **بلوغ** جوانان است که در نتیجه به کارافتادن غده های جنسی و ترشح هورمون های خاصی از آن ها و ریخته شدن آن ها به داخل خون تحوّل در جسم و جان انسان پدید می آید و رشد اعضا و اندام و قوای او سرعت بیشتری پیدا می کند و این تحول منشأ بلوغ است هر یک از دوره های کودکی و جوانی ، دوره مستقلی از زندگی انسان محسوب می شود و می دانیم که تفاوت بسیاری میان این دو دوره وجود دارد: او دیروز که به حد بلوغ نرسیده بود کودک و نابالغ بود ولی امروز که از مرز دوران کودکی گذشته و قدم به دوره دیگری نهاده بالغ و جوان شده و مسؤولیت های مهمی متوجه او گردیده است.

بنابراین **بلوغ** به منزله پلی است که دو منطقه از زندگی را به هم مربوط می کند و طفل را از مرحله ضعف و ناتوانی کودکی به مرحله نیرومند و پرشور جوانی می رساند.

### بلوغ پدیده مبارکی در زندگی جوانان

در این جا لازم است به این مطلب توجه کنیم که **بلوغ**<sup>۱</sup> پدیده

۱. ما با توفیق خداوند بلوغ جوانان و نشانه های آن را در قسمت مسائل شرعی بیان خواهیم کرد

مبارکی است که انسان در سایه آن این شایستگی را پیدا می‌کند که مورد توجه خطاب الهی قرار بگیرد و با انجام وظایف دینی به خداوند متعال تقرّب حاصل کند.

**سید ابن طاوس** که یکی از علمای بزرگ اسلام است به فرزند خود می‌گوید: ای محمد! من با تاریخ دقیقی که از تولد تو در دست دارم هر سال روز بلوغ تو را جشن می‌گیرم چون تو در فلان ساعت از این روز لیاقت پیدا کردی که مورد تکالیلهی قرار بگیری<sup>۱</sup>

---

۱. کتاب کشف المحجّة لثمرّة المهجّة.

در این جا به مناسبت بحث بلوغ تذکر چند نکته مناسب به نظر می رسد:

۱. پدران و مادران توجه داشته باشند که تاریخ تولد فرزندان خود را با ماه و سال قمری یادداشت کنند - چون در اسلام در کلیه آنچه که با «زمان» ارتباط پیدامی کند، میزان ماه و سال قمری است.
۲. پدران و مادران، فرزندان خود را قبل از بلوغ به خواندن نماز و گرفتن روزه وادار و تشویق کنند تا فرزندان به مراعات احکام اسلام عادت نمایند و آمادگی برای به جا آوردن آن ها در موقع خود داشته باشند و این موضوع یکی از مستحبات اسلام است و موجب ثواب زیادی برای پدران و مادران می باشد و حضرت رسول اکرم فرمودند: **فرزندان خود را در سن هفت سالگی به ن ماز خواندن عادت بدهید.**<sup>۱</sup>

و نیز لازم است پدران و مادران علاوه بر تعلیم اصول دین مسائل مربوط به وضو و قرائت نماز و امثال آن ها را به فرزندان خود یاد بدهند و یا آن ها را تشویق به یاد گرفتن نمایند و همچنین سعی کنند که فرزندان خود را با مساجد و مراکز مذهبی آشنا بسازند و نیز بر روابط فرزندان خود با افراد، نظارت کامل داشته باشند.

حضرت امام زین العابدین در یکی از دعاهای صحیفه سجادیه

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲، حدیث ۵، از ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، باب ۳.

که در مورد دعای پدران برای فرزندان می‌باشد می‌گوید: **اَللّٰهُمَّ اَعِنِّيْ عَلٰى تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَاْدِيْبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ**.<sup>۱</sup>  
 پرودگارا مرا در تربیت و خوبی کردن در حق فرزندانم یاری فرما.

۳. پدران و مادران براساس رسم و عادت‌ی که فعلاً در بسیاری از مناطق معمول شده است اگر می‌خواهند برای فرزندان‌شان جشن تولد بگیرند این کار را تا سن بلوغ فرزندان‌شان ادامه بدهند ولی بعد از رسیدن به سن بلوغ، جشن تولد را به جشن بلوغ مبدل بسازند، چون جشن بلوغ این مزیت را دارد که تداعی می‌کند که امروز روز آغاز توجه تکالیف الهی است و انجام تکالیف الهی موجب سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها است.

۴. پدران و مادران و همچنین خود فرزندان سعی کنند که در موقع فرا رسیدن بلوغ سنی، **بلوغ فکری و فرهنگی** نیز پیدا کرده باشند چون در اسلام میزان کمال و شایستگی اشخاص با جنبه **عقلی و فرهنگی** آن‌ها نیز ارتباط کامل دارد و عقل و فرهنگ در موقعیت و شخصیت انسان از دیدگاه **آیات قرآنی و احادیث اهل بیت عصمت** بسیار پراهمیت است.

حضرت رسول اکرم فرمودند: **اِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالٍ فَانظُرُوا فِي حُسْنِ عَقْلِهِ فَاِنَّمَّا**

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

### يُجَازِي بِعَقْلِهِ.<sup>۱</sup>

یعنی: هنگامی که یک شخص را از جهت کارهای او مورد تمجید و تعریف قرار دادند شما - در قضاوت خود - از درجات و مراتب عقل و فرهنگ او نیز پرسش کنید زیرا تمام نتیجه ها و پاداش ها با عقل و فرهنگ ارتباط دارد.

### ۷. جوان و توبه

هدف خداوند «أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» از خلقت موجودات این است که هر یک از موجودات به اندازه استعداد و ظرفیت خود از رحمت و فیض خداوند استفاده کند و «انسان» به واسطه ظرفیت و استعداد خاصی که دارد بیش از مخلوقات دیگر از فیض و رحمت حق استفاده می کند.

ولی چون یکی از امتیازات «انسان» این است که دارای «اختیار» است و کارهای خود را براساس اختیار و انتخاب خود انجام می دهد، لذا گاهی از امکانات خود سوء استفاده می کند و با اختیار خود از مسیر حق تخلف می نماید و مرتکب گناه می شود و در نتیجه انجام گناه قابلیت نهای استفاده از لطف و فیض الهی را از دست می دهد و چون خداوند ارحم الراحمین است در این مورد

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۲، از کتاب عقل و جهل، حدیث ۹.

برای نجات «انسان» از سقوط قطعی درب دیگری از رحمت خود را به عنوان «توبه» به روی «انسان» گشوده و اعلان نموده است که اگر گناهکاران از مسیرخطا و لغزش خود به سوی خدا برگردند و توبه نمایند خداوند مهربان توبه آنها را می‌پذیرد و گناهان آنان را می‌آمرزد.

و در این رابطه برای نمونه ندای جانبخش و نوازش‌آمیز الهی این

است:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ  
 أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ  
 اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ وَجَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ  
 الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.<sup>۱</sup>

یعنی: به بندگان تندرو و گناه‌کار من بگو از رحمت الهی ناامید نباشند خداوند تمام گناهان را می‌بخشد او خداوند آمرزنده و مهربان است.

حضرت رسول اکرم فرمودند:

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ.<sup>۲</sup>

یعنی: آن کس که از گناه توبه واقعی کرده مانند کسی است که از اصل، گناه نکرده است.

۱. سوره زمر، آیه ۵۳.

۲. سفینة البحار، ج ۱، ص ۱۲۷.

توبه در حقیقت شست و شویی است که گناهان را از بین می‌برد و **حالت صفا** و پاکی را به انسان باز می‌گرداند و شخص توبه کار را مشمول این عبارتهای آرام بخش قرآنی ( **إِنَّ اللَّهَ يُجِبُ التَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ** )<sup>۱</sup> یعنی: خداوند توبه کاران را دوست می‌دارد و خداوند پاکیزگان را دوست می‌دارد) قرار می‌دهد.

این آیه مبارکه - چنانکه ملاحظه نمودید - همه توبه کاران را محبوب خداوند معرفی می‌کند ولی پیغمبر اکرم ا براساس عنایتی که اسلام به جوانان دارد می‌فرماید: **مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ شَابٍ تَائِبٍ**<sup>۲</sup> یعنی: هیچ چیز در درگاه خداوند از جوان توبه کار محبوب تر نیست.

### حقیقت توبه

در این جا مطلب مهم توجه به شرایط و حقیقت توبه است و در این رابطه باید بدانیم که تنها گفتن **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ** توبه نیست که حضرت رضا × فرمودند:

**مَنْ اسْتَغْفَرَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَنْدُمْ بِقَلْبِهِ**

۱. سوره بقره، آیه ۲۲۲.

۲. مشکوة الانوار، ص ۵۵.



## فَقَدْ اسْتَهْرَأَ بِنَفْسِهِ<sup>۱</sup>.

یعنی: کسی که بازبان طلب آمرزش کند و در دل از گناهان خودپشیمان نباشد خویشتن را مسخره کرده است.

### شرایط توبه

و بالاخره «توبه» دارای چهار رکن است.

۱. پشیمانی از گناه.
  ۲. تصمیم جدی به ترک گناه در آینده.
  ۳. جبران «حق الناس» یعنی آنچه که مربوط به حق مردم است باید جبران شود و رضایت صاحبان حق تأمین گردد.
  ۴. در «حق الله» نیز آنچه که قابل جبران است مانند نمازهایی که خوانده نشده و روزه‌هایی که عمداً نگرفته است باید جبران کند. اکنون بحث توبه جوانان را باین حدیث از حضرت رسول اکرم به پایان می‌بریم:
- شش چیز خوب است ولی از شش گروه خوب تر و زیبنده تر است.

۱. **عدالت** خوب است ولی از فرمانروایان خوب تر است.

۲. **تقوا** خوب است اما از علما خوب تر است.

۱. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۰.

۳. سخاوت خوب است ولی از توانگران بهتر است.

۴. صبر خوب است اما از فقرا خوب تر است (تا در نتیجه تحمل و شکیبایی به حرام نیافتند).

۵. توبه خوب است اما از جوانان خوب تر است.

۶. حیا خوب است اما از زنان بهتر و زینده تر است.<sup>۱</sup>

### ۸. جوان و انتخاب دوست

این مطلب روشن است که هر انسانی مخصوصاً جوان طبعاً از انزوا و گوشه نشینی گریزان است و میل مجالست و همنشینی با افراد اجتماع خود را دارد و حتی می خواهد برای خود دوست و رفیقی انتخاب کند و قسمتی از وقت خود را در کنار او بگذراند و از طرفی طبیعت انسان بویژه جوان حساس و انعطاف پذیر است و قلب او نقش ها را زود می پذیرد و اخلاق و روحیات همنشین و دوست در روح او اثر می گذارد.

این جا است که بر جوانان عزیز لازم است که در معاشرت خود دقت کنند و با هر کس نشست و برخاست نکنند و هر فردی را برای خود دوست نگیرند.

**ای بسا ابله پس آدم روی هست پس به هردستی نباید داد دست**

۱. ارشاد القلوب دیلمی، ج ۲ و مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۸.

## ویژگی‌های دوست

جوانان محترم، سعی کنند با کسانی معاشرت نمایند که از جهت اعتقاد و ایمان به ارزش‌های اسلامی و از لحاظ تقوا و تعهد مورد اطمینان باشند، چنان که بدن انسان از انواع گوناگون خوراکی‌ها تغذی می‌کند و نیرو می‌گیرد روح انسان نیز از مصاحبت با افراد شایسته نیرو می‌گیرد بنابراین با کسانی مجالست کنند که جنبه‌های روحی و معنوی آن‌ها را تقویت می‌کنند جوانان عزیز! اگر احیاناً افرادی را که از جهت ایمان و تقوا دارای شایستگی می‌باشند پیدا نکردید، یا چنین افرادی را نمی‌شناسید، بدانید که در تنهایی بسر بردن بهتر از همنشینی با اشخاص آلوده و بی‌تقوا است.

حضرت رسول اکرم فرمودند:

الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ وَ  
الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السُّوءِ.<sup>۱</sup>

یعنی: همنشین خوب از تنهایی بهتر است و تنهایی از همنشینی

با افراد، بدکار، بهتر است.

و نیز حضرتش فرمودند: أَسْعَدُ النَّاسَ مَنْ خَالَطَ

كِرَامِ النَّاسِ.<sup>۲</sup>

یعنی: سعادت‌مندترین مردم کسانی هستند که با افراد با کرامت

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۵.

معاشرت می‌کنند. و می‌دانیم که کرامت و عزت در تقوا است که خداوند فرمود: **إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ**<sup>۱</sup>. یعنی: گرامی‌ترین شما در نزد پروردگار با تقواترین شما است. موضوع تأثیر هم‌نشین و رفیق در روح انسان به اندازه‌ای است که پیغمبر اکرم فرمودند:

**الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ**<sup>۲</sup>.

یعنی: هر انسانی در روش‌های دینی از رفیق خود پیروی می‌کند، بنابراین هر یک از شما در انتخاب رفیق خود دقت کافی مبذول بدارد.

و حضرت امی‌رمؤمنان فرمودند: **سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ**<sup>۳</sup>.

یعنی: پیش از این که راه بیفتید در باره رفیق راه و قبل از این که خانه‌ای بخرید در باره همسایه آن خانه تحقیق کنید.

### پی آمد دوستی ناهلان

قرآن کریم از زبان کسانی که با گنهکاران و بتهکاران رفیق شدند

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲. مستدرک، ج ۲، ص ۶۲.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

می‌گوید که در روز قیامت آه حسرت بار می‌کشند و می‌گویند:

يَا وَيْلَتِي لِيَتْنِي لَمْ اتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا<sup>۱</sup>

یعنی: وای بر من ای کاش فلان شخص آلوده و ناپاک را به

دوستی انتخاب نکرده بودم.

ادبای ما که از قرآن مجید و احادیث معصومین <sup>^</sup> الهام

می‌گرفتند درباره تأثیر همنشین و رفیق، سخنان فراوان گفتقاند.

سعدی می‌گوید:

گیلی خوشبوی در ح-مام روزی رسید از دست مح-بویی بدستم

بدو گفتم که مش-کی یا عبیری که از بوی دلاوی-زنتو مستم

بگفتا من گلی ناچیز بودم ولیکن مهدتی با گُل نش-ستم

کمال همنشین بر من اثر کرد وگرنه من همان خاکم که هستم

شاعر دیگری این طور نصیحت می‌کند.

تا نتوانی می-گریز از ی-ار بد ی-ار بد بدتر بود از م-ار بد

مباربد تنها تو را برج-ان زن-د ی-ار بد برجان و بر ایم-ان زن-د

## ۹. جوان و حُسن خُلُق

«اخلاق» که آینه تمام نمای روحیات و صفات انسان‌ها است

نقش بسیار مهمی در زندگی انسان‌ها دارد.

ارتقا و عظمت هر فرد و یا ملت با اخلاق شایسته آن‌ها و سقوط

۱. سوره فرقان، آیه ۲۸.

و انحطاط هر فرد و یا ملت با اخلاق پست آن‌ها ارتباط دارد.  
**حسن معاشرت** یکی از مظاهر اخلاق و روحیات خوب است و بر کسانی که در راه کسب کمالات انسانی گام برمی‌دارند لازم است به موضوع **حسن خلق** توجه ویژه‌ای داشته باشند و بدانند که در این راه هر قدر تلاش و کوشش بخرج بدهند به همان نسبت پاداش و ثواب خواهند داشت.

حضرت **رسول اکرم** فرمودند: کسی که دارای حسن اخلاق است اجر و پاداش او در نزد خداوند به اندازه کسی است که شب‌ها رابه عبادت و روزها را به روزه داری بسر برده است.<sup>۱</sup>  
 و نیز **حضرتش** فرمودند: در میزان روز قیامت هیچ عملی سنگین‌تر از حسن خلق نیست.<sup>۲</sup> **حضرت باقر** فرمود: هر اندازه که ایمان انسان به خداوند کاملتر باشد به همان نسبت **خوش اخلاق‌تر** و خوش معاشرت‌تر است.<sup>۳</sup>

حضرت صادق فرمود **نیکوکاری و حسن خلق** موجب عمران و آبادی شهرها و افزایش عمرها می‌گردد.<sup>۴</sup>  
 از **امام صادق** درباره حدّ و مرز حسن خلق سؤال شد آن

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۳.

۳. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۳.

۴. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۳.

حضرت در پاسخ فرمودند: حسن خلق در سه مظهر ظاهر می‌شود:

۱. **در کیفیت برخورد با اشخاص** (افراد خوش اخلاق باچهره گشاده و قیافه متبسم با اشخاص برخورد می‌کنند).
۲. **در طرز حرف زدن** (افراد خوش خلق با رعایت ملایمت و ادب با مردم حرف می‌زنند).
۳. **در کیفیت رفتار** (رفتار و حرکت افراد خوش خلق بانرمی و جلب محبت و تأمین رضایت مشروع اشخاص، توأم است).<sup>۱</sup>

### نشانه‌های حسن خلق

بالاخره امام صادق در رابطه لبارج نهادن به جامعیت در اخلاق نیک فرمود: ما کسانی را که دارای این صفات باشند دوست می‌داریم.

۱. **خوش فهم بودن؛**
  ۲. **دانایی در مسائل واحکام دینی؛**
  ۳. **بردباری؛**
  ۴. **مدارا کننده؛**
  ۵. **خویشتن دار؛**
  ۶. **راستگو؛**
  ۷. **با وفا.**
- سپس افزودند: خداوند پیغمبران خود را با اخلاق نیک آراس ته است.

۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۰.

و کسانی که دارای اخلاق پیغمبر گونه می‌باشند خدا را شکر کنند و افرادی که این اخلاق را ندارند به درگاه خدا تضرع کنند و از خداوند مسئلت نمایند که خداوند آن را به آنان عنایت نماید، راوی این حدیث که **عبدالله بن بکیر** است گفت قربانت بروم آن اخلاق کدام است؟

حضرتش در پاسخ فرمودند:

۱. پرهیزگاری؛
۲. قناعت - یعنی رضایت به آنچه که خداوند از راه حلال فراهم نموده است؛
۳. صبر و خویشتن داری؛
۴. شکر نعمت‌های خداوند؛
۵. بردباری؛
۶. حیا؛
۷. سخاوت؛
۸. شجاعت؛
۹. غیرت؛
۱۰. نیکو کاری و احسان به مردم؛
۱۱. راستگویی؛
۱۲. ادای امانت.<sup>۱</sup>

بنابراین بر جوانان عزیزی که در راه کسب کمالات معنوی گام برمی‌دارند لازم است که به موضوع اخلاق اسلامی و خوش اخلاق

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۶.



بودن توجه ویژه‌ی مبذول‌بدارند و مراقب باشند که **تکبر** و **خودپسندی** و **حسد** و **غرور** مخصوصاً در روح آن‌ها راه پیدا نکند. که **حضرت امیرمؤمنان** فرمودند:

بر هر فرد عاقل شایسته آن است که خود را از غرور و مستی ثروت، غرور قدرت و مقام، غرور علم، غرور تعریف و تملق و غرور جوانی حفظ کند.<sup>۱</sup>

### ۱۰. جوان و اراده

از جمله عواملی که در موفقیت انسان تأثیر زیادی دارد «اراده» است و لذا **جوانان عزیز** ما باید پیش از هر چیز به این مطلب توجه کنند که در این جهان بدون کوشش و تلاش هیچ کمالات انسانی و هیچ پیشرفتی از پیشرفت‌های زندگی به دست نمی‌آید و کار و کوشش احتیاج شدید به اراده و عزم راسخ دارد.

این «انسان با اراده» است که در هر صحنه‌ای از صحنه‌های زندگی می‌درخشد و آینده روشنی را در افق زندگی خود می‌بیند. تمام کسانی که در تاریخ بشریت درخشانند و نامشان سرلوحه تاریخ و اعمالشان راهگشای زندگی انسان‌ها شده است همه و همه دارای قدرت اراده بوده‌اند و لذا بر جوانان عزیز لازم است که بکوشند

تا این سرمایه عظیم یعنی اراده و تصمیم در راه رسیدن به کمال را به دست بیاورند.

### در سایه اراده، مشکلات آسان می‌شود

افراد با اراده هنگامی که با مشکلات زندگی (و می‌دانیم که پیمودن راه تکامل همیشه با مشکلات همراه است) رو به رو می‌شوند تحمل دشواری‌ها را نردبانی برای ورزیده تر و نیرومند شدن خود به حساب می‌آورند و لذا با استقبال از آن‌ها - مانند

درختی که راه خود را از میان صخره‌ها باز کرده و با عوامل نامساعد پیکار نموده تا به درختی پرطاقت و تنومند مبدل شده است - بر مشکلات غلبه می‌کنند و از این نردبان بالا می‌روند تا به اوج عزت و کمال می‌رسند ولی افرادی اراده و یا سست اراده به زودی عقب نشینی می‌کنند و به جایی نمی‌رسند.

حضرت صادق فرمودند : **إِيَّاكَ وَ خَصَلْتَيْنِ :**  
**الضَّجْرَ وَالْكَسَلَ فَإِنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ**  
**عَلِي حَقٍّ وَإِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤدِّ حَقًّا<sup>۱</sup>.**

یعنی: از دو خصلت جداً پرهیز کن:

**۱. واماندگی و عقب نشینی؛**

**۲. تنبلی و سستی.**

زیرا با نداشتن ثبات قدم و استقامت مشکلات را تحمل نخواهی کرد و با داشتن کسالت و تنبلی از ادای حق عاجز و ناتوان خواهی شد.

جدا شد یکی چشمه از کوهسار	به ره گشت نا گه به سنگی دچار
به نرمی چنین گفت با سنگ سخت	کرم کرده راهی ده ای نیک بخت
گران سنگ تیره دل سخت سر	زدش سیلی و گفت دور ای پسر
نجنیدم از سیل دریاگرای	کیی توکه پیش توجنبم زجای
نشد چشمه از پاسخ سنگ سرد	به گندن در استاد و ابرام کرد
بسی کند و کاوید و کوشش نمود	کز آن سنگ خارا رهی برگشود

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۸۰.

ز کوشش به هر چیز خواهی رسید	به هر چیز خواهی کماهی رسید
برو کارگر باش و امیدوار	که از یأس جز مرگ نایدبه بار
گرت پایداری است در کارها	شود سهل پیش تو دشوارها

### خداوند افراد بوقلمون مسلک را دشمن می‌دارد

با توجه به اهمیت عزم و اراده در پیشرفت زندگی و نقش

پایداری در راه حق که ذکر گردید، توجه به این حدیث که از

حضرت صادق × است لازم است:

إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ مَنِ خَلَقَهُ  
الْمُتَلَوْنَ<sup>۱</sup>.

یعنی: بدانید خداوند اشخاصی که به چند رنگ در می‌آیند

رادشمن می‌دارد.

### ۱۱. جوان و ادب

یکی از سرمایه‌های بزرگ انسانی «ادب» است و بر ما لازم

است بادقت کامل سعی کنیم که گفتار و رفتار و نشست و برخاست

ما همه و همه با ادب توأم باشد که انسان‌ها هر اندازه که در رعایت

ادب نسبت به اشخاص و احترام درباره آن‌ها کوشا باشند به همان

نسبت شخصیت انسانی خود را والاتر و ارزش و فضیلت خویش را

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۲۶.

بالاتر می‌برند و دیگران نیز به آنها بانظر احترام و عظمت نگاهی کنند.  
«ادب» والاترین گوهرها است که حضرت امیرمؤمنان فرمودند:

أَلَدَبُ خَيْرٌ مِنَ الدَّهَبِ.<sup>۱</sup>

یعنی: «ادب» از طلا بهتر است و نیز فرمودند: شَرَفُ الْمَرْءِ

بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ.<sup>۲</sup>

یعنی: شرافت و فضیلت انسان بستگی به علم و ادب او دارد نه

به اصل و نسب او.

نیز حضرتش فرمود: خَيْرُ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ

الْأَبْنَاءَ الْأَدَبِ.<sup>۳</sup>

یعنی: بهترین میراثی که از پدران برای فرزندان باقی

می‌ماند «ادب» است.

و نیز فرمود لَأَمِيرَاتُ كَالْأَدَبِ.<sup>۴</sup> یعنی: هیچ میراثی مانند ادب

نیست.

بنابراین بر جوانان عزیز لازم است که در احترام بزرگسالان

و اساتید و معلم خودشان بکوشند و متوجه باشند که بر اساس

روایات اهل بیت عصمت<sup>۵</sup> برکت علم در سایه احترام استاد است

۱. اخلاق محسنی، ص ۲۳.

۲. تفسیر لاهیجی، ج ۴، ص ۲۲۴ و تفسیر منهج الصادقین، ج ۸، ص ۴۲۹.

۳. روضه کافی، ص ۱۵۰.

۴. نهج البلاغه، ص ۱۱۲۹.

که هر اندازه در احترام و قدردانی از اساتید خود کوشا باشیم به همان نسبت علم ما برکت بیشتری پیدا خواهد کرد.

### حریم پدر و مادر را نگهدارید

در این مورد خصوصاً احترام پدر و مادر بسیار مهم تر است که

خداوند فرمود:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ  
بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا مَّا يَبْلُغُنَّ عَلَيْكَ  
الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا  
أَفْ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا  
كَرِيمًا وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ  
الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي  
صَغِيرًا.<sup>۱</sup>

یعنی: خداوند حکم کرده است که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان و نیکی کنید، هرگاه یکی از آن‌ها یا هر دو به دوران پیری برسند مواظب باشید کوچک ترین حرفی که آن‌ها را آزرده خاطر و ناراحت کند مگویید و آن‌ها را هرگز از خود مرنجانید و با آن‌ها باتکریم و احترام سخن بگویید و پر و بال تواضع را در برابر آن‌ها بگسترانید و همیشه در باره آن‌ها دعا کنید و بگویید پروردگارا آن‌ها را همان طور که مرا در دوران کودکی تربیت کردند

۱. سوره اسراء، آیه ۲۲ - ۲۴.

مشمول رحمت خودقرار بده.

حضرت صادق فرمودند: سه چیز است که هیچ کس در تخلف از آن‌ها معذور نیست:

۱. ادای امانت چه این که شخص امانت سپار خوب باشد یا بد؛

۲. وفای به عهد و پیمان چه این که طرف مقابل خوب باشد یا

بد؛

۳. نیکی و احسان به پدر و مادر چه این که پدر و مادر خوب

باشند یا بد.

و بالاخره این گفتار حضرت رسول اکرم همواره لازم است

در نظر باشد:

رَضِيَ اللَّهُ فِي رَضِي الْوَالِدَيْنِ وَسَخَطَ  
اللَّهُ فِي سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ.<sup>۱</sup>

یعنی: خوشنودی خداوند در خشنودی و رضایت پدر و

مادر است و غضب خداوند در غضب پدر و مادر است.

## ۱۲. جوانان و آشنایی با زمان

از جمله وظایفی که فرهنگ اسلام به عنوان یک وظیفه بر عهده

مسلمانان می‌گذارد موضوع «شناخت زمان» و حرکت با مقتضیات

زمان است که **حضرت امیرمؤمنان** × فرمودند: **مَنْ كَابَرَ**

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۷۶.

### الزَّمانُ عُطْبٌ.<sup>۱</sup>

یعنی: هر کس با زمان مخالفت کند و خود را با مقتضای آن تطبیق ندهد هلاک خواهد شد.

### فواید آشنایی با زمان

حضرت صادق فرمود: **وَالْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ.**

یعنی: کسی که شناخت کامل از اوضاع زمان خود دارد هرگز مورد هجوم جریان‌های اشتباه آمیز قرار نمی‌گیرد و در راستای شناخت زمان وظیفه خود را به طور صحیح انجام می‌دهد و بالاخره ما این تعبیر را در احادیث اهل بیت عصمت به طور مکرر و مؤکدمی بی‌بینیم: **عَلِي الْعَاقِلُ أَنْ يَكُونَ عَارِفًا بِزَمَانِهِ مُقْبِلًا عَلَي شَأْنِهِ.**

یعنی: بر شخص عاقل لازم است زمان خود را بشناسد و در این راستا به وظیفه لازم خود توجه کند.

و منظور از شناخت زمان این است که:

**اولاً** مسلمانان مخصوصاً جوانان عزیز در مورد تحصیل علوم ، مقتضیات زمان خود را بشناسند و با آن شرایط گام بردارند، در رشته طب و جراحی و فیزیک و شیمی و سایر رشته‌های علمی از

۱. تحف العقول، ص ۸۵.



آخرین تحقیقات و فن آوری دانشمندان جهان آگاهی و اطلاع حاصل کنند و در رشته‌های صنایع و تکنولوژی نیز با مقتضای تکامل علمی و صنعتی مطابق زمان تخصص و مهارت پیدا کنند تا جامعه خود را براساس آخرین پیشرفت‌های علمی مجهز بسازند.

**ثانیاً** در ادای وظیفه خود نیز با شناخت زمان گام بردارند.

و در این رابطه لازم است از تاریخ و فرهنگ خود و تاریخ سایر کشورهای اسلامی و سرگذشت‌های آن‌ها مطلع باشند و نیز در سطح جهانی از راه کارها و نقشه‌های استعمارگران آگاهی داشته باشند و بدانند که در طول قرون و اعصار، مستکبران و استعمارگران با کشورهای اسلامی چه کرده‌اند و با مسلمانان چه نوع رفتاری را در پیش گرفتند و هم اکنون چه نقشه‌ها و ترفندها در سر دارند.

چه این که با توجه به گفتار پیغمبر بزرگوار اسلام : «مَنْ أَصْبَحَ لَيْهَتُمْ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ»<sup>۱</sup>.

یعنی: هر فردی درحالی صبح کند که به جریان های امور مسلمانان (امور فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی) اهمیت ندهد جزء مسلمانان و در جرگه مسلمانان نیست. در صورتی می‌توانیم به وظیفه خود عمل کنیم که با اوضاع مسلمانان جهان و با مشکلات

۱. سفینه البحار، ج ۸، ط ج، ص ۷۱۱.

آن‌ها آشنا باشیم.

### حساسیت زمان کنونی

جوانان عزیز ما باید بدانند که **دنیای غرب** (یعنی یهود و نصارا) از آغاز طلوع اسلام چون اسلام را با منافع و مطامع خود در تضاد دیدند، با تکیه به تعصب و خود خواهی با اسلام به مخالفت برخاستند و جنگ‌هایی به وجود آوردند.

ما جریان دنیای غرب در جنگ‌های صلیبی و جریان رفتار آن‌ها با مسلمانان **اسپانیا** و نقشه و عمل آن‌ها در متلاشی کردن **دولت عثمانی** و جریان غارتگری‌های آن‌ها ثروت و منابع فرهنگی کشورهای اسلامی را نمی‌توانیم بدست فراموشی بسپاریم و نادیده بگیریم.

و بالاخره جوانان عزیز ما باید بخوانند و بدانند که در طول قرون و اعصار **دنیای استکباری** با کشورهای اسلامی و غیر اسلامی خصوصاً در **آسیا و آفریقا** چه در قیافه استعمار کهنه و چه در قیافه استعمار جدید چه کرده و چه ترفندهایی را به کار بسته و چه فجایعی را به بار آورده است و **هم اکنون با تهاجم فرهنگی خود چه نقشه‌هایی در سرو چه سودایی در دل دارد.**

ما مگر با چشم خود ندیدیم که پس از پیدایش انقلاب اسلامی با تصمیم و رهبری یک فقیه اندیشمند و شجاع (یعنی امام خمینی اعلی‌الله مقامه) که هدفی جز ریشه کن کردن سیاست استکباری

غرب از سرزمین ایران و تأمین استقلال آن نداشت **دنیای غرب** چه سیاست خصمانه‌ای را با مادر پیش گرفت روزی دست به **حمله نظامی طبرس زد** و یک روز، **۸ سال جنگ تحمیلی علیه ایران اسلامی را تدارک دید** و روزی با تحریم اقتصادی به میدان آمد و هنوز هم رجز می خواند و هل من مبارز می گوید ولی باید بداند که **يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ**<sup>۱</sup>.

**هرکه بر شمع خ - دا آرد پ - فو** **شمع کی میرد بس - وزد پوز او**

ماهم اکنون جریان تهاجم خصمانه اسرائیل اشغالگر علیه مردم مظلوم فلسطین و کشتن و مجروح کردن جوانان و زنان و کودکان آنها و تخریب خانه‌های آنان و آواره کردن آنها و ترفندهای دنیای صهیونیستی به پشتیبانی جهان غرب را می بینیم و صدای کمک خواهی آنها را می شنویم بنابراین بر جوانان عزیز و متعهد ما لازم است دنیای استکبار و استضعاف را بشناسند و از نقشه‌های خصمانه آنها آگاه باشند و در مقابل آنها بایستند و شعار **(إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ)** را همیشه در نظر داشته باشند و پرچم مکتب **(هِيَ هَاتِ مِنْ أَلذَّة)** را همواره در اهتزاز نگاه بدارند.

---

۱. سوره صف، آیه ۸.

### ۱۳. نیازمندی جوانان به راهنمایی

از آنجا که **جوانان عزیز** در مراحل اولیه زندگی هستند و راه زندگی راه پرفراز و نشیب است و از طرفی راه زنان فراوانی نیز در کمین نشسقاند لذا احتیاج شدیدی به **راهنما** دارند، به راهنمایی که راه زندگی را پیموده و سرد و گرم روزگار را چشیده و تجارب فراوانی اندوخته است، لازم است باین قبیل افراد در ارتباط باشند و با آن‌ها در جریان زندگی مشورت کنند و از نصایح و راهنمایی‌های آن‌ها استفاده نمایند تا به اشتباه نیفتند و راه خطا نروند و از صراط مستقیم زندگی منحرف نشوند.

جوانان عزیز! هرچند شما در مدرسه کلاس‌های متعددی را خوانده اید و از جهت علوم مدرسهای و دانشگاهی در سطح بالایی قرار دارید ولی بدانید در کلاس زندگی هنوز در کلاس اول هستید  
**هنوز تازه رسیدی و اوس-تاد فلک      نگفته به رتو اسرار زندگانی را**  
 بنابراین لازم است به پدران و مادران به پیرمردان و پیرزنان و بزرگسالان با دیده احترام بنگرید و نصایح خیر خواهانه آنان را بشنوید تا سعادت‌مند شوید.  
**نصیحتی کنمت بش نو و به -انه مگی -ر**

**هرآنچه ناصح مشفق بگویدت بپندی -ر**  
 روی همین اصل است که **خداوند حکیم** در قرآن کریم سوره‌ای بنام «**لقمان**» نازل نموده و فصلی از نصایح او به فرزند جوان خود را در این سوره آورده است.

## نصیحت قرآنی

باید دانست که در عظمت و جایگاه بلند **لقمان** همین بس است که کلمات او را خداوند متعال و حضرت رسول اکرم و اهل بیت گرامی او ا به عنوان نصاب ارزشمند برای بشریت ذکر می کنند. نصیحت لقمان حکیم به فرزندش که باسه قسمت اعتقادی و عملی و اخلاقی ارتباط دارد به این شرح است:

۱. **يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ .**

ای فرزند عزیزم موحد باش و هرگز برای خداوند شریک چه شریک در خالقیت و چه شریک در عبادت و چه شرک آشکار و چه شرک پنهان قرار مده که شرک انحراف بزرگی از حق است.

۲. **يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ .**

ای فرزند عزیزم اگر ع مل انسان به اندازه خردل ریز و کوچک در دل سنگ یا در اوج آسمان ها یا اعماق زمین باشد خداوند در روز قیامت آن را ظاهر می کند و به حساب می آورد که خداوند ریز بین و باخبر است.

۳. **يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَي مَا أَصَابَكَ إِنْ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ .**

فرزند عزیزم نماز را به پادار و امر به معروف و نهی از منکر

بکن و در این راه هر مشقت و زحمتی را تحمل نما که این کار مهم شایستگی آنرا دارد که با عزم و تصمیم قاطع آن را به انجام برسانی

۴. وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ.

فرزند عزیزم از روی تکبر و بلند پروازی چهره از مردم برمگردان و در روی زمین باتبخر و تکبر راه مرو که خداوند هیچ حيله گر و فخر فروش را دوست نمی‌دارد.

۵. وَاقْصُدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ.<sup>۱</sup>

فرزند عزیزم رفتار خود را در زندگی براساس اعتدال و میانه روی قرار بده و در موقع حرف زدن صدای خود را ملایم و توأم با ادب ظاهر کن.

در این رابطه جوانان عزیز وصیت نامه حضرت امیر مؤمنان برای فرزند گرامیش حضرت مجتبی که درحقیقت برای همه راه جویان راه زندگی صحیح نگاشته شده است که مشتمل برنصایح ومطالب اخلاقی فراوانی است را مطالعه کنند.

در آغاز این وصیت نامه این عبارت را می‌خوانیم:

أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بُنْيٍ وَلُزُومِ أَمْرِهِ  
وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ أَحِي قَلْبِكَ  
بِالْمَوْعِظَةِ وَقِ وَهُ بِالْيَقِينِ وَ نَوْرِهِ

۱. سوره لقمان، تعدادی از آیات ۱۲ - ۱۹.

**بِالْحِكْمَةِ<sup>۱</sup>**

ای فرزند عزیزم تو را به رعایت تقوا و داشتن خوف از خدا و به ملازمت و به کار بستن امر و فرمان او و آباد کردن دلت به یاد اوسفارش می‌کنم دلت را با پند و موعظه زنده کن و با یقین به اصول و ارزش‌ها نیرومند و با علم و حکمت نفرانی بگردان.

**پدران صالح** و وارسته نوشتن وصیت نام‌های که مشتمل بر پندهای حکیمانه برای فرزندان خود باشد را از **حضرت امیرمؤمنان** × یاد گرفتند و در این راستا **سید ابن طاوس** ، کتاب **کشف المحجّه** را برای فرزندش نگاشت و **علامه حلی** در آخر قواعد و وصیت نامه جامع و کاملی برای **فخر المحققین** نوشته است. خوب است افراد شایسته نیز از این کار پیروی کنند و نتیجه تجارب صحیح زندگانی خود را به رشته نگارش در بیاورند و برای فرزندان خود به یادگار بگذارند.

**استفاده از راهنمایی‌های دانشمندان اسلامی**

وبالاخره، جوانان عزیز با **علمایی** که وارث پیامبران خدایند و با وجدان و دلسوزی و عاطفه اسلامی با مردم برخورد می‌کنند و از درد و رنج دردمندان و محرومان اجتماع آگاهند و مشکلات مردم را مشکلات زندگی خودشان می‌دانند و زندگی خود را از سطح

---

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

زندگی فقرا و مستضعفان بالاتر نمی‌برند و مبین احکام خداوند و مرزبان ارزش‌های اسلامی هستند، باید ارتباط داشته باشند و مشکلات خود را با آن‌ها در میان بگذارند و از نصایح و راهنمایی‌های آن‌ها استفاده کنند که حضرت رسول اکرم فرمودند: هر مؤمنی یک ساعت در نزد عالم بنشیند خداوند او را ندامی کند که: در نزد حبیب من نشستی قسم به عزت و جلال خودم تو را در بهشت با او هم‌نشین می‌گردانم.<sup>۱</sup>

ما بر اساس فرمانی که از طرف صاحب العصر و الزمان حضرت مهدی ارواحنا لتراب مقدمه الفداء صادر شده است دستور داریم که در زمانی که آن حضرت از انظار ما غایب است در کلیه حوادث و پیش‌آمدهایی که به وقوع می‌پیوندد به علمایی که در شن‌اخت احادیث و فرهنگ اهل بیت بصیرت دارند مراجعه کنیم<sup>۲</sup> و ارائه راه زندگی را از آن‌ها بخواهیم. که حضرت عسگری × فرمودند:

اگر بعد از غیبت حضرت مهدی علمایی که مردم را به سوی آن حضرت دعوت می‌کنند و از دین خدا با اقامه دلایل و براهین دفاع می‌نمایند و بندگان ضعیف خداوند را از دام‌های شیاطین و اتباع شیاطین و دشمنان اهل بیت نجات می‌دهند، وجود نداشتند یک نفر در دین خدا باقی نمی‌ماند و همه از صراط حق منحرف می‌شدند ولی این علمای اسلام هستند که دل‌های شیعیان را همان طوری که کشتی‌بان کشتی را حفظ می‌کند و نگاه می‌دارد، از لغزش نگاه

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۴.

۲. اکمال الدین، ص ۴۸۴.



---

می‌دارند، و این علما در نزد خدا با فضیلت‌ترین افراد می‌باشند.<sup>۱</sup>

---

۱. المحجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۵ و امل الامل، ج ۱، ص ۹.

### ۱۴. جوان و اشتغال

می دانیم که وسیله زندگی انسان ها در این دنیا آماده خلقت نشده است و لازم است که آن ها با کار و کوشش وسایل زندگی خود را فراهم سازند.

کار وسیله زندگی و مایه عمران و آبادی و حافظ عزّ و شرف انسان است، دین اسلام مردم را به کار و کوشش تشویق و آن را یک نوع عبادت محسوب داشته است. پیغمبر اکرم فرمودند: عبادت هفتاد جزء است و با فضیلت ترین آن طلب حلال است.

و نیز فرمودند: **طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ**.<sup>۱</sup>

یعنی: کوشش در راه به دست آوردن مال از راه حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

**حضرت صادق** فرمودند: کسی که برای اداره عائله خود زحمت کار کردن را تحمل می کند و خسته می شود مانند کسی است که در راه خدا به جهاد پرداخته است.<sup>۲</sup>

رسم حضرت پیغمبر این بود که وقتی بامردی برخورد می نمود و در او نیروی کار کردن، مشاهده می نمود سؤال می کرد آیا حرفه ای

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۶.

۲. کافی، ج ۵، ص ۸۸.

دارد و به کاری مشغول است اگر جواب منفی بود میفرمود «از چشم من افتاد».<sup>۱</sup>

### بوسه پیامبر بر دست انسان زحمت کش

انس بن مالک یکی از اصحاب پیغمبر می گوید: موقعی که رسول اکرم از جنگ تبوک مراجعت می کرد سعد نا می از انصار به استقبال آمد حضرت با او مصافحه کرد و دست «سعد» را زبر و خشن دید فرمود: چه صدمه ای و آسیبی به دستت رسیده است عرض کرد یا رسول الله من با طناب و بیل کار می کنم و درآمد را خرج معاش خانواده ام می نمایم رسول اکرم دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش با آن تماس پیدا نمی کند.<sup>۲</sup>

باید توجه کنیم که کار و اشتغال درباره جوانان اهمیت بیشتری دارد و جوانان عزیز که نیروی مهم کشور و ذخیره ارزشمند می باشند لازم است تمام امکانات و خلاقیت خود را به کار بیندازند تا هم عمران و آبادی و پیشرفت مملکت فراهم شود و هم زندگی آنها تأمین گردد و بر مسئولین امور مملکتی نیز لازم است که برای آنها وسایل اشتغال را فراهم نمایند.

۱. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۶.

۲. اسد الغابة، ج ۲، ص ۲۶۹.

### خداوند جوان بی کار را دوست نمی‌دارد

گذراندن وقت و فرصت برای یک جوان با فراهم بودن وسایل اشتغال در اسلام بسیار مذموم است که حضرت پیغمبر فرمود: **إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الشَّابَّ الْفَارِغَ**. یعنی: **خداوند جوان بی کار را دشمن می‌دارد.**

و بالاخره به همان اندازه که «**کار مشروع**» مقدس و ممدوح است بی‌کاری نیز مخصوصاً برای جوانان مذموم و مورد انتقاد است و روشن است که کار موجب عزت و شرافت و پیشرفت است و بی‌کاری دارای مضرات فراوان فردی، اجتماعی و اخلاقی است.

که از کندن خار کس خوار نیست	به صحرا سرود این چنین خارکن
گه خودپسندی و پندار نیست	جوانی گه کارو شایستگی است
متاع جوانی به بازار نیست	چو بفروختی از که خواهی خرید
تورا برگ و توشی در انبار نیست	ز بازوی خود خواه برگ و نوا
هنرمند مردم سبکسار نیست	قوی پنجه ای تیشه محکم بزن
کسی را رهایی از این بار نیست	ترا بار تقدیر باید کشید
گراین راه همواره هموار نیست	ره رفتگان است عیبش مکن
برای تو این بار بسیار نیست	بجایی که بار است بردوش مور
که یک قطره و ذره بیکار نیست	نشاید که بیکار مانیم ما

### نکاتی در ارتباط با انتخاب شغل

در مورد کار و اشتغال افراد مخصوصاً جوانان عزیز تذکر چند

نکته لازم به نظر می‌رسد:

۱. برای این که در اشتغال خود موفق باشند کاری را انتخاب کنند که در خور استعداد و میل باطنی آنها باشد.
۲. در صورت امکان شغلی را انتخاب کنند که مهم تر و دارای اثر اجتماعی و اقتصادی بیشتر باشد که حضرت صادق فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ يُجِبُ مَعَالِي الْأُمُورِ وَيَكْرِهُ سَفْسَافَهَا**.<sup>۱</sup>

خداوند کارهای مهم و بلند را دوست می دارد و کارهای پست و پایین را دوست نمی دارد.

۳. نباید به کار، تنها از نظر درآمد و وسیله معیشت زندگی نگله کنند؛ زیرا شغل انسان، سازنده شخصیت اجتماعی و صفات اخلاقی انسان نیز هست.

شغل‌ها همان طور که از نظر مشروع و نامشروع بودن فرق دارند از **نظر ارزش** معنوی و اجتماعی نیز متفاوت می باشند چه این که در هر شغلی انسان با محیط کاری خاصی مرتبط می شود و با افراد مخصوصی انس می گیرد و ارتباط برقرار می کند و همه این ها در فکر و اراده و صفات روحی انسان اثر می گذارد.

بنابراین اگر سعی کنیم شغلی را انتخاب نماییم که در بالا بردن ارزش معنوی و صفات روحی و اخلاقی ما مؤثر باشد بهتر خواهیم بود.

۴. قصد و نیت انسان همان طور که در سایر جاها مؤثر است در

۱. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۲۳.

موضوع شغل و کار نیز تأثیر زیادی دارد و از نظر اسلام اگر در کار و شغل، انگیزه انسان تأمین معاش خود و خانواده و بستگان خود و خدمت به جامعه باشد، بسیار ممدوح و موجب تکریم و احترام است. و اگر مقصود ثروت اندوزی و فخرفروشی و تفوق جویی باشد چنین کاری مقدس نیست و صاحبش از صراط فضیلت منحرف می‌باشد.

به طور خلاصه نظر اسلام این است که مسلمانان هم کار کنند و هم راه کارهای خوب و مفید و مهم را به دست بیاورند تا با داشتن نیروی کارآمد انسانی و منابع مهم طبیعی فقر و احتیاج را از چهره زندگی بزدایند و در همه ابعاد زندگی مستقل بشوند. برای نمونه به این گفتار نغز از حضرت امیر مؤمنان<sup>ع</sup> توجه کنید

مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَاباً وَ افْتَقَرَ  
فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ<sup>۱</sup> مردمی که آب و خاک دارند ولی محتاج می‌باشند خداوند آن‌ها را از رحمت خود دور بدارد.

### ۱۵. جوان و ازدواج

از جمله موضوعاتی که بر جوانان عزیز توجه به آن لازم است موضوع «ازدواج» است. قرآن مجید به عنوان یک دستور مهم زندگی افراد جامعه را

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۳، به نقل از قرب الاسناد، ص ۵۵.

موظف می‌کند که در راستای «ایجاد ازدواج» و تشکیل خانواده برای کسانی که همسر ندارند بکوشند و می‌فرماید:

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ  
مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ  
يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.<sup>۱</sup>

مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر را به نکاح یکدیگر در بیاورید<sup>۲</sup> و از فقر مترسید که اگر مرد و زنی فقیر باشند خداوند به لطف خود آنان را بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود که خداوند به احوال بندگان آگاه و رحمتش بسیار وسیع است.

### حفظ دین در سایه ازدواج

در فرهنگ اسلامی «ازدواج کردن» یکی از اسباب و عوامل

حفظ دین قلمداد شده است که حضرت رسول اکرم فرمودند:

مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَخْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ  
اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي.<sup>۳</sup>

یعنی: کسی که اقدام به ازدواج کرد نصف دین خود را حفظ

کرده است و بنابراین در حفاظت نصف دیگر دین خود به وسیله

رعایت تقوا و تعهد، لازم است که بکوشد.

۱. سوره نور، آیه ۳۲.

۲. ذکر تزویج بردگلف و کنیزان در آیه از این جهت است که در آن روز معمول بود.

۳. سفینة البحار، ج ۱، ص ۵۶۱.

حضرت صادق فرمودند: ثواب دورکعت نماز کسی که همسر دارد (مرد یا زن) هفتاد برابر ثواب نماز کسی است که همسر ندارد.<sup>۱</sup>

### ازدواج موجب فراوانی روزی

در آیه شریفهای که ذکر گردید این مطلب نیز مورد توجه قرار گرفته است که: ممکن است مانع بسیاری از افراد از اقدام به ازدواج مسأله فقر و عدم تمکن مالی باشد، در این مورد خداوند کریم با وعده امیدآفرین خود این مانع را از سرراه ازدواج بر می دارد و وعده می دهد که اگر مرد و زنی در آستانه ازدواج فقیر باشند این مسأله را مانع ازدواج خود قرار ندهند که خداوند به آنها تمکن مالی و توانگری عطا خواهد فرمود و لذا حضرت پیغمبر ا فرمود: **کسی که از ترس فقر اقدام به ازدواج نکند نسبت به خداوند بدگمانی به کار بسته است چه این که خداوند فرمودند : إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ .** یعنی: خداوند به لطف خود آنان را بی نیاز و مستغنی خواهد کرد.<sup>۲</sup>

حتی پیشوایان معصوم دینی به افرادی که به محضر آنها شرفیاب شده از گرفتاری فقر و احتیاج خود لب به شکایت و اظهار ناراحتی

۱. آدرس پیشین.

۲. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۲۳.



می‌گشودند؛ می‌فرمود: **ازدواج کنید.**

شخصی در محضر مبارک حضرت رسول اکرم | از مضیقه اقتصادی شکایت کرد حضرتش فرمودند: **ازدواج کن تا مشکلات مالی تو برطرف شود** و این جریان تاسه مرتبه تکرار شد و هر دفعه آن حضرت وی را امر به ازدواج کرد.

و نیز فرمود: **إِتَّخِذُوا الْآهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقَ لَكُمْ<sup>۱</sup>.**

یعنی: همسر اختیار کنید و خانواده تشکیل بدهید که این موضوع موجب فراوان تر شدن روزی و بهبود وضع معیشت شما خواهد شد.

باید دانست که **اگر کسی بترسد که اگر ازدواج نکند به حرام و معصیت می‌افتد ازدواج بر او واجب است و اگر اقدام به ازدواج نکند گناهکار است.**

### وظیفه مسئولان در قبال ازدواج جوانان

این موضوع را نیز باید مورد توجه قرار بدهیم که مسئولین مهم مملکتی در تأمین وسایل ازدواج جوانان مسؤولیت مهمی دارند و لازم است در تسهیل این امر و تأمین وسایل و اسباب ازدواج جوانان بکوشند و نیز هر گامی در این راه دارای ثواب و فضیلت

۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۶۱.

است که حضرت موسی بن جعفر × فرمودند: **ثَلَاثَةٌ يَسْتَظِلُّونَ بِظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ**<sup>۱</sup>.

یعنی: سه طایفه در سایه عرش خدا در روزی که سایه های جز سایه عرش الهی وجود ندارد قرار می گیرند:

**۱. کسی که در راه تزویج برادر دینی خود گام بردارد و اقدام کند؛**

**۲. کسی که به برادر دینی خود خدمت نماید؛**

**۳. کسی که در حفظ اسرار برادر دینی خود کوشش کند.**

و بالاخره توصیه و تأکید پیشوایان معصوم بر این است که در امر ازدواج قبل از هر چیز و بیش از همه چیز به ایمان و تقوا و تعهد اسلامی توجه کند رسول اکرم | فرمودند: هنگامی که اشخاصی که از جهت اخلاق و تعهد اسلامی و تدین ، شایستگی دارند برای خواستگاری آمدند در ازدواج و وصلت با آنها جواب منفی ندهید و به ازدواج با آنها اقدام کنید وگرنه فتنه و فساد بزرگی دامنگیر جامعه خواهد شد.<sup>۲</sup>

## ۱۶. جوان و ولایت اهل بیت عصمت

**اعتقاد ما بر اساس دلائل فروانی که در دست داریم این است که**

۱. سفینة البحار، ج ۱، ص ۵۶۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ط ج، ص ۱۸۸.

«منصب امامت» نیز مانند «منصب نبوت» منصب الهی است و «امام» کسی است که از طرف خداوند معرفی شده باشد. یعنی همان طور که **خداوند متعال** برای هدایت مردم فردی را که در اوج کمالات و فضائل انسانی است که از جمله آن کمالات و فضائل داشتن مقام عصمت و مصونیت از گناه و خطا است به عنوان پیغمبر - پیام آور الهی - برمی‌گزیند و او را به وسیله معجزات و کرامات خارق‌العاده مورد پشتیبانی خود قرار می‌دهد تا به این وسیله بتواند رسالت خود را در راه هدایت و رهبری جامعه انجام بدهد، **خداوندگار حکیم و علیم** فردی را نیز که از جهت کمالات انسانی دارای مقام عصمت و مصونیت از خطا و لغزش است برای این که سگ‌اندار کشتی هدایت و رهبری جامعه باشد به عنوان **امام** یعنی جانشین پیغمبر بر می‌گزیند و به وسیله پیغمبر خود او را به مردم معرفی می‌نماید.

### ستمگران شایسته پیشوایی مردم نیستند

یکی از دلائل عصمت امام این آیه از قرآن مجید است:

وَ اِذْ ابْتَلٰٓى اِبْرٰهٖمَ رَبُّهٗ بِكَلِمٰتٍ  
فَاتَمَّهَنَّ قَالٍ اِنِّىْ جَاعِلُكَ لِّلنَّاسِ اِمَامًا  
قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِيْ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِيْ

### الظَّالِمِينَ!

یعنی خداوند ابرا هیم با جریان ها یی که به وجود آورد مورد آزمایش قرار داد و چون ابراهیم همه این جریان ها را به انجام رسانید خداوند به او فرمود من تو را «امام مردم» قرار می دهیم ، ابراهیم گفت: پروردگارا از ذریه من نیز کسانی را برای رسیدن به مقام امامت انتخاب کن خداوند در جواب فرمود: پیمان امامت هرگز به ستمگران نمی رسد.

بر اساس این آیه منصب امامت آنقدر دارای بار قداست و عظمت است و این لباس به قدری والا است که هرگز قامت ها ی نارسای افرادی که در عمر خود یک لحظه هم به خود یا به دیگران ستم کرده باشند شایستگی پوشیدن این لباس را ندارند.

### دین اسلام با «ولایت» به سر حد کمال رسید

بر اساس نقل مسلم تاریخ شیعه و سنی حضرت رسول اکرم در سال دهم هجرت پس از مراجعت از حجّة الوداع (آخرین حجّی که آن حضرت انجام داد) به امر خداوند متعال حضرت علی را در میان ده ها هزار نفر که از اطراف و اکناف جهان اسلام آن روز برای شرکت در انجام مراسم حج و فراگرفتن احکام آن از رسول خدا برگرد شمع وجود آن حضرت اجتماع کرده بودند در «غدیر خم»

۱. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

به عنوان جانشین خود معرفی نمودند و در این مورد این آیه نازل گردید:

الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ  
عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضَيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ  
دِينًا<sup>۱</sup>.

یعنی : امروز دین شما را به سر حد کمال رسانیدم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را با نصب علی به خلافت مورد رضایت خویش قرار دادم.<sup>۲</sup>

### معرفی امامان دوازده گانه

بر پایه روایات معتبر اسلامی حضرت رسول اکرم علاوه بر جریان غدیر خم که ذکر گردید حضرت علی را در موارد دیگر نیز جانشین خود معرفی کرد و ائمه دیگر را نیز با نام و نشان معرفی نمود و هر یک از امامان نیز امام بعد از خود را تا امام دوازدهم حضرت مهدی نیز بیان کردند و هر یک از این امامان در عصر خود وظیفه هدایت جامعه را با تحمّل رنج‌های فراوان بر عهده گرفتند و جز امام دوازدهم حضرت مهدی که هنوز زنده است و دنیای پر آشوب درانتظار طلوع و ظهور پر برکت او در تب و تاب بسر

۱. سوره مائده، آیه ۳.

۲. به جلد ۱ کتاب ارزشمند الغدیر مراجعه کنید.

---

می‌برد به مقام **شهادت** نائل گردیدند **امام عصر** نیز فقهای بزرگ اسلام را به عنوان سگّاندار کشتی هدایت و اداره جامعه اسلامی در زمان غیبت خود معرفی نموده است.

### حق عیانست ولی طائفه‌ای بی‌بصرند

«تشیع» که همان اسلام ناب و اصیل است از آغاز با منطق و برهان این راه را پیموده است و هرگز زیر بار حکومت ستمگران نرفته است.

شیعه در طول تاریخ زیر شمشیر جلادان نشسته و در مسلخ جباران روزگار جان و خون داده و لی در تمام این جریان های تلخ و روزگاران سخت از گوشه زندان ها و از بالای چوبه دارها منطق با صلابت خود را منتشر ساخته و لحظه ای بر حکومت ستمگران گردن نهاده و جز با امام معصوم و جانشین او پیوند فرمانبری و فرمان پذیری بر قرار نکرده است و این موضوع یکی از مفاخر و امتیازات ما شیعیان است.

شیعه حرف حق خود را گاهی با مناظره و بیان و گاهی با قلم و کتاب زده است در این مورد برای نمونه جلسه مناظره شیخ صدوق در بغداد و علامه حلی در مجلس سلطان خدابنده را در نظر بگیرند و کتاب های شرح تجرید و عبقات الانوار و الغدیر و المراجعات و معالم المدرستین را مطالعه کنید.

### اهل بیت پیغمبر همتای قرآن می‌باشد

یکی از احادیث مشهور و متواتر و مسلّم میان شیعه و اهل تسنن

این حدیث است که حضرت پیغمبر فرمودند:

اِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابِ اللَّهِ وَ عَثَرَتِي مَا اِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا

وَ انَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلِي  
الْحَوْضِ!

یعنی من در میان شما دو چیز گرانقدر: کتاب خدا و عترت خود رابه جا می‌گذارم اگر ملازم و همراه این دو باشید و از این دو چیز پیروی کنید هرگز دچار گمراهی نخواهید شد و این دو تا با هم هستند و از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد می‌شوند.

از این حدیث شریف این چند مطلب استفاده می‌شود:

۱. اهل بیت پیغمبر که همتای قرآن مجید قرار گرفتند بهترین و با فضیلت‌ترین مردم می‌باشند و در این فضیلت هیچ کس به پایه آن‌ها نمی‌رسد.

۲. همان طور که همه مردم برای به دست آوردن راه صحیح زندگی در همه ابعاد آن به قرآن احتیاج دارند به عترت پیغمبر نیز که مبین و ترجمان قرآن می‌باشند محتاج هستند.

۳. همان طور که این احتیاج نسبت به قرآن تا قیامت ادامه دارد احتیاج به عترت پیغمبر نیز تا قیامت دوام دارد.

۴. همان طور که سر پیچی و تخلف از هدایت قرآن موجب ضلالت و گمراهی است تخلف از هدایت اهل بیت پیغمبر نیز گمراهی است.



۵. **عترت پیغمبر** دارای مقام عصمت می‌باشند چه این که آن‌ها همتای قرآن و در ردیف آن قرار گرفته و مانند قرآن راهنمای جهانیان معرفی شده‌اند و همان طور که **خطا و اشتباه در قرآن** مجید که کلام خداوند است راه ندارد، در **ساحت اهل بیت پیغمبر** نیز **خطا و اشتباه راه ندارد**

### ولایت اهل بیت بر دو پایه استوار است

باید توجه داشت که ولایت اهل بیت عصمته دو پایه استوار است

۱. **تَوَلَّى** یعنی: دوست داشتن آن‌ها.

۲. **تَبَرَّى** یعنی: دشمنان اهل بیت را دشمن داشتن و از

آن‌ها بیزار بودن.

### محمد فرزند جوان ابوبکر

حضرات ائمه نیز کسی را شایسته دوستی خود و دارای ولایت می‌دانستند که از هر دو جهت یعنی **تَوَلَّى** و **تَبَرَّى** کامل باشد در این **جا** برای نمونه به شرح حال یکی از «**جوانان**» که معرفت ولایتی او بر این دو پایه قرار گرفته بود را ذکر می‌کنیم:

**محمد** فرزند ابو بکر از یاران مخصوص و با وفای حضرت

**امیرمؤمنان** × است که **حضرت کاظم** فرمود: در روز قیامت این ندا

از جانب خداوند بلند می‌شود که کجایند «**حواریین**» یعنی دوستان

خالص علی بن ابی طالب؟.

در پاسخ به این ندا از میان جمعیت عرصه محشر **عَمْرُو بن حَمَق خُزَاعِي** و **محمد فرزند ابو بکر** و **میثم تمار** و **اویس قرنی** بر می‌خیزند.<sup>۱</sup>

**محمد بن ابی بکر** در نتیجه معرفت کامل خود حضرت علی را جانشین پیغمبر و پدر خود ابو بکر را غاصب خلافت می‌دانست او در موقع مرگ پدر خود در حدود سه سال داشت و لی بعد از رشدو بالندگی حق را شناخت و به ولایت حضرت امیر مؤمنان گرایش پیدا کرد و کنار قبر پدر خود این اشعار را خواند و به حلقه یاران آن حضرت پیوست:

يَا اَبَانَا قَدْ وَجَدْنَا مَنْ صَلَحَ      خ اب مَنْ اَنْت ابوه وَافْتَضَحَ  
 اَنْمَا اَخْرَجْنِي مِنْكَ الَّذِي      اَخْرَجَ الدَّرَّ مِنَ الْمَاءِ الْمَلَحِ  
 يَا بَنِي الزُّهْرَاءِ اَنْتُ م ع دَّتِي      وَ بِكُمْ فِي الْحَشْرِ مِيزَانِي رَجَحَ  
 وَاِذَا صَحَّ وَاِلَائِي فِئْتِكُمْ      لِاَبَالِي اِي كَلْبٍ قَدْ نَبِحَ ۲

یعنی:

۱. ای پدر کسی که صلاحیت خلافت پیغمبر دارد را ما یافتیم و به دست آوردیم و کسری که پدری مانند تو غاصب خلافت را دارد از جهت نَسَب رسوا می‌باشد.
۲. آن خداوندی که از آغوش دریای شور در و گوهر پدید

۱. رجال کشی، ج ۱، ص ۴۱ و ۳۰.

۲. تحف الاخبار، ص ۳۰۵.

می آورد از صُلب تو مرا به وجود آورده است.

۳. ای فرزندان زهرا شما پناهگاه من هستید و به واسطه اعتقادی که به شما دارم در روز قیامت میزان عمل من سنگین خواهد شد.
۴. در هنگامی که ولایت من در باره شما کامل است هر سگی هر بانگی که بزند برای من مهم نیست و گوش نمی دهم.

### محمد فرزند جوان ابوبکر شهید راه ولایت

حضرت امیر مؤمنان درباره او می فرمود: محمد فرزند من است از صُلب ابی بکر، او در جنگ جَمَل و صفین در رکاب امیر مؤمنان بود و در سال ۳۶ هجری که محمد ۲۷ سال داشت حضرت امیر او را به عنوان فرماندار کشور مصر برای اداره آن مملکت گسیل کرد و در

این رابطه نامه ای به او به منظور دستور العمل عطا کرد که هم اکنون آن نامه به عنوان یک سَنَد جامع و کامل برای عمل فرمانروایان اسلامی در نهج البلاغه می درخشد.

این نامه درخشان با این عبارت آغاز میشود:

**وَ اخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ** یعنی: با مردم بر اساس تواضع رفتار کن و آخرین جمله این نامه این است: **وَ اعْلَمْ ان كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبِعَ لِمَصَلَاتِكَ** بدان که تمام اعمال و برنامه های بتبع نماز تو است که اگر نماز مرتب و منظم و صحیح باشد اعمال و برنامه های دیگر تو نیز صحیح و منظم

خواهد بود.

**محمد** به حوزه مأموریت خود یعنی کشور مصر عزیمت کرد و در آن مملکت با قدرت و درایت خود به اداره آن کشور مشغول گردید از طرفی معاویه هم چون به مملکت مصر بوجه و علاقه داشت تصمیم به برهم زدن نظام حکومت محمد بن ابی بکر گرفت و در این رابطه یک لشگر شش هزار نفری را به سرکردگی عمرو بن عاص به طرف کشور مصر گسیل کرد و محمد بن ابی بکر در برابر لشگر معاویه به دفاع پرداخت و در ضمن این جنگ محمد بن ابی بکر به شهادت رسید و لشگریان معاویه با کمال شقاوت و قساوت بدن این شهید رادر داخل جثه الاغی گذاشتند و آتش زدند و خاکستر کردند.<sup>۱</sup>

### ولایت اهل بیت شرط قبول شدن اعمال است

باید توجه داشت که بر اساس روایات معتبر اسلامی بدون داشتن ولایت هیچ عملی مورد قبول درگاه خداوند قرار نمی‌گیرد. حضرت باقر × فرمودند: اگر کسی در تمام عمر خود شب‌ها به عبادت قیام کند و روزها روزه بگیرد و همه اموال خود را تصدق بدهد و در همه سال‌ها برای انجام حج به خانه خدا برود و لی

۱. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۱۰۳ و تاریخ کامل، ج ۲، ص ۴۱۲ - ۴۱۳.

ولایت اهل بیت عصمت را نداشته باشد برای این اعمال هیچ پاداشی به او داده نخواهد شد<sup>۱</sup>.

### ولایت در (۵) مرحله خلاصه می‌شود

و بالاخره «ولایت» در این (۵) مرحله خلاصه می‌شود:

۱. دوست داشتن اهل بیت عصمت چنان که ذکر گردید.
۲. لزوم فراگرفتن معارف و احکام دین از اهل بیت که همتای قرآن می‌باشد همان طور که بیان گردید.
۳. اختصاص زعامت و رهبری جامعه به آنها و جانشین آنها.
۴. واسطه فیض پروردگار متعال بودن که بر قراری نظام هستی و وجود نعمت‌های خدا همه و همه به طفیل وجود پر برکت هلال است.
۵. ولایت تکوینی یعنی با اذن خداوند متعال قدرت تصرف درعالم هستی از قبیل زنده کردن مردگان و بینا کردن نابینایان را دارند

### هر چه در دفتر صنع است و کتاب ملکوت

عالم بزرگوار و محقق عالی قدر آیت الله حاج شیخ محمد اصفهانی که عمری را در فرهنگ اسلامی و معارف تابناک اهل بیت عصمت سپری کرده است در قطعه‌ای از اشعار خود خطاب به امام عصر # چنین می‌گوید:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۹۱.

سرخ سرگشته چو گوئیست به چوگان	سرخ سر ما و قدم سرو خرامان شما
موری اندر نظر همت سلمان شما	نبود ملک سلیمان همه با آن عظمت
اولین مرحله رفرف جولان شما	قاب قوسین که آخر قدم معرفت است
مه فروزان بود از شمع شبستان شما	مهر با شاهد بزم تو برابر نشود
نیست دررتبه مگرریزه خورخوان شما	گرچه خود قاسم الارزاق بود میکائیل
قلم صنع رقم کرده به عنوان شما	هرچه در دفترصنع است و کتاب ملکوت

### جلوه تعهد و آگاهی در زندگی جوانان عزیز ما

هم اکنون در کشور ما بسیاری از جوانان عزیز و متعهد ما که در زیر چتر ولایت اهل بیت عصمت در راه حفظ ارزش‌های اسلامی گام برمی دارند و دیروز در جبهه‌های جنگ علیه نقشه‌های استکباری حماسه‌ها آفریدند و امروز سیمای روشن و مصمم آنان را در مراکز اعتکاف و جلسات دعای ندبه و کمیل و مجامع مذهبی می‌بینیم به این امید صبح را به شام و شام را به صبح می‌رسانند که جزء یاران و سپاهیان حضرت مهدی صاحب الزمان # باشند.

چه این که بیشتر یاران آن حضرت به طوری که حضرت امیرمؤمنان × خبر دادند جوان‌ها می‌باشند.

این جوانان عزیز انتظار فرج را که برترین و با ارزش‌ترین اعمال است سر لوحه برنامه زندگی خود قرار داده و در راستای ولایت باقدم‌های ثابت و استوار حرکت می‌کنند.

حضرت امام زین العابدین × فرمودند:

کسی که در زمان غیبت قائم ما عجل الله فرجه بر ولایت ثابت  
و استوار بماند خداوند به او پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و احد  
عنایت می فرماید!

### آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

اساتید بزرگ ما رضوان الله علیهم همیشه به ما تاکید می کردند  
که تنها راه موفقیت در زندگی ارتباط با قطب عالم هستی حضرت  
ولی عصر است و در این رابطه (۳) موضوع مورد تاکید آنان بود:  
۱. داشتن تقوا یعنی خود نگهداری از انحراف و گناه.

۲. گاهی انجام بعضی از اعمال نیک از قبیل خواندن قرآن و  
تصدق در راه خدا و به جا آوردن زیارت و اهدای ثواب آن به  
پیشگاه حضرت ولی عصر # که این موضوع در توجه و نظر آن  
حضرت به ما تاثیر دارد.

آنان که خاک را بنظر کیمیا کنند شاید ز لطف گوشه چشمی به ما کنند

۳. هر روز یکی از زیارت‌های آن حضرت مخصوصاً زیارت آل

یاسین یا دعای عهد آن حضرت را خواندن.

در دعای عهد که صبح‌ها خوانده می شود و از حضرت امام

صادق × نقل شده است که فرموده‌اند: هر کس (۴۰) صباح آن را

۱. یوم الخلاص، ج ۱، ص ۳۷۱.

بخواند از یاران حضرت مهدی باشد و اگر از دنیا هم برود خداوند او را هنگام ظهور آن حضرت باین دنیا برمی گرداند تا در رکاب حضرتش در راه استقرار دولت کریمه گام بردارد.

در ضمن «دعای عهد» کسی که این دعا را می خواند پس

از فرستادن درود فراوان به محضر صاحب العصر و الزمان

ارواحنا لتراب مقدمه الفداء با آن حضرت هر روز تجدید بیعت

می کند و پیمان می بندد که جزء یاران و حامیان حضرتش باشد و در

راه اجرای هدف مقدس آن حضرت تا مرز شهادت اعلام آمادگی

می نماید حتی از خداوند متعال تقاضا می کند که اگر در حال حیات

خود ظهور آن حضرت را درک نکرد او را پس از مرگ ، در حالی

که کفن بر دوش و شمشیر به دست و نیزه در کف دارد لَبَّیکَ گویان

از قبر بر انگیزد تا به صف ملازمین رکاب حضرتش به پیوندد.

و بالاخره با تقاضای مصرانه و مسالت خاضعانه می گوید:

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ  
الْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظْرَةِ  
مِئِّي إِلَيْهِ .

ای خدا به من چشم انتظار آن طلعت زیبا را که چشم همه اهل

عالم مشتاق دیدار اوست بنما و آن چهره پسندیده رشید را پدیدار

کن و سرمه وصال آن جمال دل آرا را بر چشم من بکش.

\* \* \* \*

عمرم تمام گشت ز هجران روی تو ترسم شهباه خاک برم آرزوی تو

دامن پر از ستاره کنم شب ز اشک چشم چون بنگرم به ماه و کنم یادروی تو



---

تا کی زهجر روی تو سوزیم همچو شمع شبها به یاد روی تو و گفتگوی تو

**احكام  
و مسائل شرعی**

## احکام تقلید

**مسئله ۱:** تقلید این است که انسان با استناد به فتوای مجتهد عمل کند.

**مسئله ۲:** مجتهدی که انسان از او تقلید می کند، باید دارای صفات زیر باشد:

۱. مرد.
۲. بالغ.
۳. عاقل.
۴. شیعه دوازده امامی.
۵. حلال زاده.
۶. عادل.
۷. زنده.

(عادل کسی است که دارای حالت خداترسی باطنی است که او را از انجام گناه - چه گناه بزرگ و چه گناه کوچک - باز می دارد).

**مسئله ۳:** در مسائلی که مجتهدین اختلاف نظر دارند باید از «اعلم» تقلید کند.

**مسئله ۴:** «مجتهد» و «اعلم» را از سه راه می توان شناخت:

اوّل: این که خود انسان اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

دوّم این که دو نفر عادل از اهل علم به او خبر دهند، به شرط این که دو نفر عالم دیگر برخلاف گفته آن‌ها شهادت ندهند. سوم: این که آن چنان در میان اهل علم و محافل علمی مشهور باشد که انسان یقین پیدا کند او اعلم است.

**مسأله ۵:** عمل کردن به فتوای مجتهد مرده ابتداءً جایز نیست ، هر چند اعلم باشد.

**مسأله ۶:** لازم است هر کس مسائلی را که معمولاً مورد احتیاج او واقع می‌شود یاد گیرد یا طریقه احتیاط آن را بداند.

**مسأله ۷:** فتوا دادن و اظهار نظر کردن در مسائل شرعی برای کسی که مجتهد نیست (یعنی قادر به استنباط احکام از مدارک و دلایل آن نمی‌باشد) حرام است و مسئول اعمال تمام کسانی است که به گفته او عمل می‌کنند.

**سؤال:** شخصی مدّتی بدون تقلید اعمالی را انجام داده است اکنون حکمش چیست؟

**جواب:** باید هم اکنون تقلید کند و آنچه مطابق دستور مرجع فعلی او واقع شده صحیح است و غیر آن را باید اعاده کند.

**مسأله ۸:** حاکم شرع اگر حکم کرد بر همه واجب است عمل نمایند مگر این که خلاف آن یقینی باشد.

**سؤال:** چرا تقلید واجب است

---

**جواب:** به دلیل عقل و بنای عقلای دنیا که جاهل در هر مسئله‌ای باید به عالم رجوع کند، آیا شما هرگاه مریض شوید از طبیب دستورنمی‌گیرید؟ احکام دین را نیز باید از متخصصان آن فرا گرفت.

## چیزهای نجس

طهارت و پاکی بدن و محیط زندگی ، در اسلام دارای اهمیت بسیاری است. انسان باید از خوردن و آشامیدن چیزهای نجس دوری کرده و بدن و لباسش برای «نماز» که بهترین شیوه پرستش پروردگار عالم است، پاک باشد. بنابراین شناختن چیزهای نجس و آموختن شیوه پاک کردن آنها نیز لازم است.

**مسئله ۹:** در عالم همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با اینها نجس شود.

**مسئله ۱۰:** چیزهای نجس عبارت است از:

۱. ادرار (بول).
۲. مدفوع (غائط).
۳. منی.
۴. مردار.
۵. خون.
- ۶ و ۷. سگ و خوک.
۸. شراب.
۹. آبجو.
۱۰. کافر.
۱۱. عرق شتر نجاست خوار.

### ۱ و ۲. بول و غائط

**مسئله ۱۱:** بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشت که خون جهنده دارد - یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن به سرعت جاری می‌شود - نجس است، و فضله حیوانات کوچک - مثل پشه و مگس و مانند آنها - پاک است بنابراین از فضله موش و گربه و حیوانات درنده و پرندگان حرام گوشت باید اجتناب کرد.

### ۳. منی

**مسئله ۱۲:** منی حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، خواه حرام گوشت باشد یا حلال گوشت.

### ۴. مردار

**مسئله ۱۳:** مردار حیوانی که خون جهنده دارد نجس است چه خودش مرده باشد یا به غیر دستوری که در شرع معین شده آن راکشته باشند و ماهی چون خون جهنده ندارد اگر چه در آب هم بمیرد پاک است

### ۵. خون

**مسئله ۱۴:** خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، ولی خون حیواناتی که خون جهنده ندارند مانند ماهی و مار و همچنین خون پشه پاک است.

**مسئله ۱۵:** هرگاه حیوان حلال گوشت را مطابق دستور شرع سر ببرند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید خونی که در بدنش باقی می ماند پاک است، مگر این که سر حیوان را در جای بلند قرار دهند و خون به بدن حیوان برگردد و اگر به علت نفس کشیدن، خون برگردد احتیاط واجب، اجتناب است.

**مسئله ۱۶:** خونی که در تخم مرغ است بنا بر احتیاط واجب نجس است، و خوردن آن نیز حرام است ولی اگر در میان پرده رقیقی است و آن پرده پاره نشده بقیه اجزاء آن پاک است.

**مسئله ۱۷:** خونی که به هنگام دوشیدن شیر در آن دیده می شود نجس است و شیر را هم نجس می کند.

**مسئله ۱۸:** خونی که از لثه یا جای دیگر دهان بیرون می آید نجس است و خوردن آن حرام است.

**مسئله ۱۹:** زرد آنهای که گاه موقع خراشیدگی پوست یا در اطراف زخم پیدا می شود چنانچه معلوم نباشد خون است یا با خون مخلوط شده پاک است.

**مسئله ۲۰:** پوست سرخ رنگی که بعد از شستن زخم یا هنگام بهبودی روی زخم ظاهر می شود پاک است، مگر این که یقین حاصل شود خون در آن است.

## ۶ و ۷. سگ و خوک

**مسئله ۲۱:** سگ و خوک معمولی نجس است حتی مو و پنجه



وناخن و رطوبت‌های آن نجس می‌باشد ولی سگ و خوک دریایی پاک است.

### ۸. کافر و آن‌ها که در حکم کافرند

**مسئله ۲۲:** کافر - یعنی کسی که خدا یا پیغمبر اسلام را قبول ندارد، یا برای خدا شریکی قرار می‌دهد یا رسالت حضرت محمد را قبول ندارد یا منکر معاد است - نجس است ولی اهل کتاب یعنی یهود و نصارا پاک می‌باشند.

**مسئله ۲۳:** کسی که در جامعه اسلامی زندگی می‌کند و از اعتقادات او خبر نداریم، پاک است و جست و جو و تفتیش لازم نیست و نیز در جوامع غیر اسلامی، چنانچه افرادی باشند که معلوم نباشد مسلمان هستند یا کافر، پاکند.

### ۹. مسکر مایع

**مسئله ۲۴:** شراب و هر مایعی که انسان را مست می‌کند نجس است اما اگر مثل بنگ و حشیش باشد که مخدر و مستی آور است اما ذاتاً مایع نیست پاک است، هر چند آن را با آب مخلوط کنند و به صورت مایع درآورند، اما استعمال آن به هر حال حرام است.

**مسئله ۲۵:** الکل طَبّی و صنعتی که انسان نمی‌داند از چیز مست کننده مایع گویفته شده پاک است ، همچنین ادکلن و عطرها و داروهایی که با الکل طَبّی یا صنعتی مخلوط است.

**۱۰. آبجو**

**مسئله ۲۶:** مشروب الکلی که از جو گرفته می شود و به آن «آبجو» می گویند حرام است و از جهت نجاست مانند شراب است، ولی آبی که برای خواص طبّی از جو می گیرند و به آن «ماءالشعیر» می گویند وابتداً مسکر نیست، پاک و حلال است.

**۱۱. عرق شتر نجاست خوار**

**مسئله ۲۷:** عرق شتر نجاست خوار، بنا بر احتیاط واجب نجس است.

**مسئله ۲۸:** اگر آب انگور بخودی خود جوش بیاید نجس است و اگر به واسطه آتش جوش بیاید حرام است ولی نجس نیست و اگر به واسطه جوشاندن با آتش دو سوم آن کم شود حلال است.

**مسئله ۲۹:** خرما و موئی و کشمش و آب آن ها اگر جوش بیاید پاک و حلال است.

**مسئله ۳۰:** عرق جنب از حرام نجس نیست ولی احتیاط واجب آن است که با بدن یا لباسی که به آن آلوده شده نماز نخوانند.

**راههای ثابت شدن نجاست**

**مسئله ۳۱:** نجس بودن چیزی از سه راه ثابت می شود:  
اول: آن که انسان یقین پیدا کند، ولی گمان حتی گمان قوی کافی نیست، بنابراین غذا خوردن در بعضی از اماکن عمومی که گاه

انسان گمان قوی به نجس بودن آنها دارد جایز است، مگر آن که یقین به نجاست پیدا کند.

دوم: آن که ذوالید یعنی کسی که چیزی در اختیار اوست (مانند صاحب خانه و فروشنده و خدمتکار) خبر دهد که آن چیز نجس است.

سوم: دو نفر عادل و یا حتی یک نفر عادل گواهی دهد.

**مسئله ۳۲:** چیزی که پاک بوده اگر انسان شک کند نجس شده است یا نه، پاک است و اگر چیزی قبلاً نجس بوده شک دارد پاک شده یا نه، نجس است.

**مسئله ۳۳:** هرگاه گمان کند چیزی نجس شده، تفحص و جست و جوو سؤال کردن لازم نیست.

**مسئله ۳۴:** مستحب است علاوه بر رعایت مسائل مربوط به طهارت و نجاست، نظافت و پاکیزگی در بدن و لباس و خانه و مسکن و مرکب و تمام محیط زندگی رعایت شود، همان گونه که پیغمبر اکرم و ائمه هدی<sup>ع</sup> رعایت می فرمودند.

### احکام نجاسات

**مسئله ۳۵: اول:** خوردن و آشامیدن چیز نجس و متنجس حرام است.

**مسئله ۳۶:** هرگاه انسان ببیند کسی بدون اطلاع، چیز نجسی را می خورد، یا با لباس نجس نماز می خواند لازم نیست به او خبر

دهد.

**مسئله ۳۷:** هرگاه صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است، بنابر احتیاط باید به میهمان ها بگوید، ولی اگر یکی از میهمان ها بفهمد لازم نیست به دیگران بگوید فقط خودش باید اجتناب کند، مگر این که با او معاشرت داشته باشد که برای جلوگیری از آلودگی خودش می تواند بعد از غذا خوردن به آن ها بگوید، تادست و دهان خود را آب بکشند.

**مسئله ۳۸: دوم:** نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب کشید. نجس کردن جلد قرآن اگر سبب بی احترامی به قرآن باشد نیز همین حکم را دارد.

**مسئله ۳۹: سوم:** نجس کردن تربت امام حسین حرام است و پاک کردن آن واجب و اگر در محل آلوده ای بیفتد باید همانند ورق قرآن عمل نماید.

**مسئله ۴۰: چهارم:** نجس کردن مسجد، حرام است و پاک کردن آن واجب.

**مسئله ۴۱: پنجم:** بدن و لباس نمازگزار و محل سجده او باید پاک باشد.

## احکام تخلی (دستشویی رفتن)

**مسأله ۴۲:** واجب است انسان عورت خود را از دیگران بپوشاند، چه در موقع تخلی و چه در مواقع دیگر، خواه بیننده محرم او باشد (مانند خواهر و مادر) یا نامحرم، بالغ باشد یا غیربالغ، حتی از اطفال ممیز که خوب و بد را می فهمند، ولی زن و شوهر لازم نیست خود را از یکدیگر بپوشانند.

**مسأله ۴۳:** در موقع تخلی باید رو به قبله یا پشت به قبله نباشد و برگرداندن عورت به تنهایی کافی نیست، اما اگر بدن رو به قبله یا پشت به قبله نباشد، احتیاط واجب آن است، که عورت را رو به قبله یا پشت به قبله نکند.

## استبراء

**مسأله ۴۴:** استبراء عمل مستحبی است که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می دهند، به این ترتیب که سه مرتبه از مخرج غائط تا بیخ آلت دست بکشند و بعد انگشت شست را روی آلت و انگشت دیگر را زیر آن گذاشته و سه مرتبه تا ختنه گاه بکشند و بعد از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند. اما استبراء از منی آن است که بعد از خروج منی بول کنند تا ذرات باقی مانده خارج شود

**مسأله ۴۵:** تخلی در ملک اشخاص بدون اجازه آنها و در جایی

که برای اشخاص خاصی وقف شده مثل بعضی از مدرسه‌ها و روی قبور مؤمنین و یا کنار آن‌ها در صورتی که بی‌احترامی به آن‌ها باشد حرام است.

**مسئله ۴۶:** رطوبت‌هایی که از انسان خارج می‌شود غیر از بول و

منی بر چند قسم است:

**اول:** آبی که گاه بعد از بول بیرون می‌آید و کمی سفید و

چسبنده است و به آن «وَدَّی» می‌گویند.

**دوم:** آبی که هنگام ملاحظه و بازی کردن با همسر بیرون می‌آید

و به آن «مَدَّی» می‌گویند.

**سوم:** آبی که گاه بعد از منی بیرون می‌آید و به آن «وَدَّی» گویند.

همه این آب‌ها در صورتی که مجرا آلوده به بول و منی نباشد،

پاک است و وضوء و غسل را هم باطل نمی‌کند.

**مسئله ۴۷:** فایده استبراء از بول این است که مجرا را از بول

پاک می‌کند، یعنی اگر آب مشکوکی بعد از آن خارج شود پاک

است و وضوء را هم باطل نمی‌کند، اما اگر استبراء نکرده و مدتی از

بول کردن او گذشته و یقین کند بول در مجرا نبوده است و رطوبتی

بیند پاک است و وضوء را هم باطل نمی‌کند ولی اگر مدتی نگذشته

و این یقین را ندارد باید وضوء را اعاده کند و محل را بشوید.

**مسئله ۴۸:** برای زن استبراء نیست و هرگاه رطوبت مشکوکی از

اخراج شود پاک است وضوء و غسل هم ندارد.

## مطهرات (پاک کننده‌ها)

مسأله ۴۹: مطهرات به چیزهایی گفته می‌شود که نجس را پاک

می‌کند و آن ۱۲ چیز است:

۱. آب.
  ۲. زمین.
  ۳. آفتاب.
  ۴. استحاله.
  ۵. انقلاب.
  ۶. ثلثان شدن.
  ۷. انتقال.
  ۸. اسلام.
  ۹. تبعیت.
  ۱۰. برطرف شدن عین نجاست.
  ۱۱. استبراء حیوان نجاست خوار.
  ۱۲. غایب شدن مسلمان.
- که احکام این‌ها ذکر می‌شود.

### ۱. آب

مسأله ۵۰: آب پاک و مطلق هر چیز نجسی را پاک می‌کند، به

شرط این که هنگامی که چیز نجس را با آن می‌شویند آب، مضاف نشود و بویا رنگ یا طعم نجاست به خود نگیرد و با آب کشیدن عین نجاست برطرف شود، مثلاً اگر خون در آن است آنقدر بشویند که خون برطرف گردد، البته در آب قلیل شرایط دیگری نیز هست.

**مسئله ۵۱:** ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست ، ولی در آب کر یا جاری یک مرتبه کافی است ، هر چند سه مرتبه بهتر است (آب‌های لوله کشی در حکم آب جاری است).

**مسئله ۵۲:** برای تطهیر چیزی که با بول نجس شده با آب قلیل دومرتبه و در آب کر و جاری و آب لوله کشی یک مرتبه کفایت می‌کند، اما در غیر بول یک مرتبه با آب قلیل یا کر کافی است.

**مسئله ۵۳:** برای شستن لباس و فرش و مانند آن با آب قلیل باید آن رامقداری فشار دهند تا آب از آن خارج شود.

### اقسام آبها

**مسئله ۵۴:** آب یا «مطلق» است یا «مضاف»: آب مضاف آبی است که آب به تنهایی به آن گفته نمی‌شود، مثلاً می‌گویند «آب میوه»، «آب نمک» و «آب گل»، اما آب مطلق آن است که می‌توان بدون هیچ قید و شرطی به آن آب گفت: مثل آب‌های معمولی.

**مسئله ۵۵:** آب مطلق اقسامی دارد که هر کدام حکمی دارد و آن پنج قسم است:

**اول:** آب کر.



**دوم:** آب قلیل.

**سوم:** آب جاری و آب‌های لوله کشی.

**چهارم:** آب باران.

**پنجم:** آب چاه.

همه آب‌ها در این حکم مشترکند که همه آن‌ها پاک و پاک کننده‌اند، اما آب مضاف چیزی را پاک نمی‌کند، بلکه با ملاقات به نجس، نجس می‌شود.

### ۱. آب کر

**مسئله ۵۶:** آب کر بنا بر احتیاط واجب مقدار آبی است که اگر در ظرفی که طول و عرض و عمق آن هر کدام سه وجب و نیم است بریزند، آن ظرف را پر کند، یا وزن آن ۳۷۸ کیلوگرم باشد و معیار در وجب، وجب‌های متوسط است.

**مسئله ۵۷:** اگر چیزی که نجس شده (مانند لباس و ظرف) در آب کربشویند، پاک می‌شود.

**مسئله ۵۸:** هرگاه چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بگیرند، آبی که از آن می‌ریزد پاک است، مگر این که بو یا رنگ و یا طعم نجاست به خود گیرد.

### ۲. آب قلیل

**مسئله ۵۹:** آب قلیل آبی را گویند که از مقدار کر کمتر باشد و

از زمین نجو شد.

### ۳. آب جاری

**مسأله ۶۰:** آب‌هایی که از زمین می‌جوشد و جاری می‌شود (مانند آب چشمه و قنات) یا از برف‌های متراکم در کوه‌ها سرچشمه می‌گیرد و ادامه دارد آب جاری است.

**مسأله ۶۱:** آب جاری با ملاقات نجاست نجس نمی‌شود، هر چند کمتر از کر باشد، مگر این که بو، یا رنگ، یا طعم نجاست به خود گیرد.

### ۴. آب باران

**مسأله ۶۲:** آب باران در حکم آب جاری است و به هر چیز نجسی برسد آن را پاک می‌کند، خواه زمین باشد، یا بدن، یا فرش و یا غیراین‌ها، به شرط این که عین نجاست در آن نباشد و غساله یعنی آبی که با آن شسته شده جدا شود.

**مسأله ۶۳:** بارش چند قطره کافی نیست، بلکه باید به مقداری بیارد که به آن «باران» گویند.

### ۵. آب چاه

**مسأله ۶۴:** آب چاه پاک و پاک‌کننده است، هر چند کمتر از کر باشد و اگر چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست با آن شسته

شود پاک می‌گردد، مگر این که به واسطه رسیدن عین نجس بو، یا رنگ و یا طعم نجس به خود گیرد.

### آب مضاف

**مسئله ۶۵:** آب مضاف که در اول این بحث معنی آن گفته شد مانند گلاب و آب میوه و مانند آن، چیز نجس را پاک نمی‌کند و نیز وضو و غسل با آن صحیح نیست.

**مسئله ۶۶:** آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف و حالت سابقه آن هم معلوم نیست چیزی را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است، اما اگر چیز نجسی به آن برسد نجس نمی‌شود.

### ۲. زمین

**مسئله ۶۷:** اگر پای انسان یا ته کفش او بر اثر راه رفتن روی زمین نجس، نجس شود با راه رفتن روی زمین پاک، یا کشیدن بر زمین، پاک می‌شود، به شرط این که زمین پاک و خشک باشد و عین نجاست زایل گردد و نیز باید زمین، خاک، یا سنگ، یا آجر فرش، یا سیمان و یا مانند آن باشد. اما با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه، کف پا و ته کفش نجس، پاک نمی‌شود.

**مسئله ۶۸:** هرگاه روی زمینی که با چوب فرش شده راه برود پاک شدن کف پا و ته کفش نجس پاک نمی‌شود و همچنین با راه رفتن روی آسفالت پاک نمی‌شود.

**مسأله ۶۹:** برای پاک شدن کف پا و ته کفش اگر مختصری راه برود یاپا را بر زمین کشد کافی است، ولی بهتر است لاقفل پانزده ذراع (تقریباً هفت متر و نیم) راه برود.

### ۳. آفتاب

**مسأله ۷۰:** تابش آفتاب، زمین و پشت بام و چیزهایی که در ساختمان نصب شده مانند درب و پنجره و مانند آن را پاک می‌کند.

### ۴. استحاله

**مسأله ۷۱:** هرگاه عین نجس چنان تغییر یابد که آن نام از آن برداشته و نام دیگری به آن داده شود، پاک می‌گردد و می‌گویند «استحاله» شده است، مثل این که سگ در نمک زار فرو رود و مبدل به نمک شود، همچنین اگر چیزی که نجس شده است به کلی تغییر یابد، مثل این که چوب نجس را بسوزانند و خاکستر کنند، یا آب نجس تبدیل به بخار شود، اما اگر تنها صورت آن تغییر کند مثل این که گندم نجس را آرد کنند پاک نمی‌شود.

### ۵. انقلاب

**مسأله ۷۲:** هرگاه شراب به خودی خود یا به واسطه ریختن چیزی در آن مبدل به سرکه گردد، پاک می‌شود و آن را «انقلاب» گویند.

**مسئله ۷۳:** کشمش و خرمایی که در غذا می ریزند خوردنش حلال است، هر چند جوشیده باشد.

### ۶. ثلثان شدن

**مسئله ۷۴:** هرگاه آب انگور با آتش بجوشد نجس نیست، ولی خوردنش حرام است، اما اگر آنقدر بجوشد که دو قسمت آن بخار شود و یک قسمت بماند، حلال می شود و اگر خود به خود به جوش آید حرام و نجس است و تنها با سرکه شدن پاک و حلال می شود.

### ۷. انتقال

**مسئله ۷۵:** اگر خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد منتقل گردد و خون آن حیوان حساب شود پاک است و آن را «انتقال» گویند، بنابراین خون پشه که جزء بدن اوست پاک است، هر چند در اصل آن را از انسان گرفته، ولی خونی که زالو از انسان می مکد پاک نیست، چون جزء بدن او محسوب نمی شود.

### ۸. اسلام آوردن

**مسئله ۷۶:** در بحث نجاسات گفتیم که از کافر بغیر از یهود و نصارا باید اجتناب شود، حال اگر کافر شهادتین بگوید، یعنی

بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ  
مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ» مسلمان

می‌شود و بدن او پاک می‌گردد، ولی اگر عین نجاست در بدن او باشد باید آن را برطرف کرده و جای آن را آب بکشد، ولی اگر قبل از اسلام آوردن عین نجاست برطرف شده باشد لازم نیست جای آن را آب بکشد.

**مسئله ۷۷:** لباسی که بر تن کافر است وقتی اسلام آویاک می‌شود.

**مسئله ۷۸:** هرگاه کافر شهادتین بگوید، ولی نمی‌دانیم که قلباً مسلمان شده یا نه پاک است اما اگر بر زبان جاری کند و یقین باشد که قلباً به آن ایمان ندارد هنگامی که ظاهر اسلام را مراعات می‌کند پاک است.

### ۹. تبعیت

تبعیت آن است که چیزی به تبع چیز دیگری پاک شود. مثل این که شراب سرکه شود ظرف هم پاک می‌شود و همچنین کافر که مسلمان می‌شود لباس او هم پاک می‌شود.

### ۱۰. برطرف شدن عین نجاست

**مسئله ۷۹:** باطن بدن انسان (مانند داخل دهان و بینی) اگر نجس

شود همین که نجاست از بین برود پاک می‌شود، مثلاً اگر از لثه‌ها خون بیرون آید و در آب دهان از بین برود یا خون را بیرون بریزد

آب کشیدن داخل دهان لازم نیست، ولی اگر دندان مصنوعی در دهان باشد، احتیاط واجب آن است که آن را آب بکشد.

### ۱۱. غایب شدن مسلمان

**مسئله ۸۰:** هرگاه بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که در اختیار اوست نجس شود و او هم بفهمد که نجس شده ، سپس آن مسلمان غایب گردد، اگر انسان احتمال دهد که آن را آب کشیده ، پاک است، به شرط این که از چیزهایی باشد که طهارت در آن شرط است، مانند لباسی که با آن نماز می‌خواند و یا غذا و ظروف غذا.

## وضو

نمازگزار باید قبل از انجام نماز، وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند.  
در برخی از موارد هم باید «غُسل» کند؛ و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن عمل دیگری به نام «تیمم» انجام دهد که در این قسمت با احکام هر یک آشنا خواهد شد.

### چگونه وضو بگیریم

وضو عبارت است از شستن صورت و دست‌ها و مسح جلو سر و روی پاها، به شرحی که در مسائل آینده ذکر می‌شود.

**مسئله ۸۱:** صورت را از بالای پیشانی یعنی جایی که موی سر می‌روید تا آخر چانه و از نظر پهنا به مقداری که میان انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد، باید شست و اگر مختصری از این مقدار شسته نشود وضو باطل است، لذا برای این که یقین پیدا کند تمام این مقدار شسته شده باید کمی اطراف آن را هم بشوید.

**مسئله ۸۲:** صورت و دست‌ها را باید آن چنان شست که آب به پوست بدن برسد و اگر موانعی وجود دارد باید برطرف کند، حتی اگر احتمال مانع می‌دهد در جایی که احتمال منشأ عقلایی داشته باشد باید واریسی نماید.



- مسئله ۸۳:** هرگاه شک کند که موی صورت به انداؤای است که پوست از لای آن پیدا است یا نه بنا بر احتیاط واجب هر دو را بشوید
- مسئله ۸۴:** شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی شود، واجب نیست.
- مسئله ۸۵:** بعد از شستن صورت باید دست راست را از آرنج تا سرانگشت ها بشوید و بعد از آن دست چپ را به همین ترتیب.
- مسئله ۸۶:** باید صورت و دست ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است.
- مسئله ۸۷:** برای آن که یقین کند آرنج را کاملاً شسته ، کمی بالاتر از آرنج را هم بشوید.
- مسئله ۸۸:** بعد از شستن دست ها باید جلو سر را با رطوبت آب وضو که در دست باقی مانده مسح کند و بنا بر احتیاط واجب ، لازم است بادست راست باشد و بهتر این است که از بالا به پایین دست بکشد، ولی عکس آن یعنی از پایین به بالا نیز اشکال ندارد.
- مسئله ۸۹:** مسح سر را جایز است بر پوست سر یا بر موهایی که بر آن رویده است بکشند، اما کسی که موی سر او به انداز های بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می ریزد، یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید بیخ موها را مسح کند و بهتر است که قبل از وضو، فرق سر را باز کند تا پس از شستن دست چپ، بن موها یا پوست سر را به راحتی مسح نماید.
- مسئله ۹۰:** بعد از مسح سر نوبت مسح پاها می رسد که باید با

همان رطوبتی که در دست مانده روی پاها را از سر انگشت ها تا برآمدگی پشت پا مسح کند و بنا بر احتیاط مستحب تا مفصل پا مسح نماید.

**مسئله ۹۱:** برای مسح سر و روی پاها باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را ثابت نگهدارد و سر یا پا را زیر آن حرکت دهد وضو باطل است بنا بر احتیاط واجب اما اگر مختصری سر یا پا حرکت کند اشکال ندارد.

**مسئله ۹۲:** جای مسح باید خشک باشد، ولی اگر مختصری رطوبت داشته باشد به طور یکه آب دست هنگام مسح بر آن غلبه کند اشکال ندارد.

**مسئله ۹۳:** اگر رطوبت کف دست خشک شود می تواند از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند، ولی از آب خارج جایز نیست و اگر فقط به اندازه مسح سر رطوبت دارد سر را با همان رطوبت مسح کند و برای مسح پاها از اعضای دیگر رطوبت بگیرد. اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح آنرا آب بکشد باید تیمم نماید.

### دعاهای وضو

**مسئله ۹۴:** شایسته است کسی که وضو می گیرد، موقعی که نگاهش به آب می افتد بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ  
الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا.

و موقعی که پیش از وضو دست خود را می شوید بگوید :

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ  
الْمُتَطَهِّرِينَ.

و در وقت مضمضه کردن، یعنی آب در دهان گرداندن بگوید :

اللَّهُمَّ لِقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْقَاكَ وَ أَطْلِقْ  
لِسَانِي بِذِكْرِكَ.

و در وقت استنشاق یعنی آب در بینی کردن بگوید اللَّهُمَّ لَا  
تُحَرِّم عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْمُ  
رِيحَهَا وَ رَوْحَهَا وَ طِيبَهَا.

و در موقع شستن صورت بگوید: اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي  
يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تُسَوِّدْ وَجْهِي  
يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ .

و در وقت شستن دست راست بخواند: اللَّهُمَّ اعْطِنِي  
كِتَابِي بِيَمِينِي وَالْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ  
بِيسَارِي وَ حَاسِبِي حِسَاباً يَسِيراً .

و در موقع شستن دست چپ بگوید: اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي  
كِتَابِي بِشِمَالِي وَ لَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي وَ  
لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَيَّ عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ  
مِنْ مُقَطَّعَاتِ النَّيْرَانِ .

و موقعی که سر را مسح می کند بگوید: اللَّهُمَّ عَشِّنِي  
بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ .

و موقعی که پا را مسح می کند بگوید: اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي  
عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ  
اجْعَلْ سَعْيِي فِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا  
الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ .

### شرایط وضو

**مسئله ۹۵:** شرایط وضو دوازده چیز است:

**شرط اول:** پاک بودن آب وضو.

**شرط دوم:** این که مطلق باشد، بنابراین وضو با آب نجس یا

مضاف باطل است، اگر چه نداند یا فراموش کرده باشد و اگر نمازی با آن خوانده باید اعاده کند.

**شرط سوم:** آن که آب وضو و فضایی که در آن وضو می گیرد

و جایی که آب وضو در آن می ریزد و ظرف آن مباح باشد، بنابراین وضو با آب غصبی یا آبی که معلوم نیست صاحبش راضی باشد اشکال دارد.

**مسئله ۹۶:** هرگاه کسی محصل مدرسه‌ای نیست ولی میهمان

محصلین است، وضو گرفتن او در آن مدرسه اشکال ندارد، به شرط این که پذیرفتن چنان میهمانی برخلاف شرایط وقف نباشد، همچنین در مورد کسی که میهمان مسافران مسافرخانه و یا ساکنان تیمچه‌هاست.

**مسئله ۹۷:** وضو گرفتن از نه‌های بزرگ و کوچک جایز است،

هرچند انسان نداند صاحبان آن‌ها راضی هستند، اما اگر صاحب

آن‌ها از وضو گرفتن صریحاً نهی کند احتیاط واجب ترک است و اگر مجرای نهر را بدون اجازه صاحبش تغییر داد، احتیاط آن است که از آن وضو نگیرند.

**شرط چهارم:** آن است که ظرف آب وضو از طلا و نقره نباشد.

**شرط پنجم:** آن است که اعضای وضو موقع شستن یا مسح کردن پاک باشد، اما اگر بعد از تمام شدن وضوی یک عضو، همان عضو نجس شود وضو صحیح است.

**مسئله ۹۸:** اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد مانعی برای وضو ندارد، ولی در منخرج بول و غائط احتیاط مستحب آن است، اول آن را تطهیر کرده، بعد وضو بگیرد.

**شرط ششم:** آن که وقت کافی برای وضو و نماز داشته باشد، بنابراین اگر وقت به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد تمام یا مقداری از واجبات نماز بعد از وقت خوانده می شود باید تیمم کند.

**شرط هفتم:** آن است که وضو را به قصد قربت یعنی برای خدا انجام دهد، بنابراین اگر به قصد ریا و خودنمایی یا برای خنک شدن بدن و مانند آن بگیرد باطل است، ولی اگر تصمیم قطعی دارد که برای اطاعت فرمان خدا وضو بگیرد در ضمن می داند خنک هم می شود، ضرری ندارد.

**مسئله ۹۹:** لازم نیست نیت را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند، همین اندازه کافی است که اگر از او پرسند چه می کنی بداند وضومی گیرد.

**مسئله ۱۰۰:** هرگاه زن در جایی وضو بگیرد که نامحرم او را می بیند وضوی او باطل نیست، هر چند گناه کرده است.

**شرط هشتم:** آن که «ترتیب» را در وضو رعایت کند، یعنی اول صورت، بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن

مسح سر و بعد مسح پاها را انجام دهد و بنا بر احتیاط پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند.

**شرط نهم:** این که کارهای وضو را چنان بجا آورد که بگوید

پشت سر هم انجام می‌دهد و اگر چنین کند وضوی او صحیح است، هر چند بر اثر گرمی هوا و وزش باد اعضای سابق خشک شده باشد. مثلاً موقعی که می‌خواهد دست راست را بشوید صورت او خشک شود، ولی اگر طوری انجام دهد که پشت سر هم نباشد وضوی او باطل است، هر چند بر اثر سردی هوا اعضای قبل خشک نشده باشد.

**مسئله ۱۰۱:** راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، بنابراین اگر

بعد از شستن صورت و دست‌ها چند قدم راه برود و بعد مسح سر و پا رابکشد وضوی او صحیح است.

**شرط دهم:** «مباشرت» است یعنی خود انسان شستن صورت

و دست و مسح سر و پاها را انجام دهد و اگر دیگری او را وضو دهد، یاد رساندن آب به صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها به او کمک نماید وضو باطل است، ولی کمک در مقدمات وضو اشکال ندارد.

**شرط یازدهم:** آن است که استعمال آب برای او مانعی نداشته

باشد، بنابراین کسی که می‌ترسد اگر وضو بگیرد، مریض شود یا می‌ترسد اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، باید تیمم کند **شرط دوازدهم:** آن است که مانعی از رسیدن آب نباشد و هرگاه

می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که آیا مانع رسیدن آب هست یا نه باید آن را برطرف کند.

**مسئله ۱۰۲:** اگر زیر ناخن کمی چرک باشد وضو اشکال ندارد، ولی بهتر است آن را تمیز کند، اما اگر ناخن را بگیرد باید آن چرک را که مانع رسیدن آب به بدن است برطرف کند و نیز اگر ناخن بیش از حد معمول بلند باشد و چرک زیر آن، مانع رسیدن آب وضو است باید آن را برطرف سازد.

**مسئله ۱۰۳:** هرگاه به واسطه سوختگی یا چیز دیگر تاول‌ها بی بر اعضای وضو پیدا شود شستن و مسح روی آن کافی است و چنانچه سوراخ شود رساندن آب به زیر پوست لازم نیست، ولی چنانچه قسمتی از پوست کنده شده که گاهی به بدن می‌چسبد و گاهی بلند می‌شود باید آب را به زیر آن برساند به شرط این که ضرر نداشته باشد.

**مسئله ۱۰۴:** رنگ‌هایی که مانع رسیدن آب به بدن نیست، برای وضو ضرری ندارد ولی اگر مانع باشد یا شک کند که مانع است یا نه، باید آن را برطرف سازد.

**مسئله ۱۰۵:** وجود انگشتر و دستبند و مانند آن اگر مانع رسیدن آب نباشد، برای وضو ضرری ندارد و می‌تواند آن را جابجا کند تا آب به زیر آن برسد و شسته شود و اگر بعد از وضو، انگشتر یا مانع دیگری در دست ببیند و نداند موقع وضو بوده یا، نه وضوی او صحیح است به شرط این که احتمال بدهد در حال وضو توجه به این امر داشته است

## احکام وضو

**مسئله ۱۰۶:** هرگاه بعد از نماز شک کند وضو گرفته یا نه، نماز اوصحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد.

**مسئله ۱۰۷:** هرگاه در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نغبنابر احتیاط واجب نماز را تمام کند و بعد از آن وضو بگیرد و اعاده نماید

### اموری که باید برای آنها وضو گرفت

**مسئله ۱۰۸:** وضو برای شش چیز واجب است:

۱. نماز واجب (غیر از نماز میت).
۲. سجده و تشهد فراموش شده.
۳. طواف واجب (باید توجه داشت طواف هایی که جزء حج یا عمره است طواف واجب حساب می شود هر چند اصل حج و عمره مستحب باشد).
۴. هرگاه نذر یا عهد کرده، یا قسم خورده که وضو بگیرد و باطهارت باشد.
۵. هرگاه نذر کرده جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند (در صورتی که این نذر شرعاً رجحان داشته باشد مثل این که می خواهد از روی احترام خط قرآن را بپسند).
۶. برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیر ون آوردن آن از محل آلوده، هرگاه مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند.



**مسئله ۱۰۹:** تماس بدن با خط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است، ولی ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر این حکم را ندارد.

**مسئله ۱۱۰:** کسی که وضو ندارد حرام است اسم خداوند متعال را که به هر زبانی نوشته شده باشد مس نماید (بنابر احتیاط واجب) و مس اسم مبارک پیامبر و ائمه هدی و حضرت زهرا نیز اگر هتک حرمت و بی‌احترامی باشد حرام است.

**مسئله ۱۱۱:** مستحب است انسان برای این که با طهارت باشد وضو بگیرد، خواه نزدیک وقت نماز باشد یا نه و با آن وضو، می‌تواند نماز بخواند.

**مسئله ۱۱۲:** وضو گرفتن در چند جا مستحب است : برای خواندن قرآن، برای نماز میت و برای دعا و مانند آن و نیز مستحب است کسی که وضو دارد برای خواندن نماز تجدید وضو کند و هرگاه ببقصدیکی از این کارها وضو بگیرد تمام کارهایی را که مشروط به وضو است می‌تواند انجام دهد.

### اموری که وضو را باطل می‌کند

**مسئله ۱۱۳:** هشت چیز وضو را باطل می‌کند:

۱. خارج شدن بول.
۲. غائط.
۳. بادی که از مخرج غائط خارج می‌شود.
۴. خوابی که بر عقل غلبه کند و به واسطه آن چشم نبیند و

گوش نشنود، ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی شود.

۵. کلیه اموری که عقل را از بین می برد مانند مستی ، بیهوشی و دیوانگی (بنا بر احتیاط واجب).
۶. استحاضه زنان که شرح آن در جای خود می آید.
۷. کاری که برای آن باید غسل کرد، مانند جنابت.
۸. مس میت انسان.

### وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم یا عضو شکسته را می بندند و دوایی که روی آن می گذارند «جبیره» نامیده می شود.

**مسئله ۱۱۴:** هرگاه در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد چنانچه روی آن باز است و خون ندارد و آب هم پهای آن مضر نیست باید مطابق معمول وضو بگیرد.

**مسئله ۱۱۵:** هرگاه زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دست‌ها است و روی آن باز است اما آب ریختن روی آن ضرر دارد، کافی است اطراف آن را بشوید، ولی اگر کشیدن دستقر بر آن ضرر ندارد باید دست تر بر خود آن نیز بکشد و اگر ضرر دارد مستحب است پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد

**مسئله ۱۱۶:** هرگاه زخم یا دمل و شکستگی با پارچه یا گچ یا مانند آن بسته شده است ، چنانچه باز کردن آن ضرر و مشقت

زیادی ندارد و آب هم برای آن مضر نیست، باید آن را باز کن د و وضو بگیرد، در غیراین صورت اطراف زخم یا شکستگی را بشوید و احتیاط مستحب آن است که روی جبیره را نیز مسح کند و اگر جبیره نجس است یا نمی شود روی آن دست تر بکشد، پارچه پاکی را بر آن ببندد و دست تر روی آن بکشد.

**مسأله ۱۱۷:** هرگاه جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دست ها را گرفته باشد، باید بنا بر احتیاط هم وضوی جبیره ای بگیرد و هم تیمم کند، همچنین اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد.

**مسأله ۱۱۸:** هرگاه جبیره بیشتر از معمول، اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست باید به دستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط مستحب، تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره اضافی ممکن است باید آن را بردارد.

**مسأله ۱۱۹:** اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده که برداشتن آن ممکن نیست، یا بسیار مشقت دارد باید به دستور جبیره عمل کند، یعنی اطراف آن را بشوید و روی آن را دست بکشد.

## غسل

در مواردی که ذکر می‌شود واجب است.

### شیوه غسل کردن

**مسئله ۱۲۰:** در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت، و یا مستحب، مانند غسل جمعه. به عبارت دیگر: تمام غسل‌ها در انجام فرقی ندارد مگر در نیت. **مسئله ۱۲۱:** غسل را به دو صورت می‌توان انجام داد: «ترتیبی» و «ارتماسی».

در غسل ترتیبی، ابتدا سر و گردن شسته می‌شود، سپس نیمه راست بدن و بعد از آن نیمه چپ. در غسل ارتماسی، تمام بدن به نیت غسل در آب قرار می‌گیرد هرچند به تدریج در آب فرو رود. پس برای انجام غسل ارتماسی باید آب بقدری باشد که انسان بتواند تمام بدن را زیر آب ببرد.

### غسل‌های واجب

**مسئله ۱۲۲:** غسل‌های واجب هفت غسل است:

۱. غسل جنابت.

۲. غسل حیض.

۳. غسل نفاس.
۴. غسل استحاضه.
۵. غسل مس میت.
۶. غسل میت.
۷. غسل مستحیی که به واسطه نذر و قسم و مانند آن واجب شده است.

### ۱. جنابت

**مسأله ۱۲۳:** انسان با دو چیز جنب می‌شود: اوّل جماع (آمیزش جنسی)، دوّم بیرون آمدن منی، چه در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی‌شهوت.

**مسأله ۱۲۴:** اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا رطوبت دیگر، چنانچه همراه با «جستن» و «شهوت» بوده باشد آن رطوبت حکم منی دارد و اگر این دو نشانه، یا یکی از آن‌ها را نداشته باشد حکم منی ندارد، ولی در زن و مریض لازم نیست که با جستن بیرون آید، بلکه اگر رطوبت هنگامی بیرون آید که به اوج شهوت جنسی رسیده است، حکم منی دارد.

**۲ مسأله ۱۲۵:** غالباً بعد از بیرون آمدن منی بدن سست می‌شود، ولی این موضوع جزء شرایط قطعی و نشانه‌ها نیست.

**مسأله ۱۲۶:** مستحب است بعد از بیرون آمدن منی بول کند تا ذرات باقیمانده خارج شود و اگر نکند و بعد از غسل رطوبتی از او

بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد و باید دوباره غسل کند.

### کارهایی که بر جنب حرام است

**مسئله ۱۲۷:** پنج کار بر جنب حرام است:

۱. مس خط قرآن یا اسم خدا و پیامبران و امامان هم انطور که در وضو گفته شد.
۲. رفتن به مسجد الحرام و مسجد پیغمبر هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.
۳. توقف کردن در مساجد دیگر، اما اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان هم توقف نکند.
۴. داخل شدن در مسجد برای گذاشتن چیزی در آن.
۵. خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارد.

**مسئله ۱۲۸:** سوره‌هایی که سجده واجب در آن است چهار

۱. الم سجده (سوره ۳۲) ۲. حم سجده (سوره ۴۱)
۳. والنجم (سوره ۵۳) ۴. اقرأ (سوره ۹۶).

### کارهایی که بر جنب مکروه است

**مسئله ۱۲۹:** شایسته است جنب چند چیز را ترک کند:

- ۱ و ۲. خوردن و آشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد مکروه نیست.

۳. خواندن بیشتر از هفت آیه از قرآن، حتی از سوره ها بی که سجده واجب ندارد.
۴. تماس بدن با جلد و حاشیه و فاصله سطور قرآن م جید و همراه داشتن آن.
۵. خوابیدن بدون وضو.
۶. رنگ کردن موها به حنا و مانند آن.
۷. مالیدن روغن و انواع کرمها به بدن.
۸. جماع کردن بعد از محتمل شدن.

### احکام غسل جنابت

**مسئله ۱۳۰:** غسل جنابت را هرگاه برای رفع جنابت و پاک شدن انجام دهد مستحب است، اما برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود، برای نماز میت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن (هنگامی که آیه سجده را از دیگری بشنود) غسل جنابت واجب نیست، بلکه در همان حال نیز انجام این کارها جایز است، هر چند بهتر است که برای نماز میت و سجده شکر و امثال آن غسل کند.

**مسئله ۱۳۱:** هنگام غسل کردن لازم نیست نیت واجب یا مستحب کند، همین اندازه که به قصد قربت و اطاعت فرمان خدا انجام دهد کافی است.

**مسئله ۱۳۲:** غسل را خواه واجب باشد یا مستحب ، به دو

صورت می‌توان انجام داد: ترتیبی و ارتماسی.

**مسئله ۱۳۳:** غسل ترتیبی به این صورت است که بعد از نیت ، اوّل سر و گردن را می‌شوید و بعد طرف راست و بعد طرف چپ و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا ندانستن مسئله به این ترتیب عمل نکند غسل را اعاده می‌کند.

**مسئله ۱۳۴:** باید نصف ناف و نصف عورت را با طرف راست بدن و نصف دیگر را با طرف چپ بشوید، ولی بهتر است تمام آن را با هر دو طرف غسل دهد.

**مسئله ۱۳۵:** اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته ، چنانچه از طرف چپ باشد شستن همان مقدار کافی است و اگر از طرف راست باشد، باید بعد از شستن آن دوباره طرف چپ را بشوید و اگر از سر و گردن باشد، باید بعد از شستن آن دوباره طرف راست و چپ را بشوید.

**مسئله ۱۳۶:** اگر بعد از تمام شدن غسل ، شک کند که اعضاء را درست شسته یا نه، اعتنا نکند.

**مسئله ۱۳۷:** غسل ارتماسی آن است که بعد از نیت، تمام بدن را یک دفعه یا به تدریج در آب فرو برد، خواه در مثل حوض و استخر باشد و یا زیر آبخاری که آب آن یک مرتبه تمام بدن را فرا می‌گیرد، اما غسل ارتماسی زیر دوش معمولی ممکن نیست.



## احکام غسل

**مسئله ۱۳۸:** در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، همین اندازه که هر عضو پیش از غسل دادن پاک باشد کافی است.

**مسئله ۱۳۹:** هر گاه مختصری از بدن شسته نشود، غسل باطل است، اما شستن باطن، مانند داخل گوش و بینی و داخل چشم لازم نیست.

**مسئله ۱۴۰:** هنگام غسل باید هر چیز که مانع رسیدن آب به بدن است برطرف کند و اگر احتمال عقلایی می دهد مانعی باشد باید واریسی کند تا مطمئن شود مانعی نیست.

**مسئله ۱۴۱:** شرایطی که برای وضو گفته شد مانند پاک بودن آب و غیر آن در غسل هم شرط است، ولی در غسل لازم نیست که از بالا به پایین بشوید و فاصله افتادن میان شستن اعضاء در غسل ترتیبی نیز اشکالی

ندارد، مگر در مورد کسی که نمی تواند بول و غائط خود را حفظ کند که باید پشت سر هم بجا آورد و فوراً نماز بخواند، همچنین در زن مستحاضه.

**مسئله ۱۴۲:** هر گاه شک کند غسل کرده یا نه، باید غسل کند، ولی اگر بعد از غسل شک کند غسل او صحیح بوده یا نه، اعتناء به شک نکند.

**مسئله ۱۴۳:** اگر در اثناء غسل حدث اصغر از او سرزند (مثلاً

بول کند) غسل او باطل نمی‌شود ولی بعد از غسل برای نفاذ وضو بگیرد.

**مسئله ۱۴۴:** چند غسل واجب، یا واجب و مستحب را می‌توان با یک نیت انجام داد، یعنی یک غسل کند به نیت جنابت و حیض و مس میت و غسل جمعه و مانند آن و از همه کفایت می‌کند و اگر در این صورت که غسل جنابت هم در میان آن‌ها هست تنها غسل جنابت را هم بجا بیاورد بقیه ساقط می‌شوند.

## ۲. حیض

**مسئله ۱۴۵:** حیض که گاهی از آن تعبیر به «عادت ماهیانه» می‌کنند خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم خارج می‌شود و به هنگام انعقاد نطفه، غذای فرزند است. زن را در موقع دیدن خون حیض «حائض» می‌گویند و در شرع مقدس اسلام احکامی دارد که در مسائل آینده ذکر می‌شود:

**مسئله ۱۴۶:** خون حیض نشانه‌هایی دارد: در بیشتر اوقات غلیظ و گرم و رنگ آن تیره یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش خارج می‌شود.

**مسئله ۱۴۷:** خونی را که دختر پیش از تمام شدن نه سال و زن بعد از یائسه شدن می‌بیند حکم حیض ندارد و اگر مربوط به زخم و جراحتی نباشد، استحاضه است که احکام آن بعداً خواهد آمد.

**مسئله ۱۴۸:** دختری که نمی‌داند نه سالش تمام شده یا نه، اگر

خونی ببیند که نشانه‌های حیض را نداشته باشد، حیض نیست و اگر نشانه‌ها را داشته باشد و اطمینان حاصل کند که حیض است، دلیل بر این است که نه سالش تمام و بالغ شده است، ولی زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، هرگاه خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بناگذارد که حیض است و هنوز یائسه نشده است.

**مسئله ۱۴۹:** مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز

نمی‌شود، حتی اگر مختصری کمتر باشد حیض نیست.

**مسئله ۱۵۰:** سه روز اول حیض باید پشت سر هم باشد، بنا بر

این اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره ببیند، حیض نیست و این که می‌گوییم باید پشت سر هم باشد معنایش این نیست که در تمام سه روز خون بیرون آید، بلکه اگر در فضای داخل فرج خون باشد کافی است.

**مسئله ۱۵۱:** لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند،

ولی باید در شب دوم و سوم قطع نشود و ادامه داشته باشد.

**مسئله ۱۵۲:** اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود، بعداً

سه روز یا بیشتر خون ببیند با نشانه‌هایی که گفته شد فقط خون دوم حیض است.

## احکام زن حائض

**مسئله ۱۵۳:** کارهایی که بر حائض حرام است به شرح زیر

است:

۱. تمام عبادت‌هایی که با وضو یا غسل یا تیمم انجام می‌شود، مانند نماز و روزه و طواف خانه خدا، ولی به جا آوردن عباداتی که طهارت در آن شرط نیست مانند نماز میّت مانعی ندارد.

۲. تمام کارهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد.

۳. نزدیکی کردن، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن.

۴. طلاق در این حالت نیز باطل و بی‌اثر است و شرح بیشتر آن در کتاب طلاق گفته می‌شود.

**مسئله ۱۵۴:** هرگاه زن در وسط نماز حائض شود نماز او باطل است و نباید ادامه دهد، ولی اگر شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است.

**مسئله ۱۵۵:** هنگامی که زن از حیض پاک شود باید برای انجام عبادات خود غسل کند و اگر دسترسی به آب ندارد تیمم نماید، دستور غسل حیض مثل غسل جنابت است و از وضو نیز کفایتی کند.

**مسئله ۱۵۶:** نمازهای روزانه که زن در حال حیض نخوانده قضا ندارد، ولی روزه واجب را باید قضا کند.

**مسئله ۱۵۷:** هرگاه در آخر وقت نماز پاک شود باید غسل کند و نماز را بخواند، حتی اگر به اندازه یک رکعت نماز وقت داشته باشد احتیاط واجب خواندن نماز است و در صورت نخواندن، قضای آن را بجا آورد.

**مسئله ۱۵۸:** هرگاه زن پاک شود و شک کند که به مقدار کافی

وقت برای نماز باقی مانده یا نه، باید نمازش را بخواند.

### اقسام زنان حائض

مسأله ۱۵۹: زنان حائض بر شش گونه‌اند:

۱. صاحب عادت وقتیه و عددیه: یعنی زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و شماره روزهای او در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثل این که دو ماه پشت سر هم از اوّل ماه تا هفتم، خون ببیند.
۲. صاحب عادت وقتیه: و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند، ولی شماره روزهای او به یک اندازه نباشد، مثلاً یک ماه، پنج روز و یک ماه، هفت روز ببیند.
۳. صاحب عادت عددیه: و آن زنی است که شماره روزهای عادت او در دو ماه پشت سر هم یک اندازه است (مثلاً ۷ روز) ولی وقت دیدن آن مختلف است، مثلاً یک بار از اوّل ماه و بار دیگر از دهم ماه شروع می‌شود.
۴. مضطربه: و آن زنی است که چند ماه حائض شده ولی عادت معین پیدا نکرده و یا اگر سابقاً عادت داشته، به هم خورده و عادت تازه‌ای جانشین آن نشده است.
۵. مبتدئه: و آن زنی است که برای اولین بار حائض می‌شود.
۶. ناسیه: و آن زنی است که عادت خو در فراموش کرده است. هر کدام از این‌ها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته می‌شود.

**۱. صاحب عادت وقتیه و عددیه**

**مسأله ۱۶۰:** زنانی که عادت وقتیه و عددیه دارند همین که در ایام عادت خون ببینند حائض می‌شوند و تا پایان ایام عادت، احکام حائض را دارند، خواه نشانه‌های خون حیض در آن بوده باشد یا نه.

**مسأله ۱۶۱:** زنانی که عادت وقتیه و عددیه دارند اگر یکی دو سه روز جلوتر از زمان عادت یا بعد از آن خون ببینند به طوری که بگویند عادت را جلو یا عقب انداخته، باید به احکام زن حائض عمل کنند، خواه آن خون نشانه‌های حیض را داشته باشد یا نه.

**مسأله ۱۶۲:** زنانی که «عادت وقتیه و عددیه» دارند اگر بیشتر از ده روز خون ببینند، آنچه را در روزهای عادت دیده‌اند حیض است (خواه نشانه‌های حیض را داشته باشد یا نه) و آنچه بعد از روزهای عادت دیده‌اند استحاضه است (خواه نشانه‌های حیض داشته باشد یا نه).

**۲. صاحب عادت وقتیه**

**مسأله ۱۶۳:** زنانی که فقط «عادت وقتیه» دارند یعنی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببینند سپس پاک شوند، ولی شماره روزهای آن یک اندازه نباشد، باید تمام آن را حیض قرار دهند به شرط آن که از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد.

**مسأله ۱۶۴:** زنی که «عادت وقتیه» دارد اگر در وقت عادت خود، یادو سه روز قبل یا بعد از عادت خون ببیند به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، باید به حکم زن‌های حائض

عمل کند، خواه آن خون نشانه‌های حیض را داشته باشد یا نه.  
**مسأله ۱۶۵:** زنی که عادت وقتیه دارد اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند تعداد روزهای حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، باید مطابق تعداد روزهای عادت زنان خویشاوند خود حیض قرار دهد (اعم از خویشاوندان پدری یا مادری، زنده یا مرده و این در صورتی است که همه یا اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها یکسان باشند، اما اگر در میان آن‌ها اختلاف است، مثلاً بعضی پنج روز و بعضی هشت روز عادت می‌بینند، احتیاط واجب آن است که در هر ماه هفت روز را ایام عادت خود قرار دهد.

### ۳. صاحب عادت عددیه

**مسأله ۱۶۶:** زنانی که «عادت عددیه» دارند یعنی شماره روزهای حیض آن‌ها در دو ماه پشت سر هم یک اندازه است، ولی وقت آن تغییر می‌کند، آن‌ها باید در همان چند روز به احکام حائض عمل کنند.

### ۴. مضطربه

**مسأله ۱۶۷:** «مضطربه» یعنی زنی که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده است، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببیند چنانچه بعضی نشانه حیض داشته باشد و از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد، حیض محسوب می‌شود و اگر همه اش یک جور باشد مطابق

عادت خویشاوندان خودعمل می‌کند (اگر عادت همه یا اکثریت قاطع آن‌ها یکسان باشد) و هرگاه عادت آن‌ها مختلف باشد احتیاط آن است که عادت خود را هفت روز قرار دهد.

### ۵. مبتدئه

**مسئله ۱۶۸:** «مبتدئه» یعنی دختری که دفعه اول خون دیدن اوست، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببیند و همه اش یک جور باشد باید عادت خویشان خود را به طوری که در مسئله قبل گفته شد حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه.

### ۶. ناسیه

**مسئله ۱۶۹:** «ناسیه» یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده ، اگر ده روز یا کمتر خون ببیند همه اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببیند باید روزهایی که خون او نشانه حیض دارد حیض قرار دهد (به شرط این که کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد) و اگر بیشتر باشد یا همه روزها را یک جور دیده احتیاط واجب آن است که هفت روز اول را حیض قرار دهد و بقیه را استحاضه.

### مسائل متفرقه حیض

**مسئله ۱۷۰:** «مبتدئه» و «مضطربه» و «ناسیه» و زنی که «عادت



عدديه» دارد، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض داشته باشد، باید فوراً عبادت را ترک کند و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده، باید عبادت‌ها را که بجا نیاورده قضا کند، ولی اگر نشانه‌های حیض را نداشته باشد بر طرق حکم مستحاضه عمل می‌کند تا ثابت شود که خون حیض است ولی زنی که عادت «وقتی» یا «وقتی و عدديه» دارد به محض دیدن خون در ایام عادت، عبادت را ترک می‌کند.

**مسئله ۱۷۱:** هرگاه سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه‌های حیض دارد و بعد ده روز یا بیشتر خونی را ببیند که نشانه‌های استحاضه را دارد و مجدداً خونی را ببیند که نشانه حیض را دارد، باید تمام خون‌هایی را که نشانه حیض داشته است حیض قرار دهد.

**مسئله ۱۷۲:** هرگاه زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست باید غسل کند و عبادت‌های خود را انجام دهد، اگر چه یقین داشته باشد پیش از تمام شدن ده روز دوباره خونی ببیند.

**مسئله ۱۷۳:** هرگاه زن پیش از ده روز پاک شود ولی احتمال می‌دهد که در باطن خون است باید بوسیله قدری پنبه خود را امتحان کند، چنانچه پاک بود غسل کند و عبادت‌های خود را انجام دهد و اگر پاک نبود، هر چند به خونابه آلوده باشد باید مطابق احکامی که سابقاً درباره حائض گفته شد عمل نماید.

### ۳. استحاضه

**مسئله ۱۷۴:** یکی از خون‌هایی که از زن خارج می‌شود خون

«استحاضه» است و در این موقع زن را «مستحاضه» می گویند، به طور کلی تمام خون هایی که غیر از حیض و نفاس و زخم و دمل است و از رحم زن خارج می شود خون استحاضه است.

**مسأله ۱۷۵:** خون استحاضه غالباً کم رنگ و سرد و رقیق است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید، ولی ممکن است گاهی تیره رنگ یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش خارج شود.

**مسأله ۱۷۶:** استحاضه سه قسم است : «قليله»، «متوسطه» و «كثيره»: استحاضه قليله آن است که هرگاه زن پنبه ای را داخل کند، خون، آن را آلوده نماید ولی از طرف دیگر خارج نشود، و متوسطه آن است که از طرف دیگر ظاهر شود، و استحاضه کثیره آن است که خوندر پنبه فرو رود و از آن بگذرد و جاری شود.

**مسأله ۱۷۷:** در استحاضه قليله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و پنبه را عوض کند یا آب بکشد و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده آب بکشد و در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود کارهای استحاضه قليله را که در مسأله پیش گفته شد انجام بدهد و اگر پیش از ظهر متوسطه شد یا پیش از مغرب حکم همان است . و در استحاضه کثیره واجب است سه غسل انجام دهد: یک غسل برای نماز صبح و دیگر برای نماز ظهر و عصر و سوم برای مغرب و عشاء و باید میان این نمازها جمع کند. و غیر از غسل در کثیره ، وضو واجب نیست و همان غسل کفایت می کند.

**مسئله ۱۷۸:** زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای اولین نماز باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

**مسئله ۱۷۹:** هرگاه نداند استحاضه او قلیله است یا متوسطه یا کثیره، بنابر احتیاط واجب باید قبل از نماز، خود را وارس ی کند و اگر نمی تواند خود را واری کند، احتیاط آن است که هم وظیفه استحاضه متوسطه و کثیره را انجام دهد و هم قلیله، اما اگر حالت سابق او معلوم است کثیره یا متوسطه یا قلیله بوده می تواند به وظیفه همان ادامه دهد.

**مسئله ۱۸۰:** هرگاه زن مستحاضه بعد از نماز، خود را واری کند و خون نبیند، با وضویی که دارد می تواند نماز دیگر را بخواند، هر چند بعد از مدتی دوباره خون بیاید.

**مسئله ۱۸۱:** مستحاضه باید بعد از غسل یا وضو فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز بلکه انتظار جماعت به اندازه معمول اشکال ندارد و در نماز نیز، می تواند مستحبات، مثل قنوت و مانند آن را انجام دهد.

**مسئله ۱۸۲:** هرگاه خون به بیرون جریان دارد چنانچه برای او ضرر نداشته باشد باید پیش از غسل و بعد از آن به وسیله پنبه و مانند آن از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، ولی اگر این کار مشقت زیاد دارد، لازم نیست.

**مسئله ۱۸۳:** هرگاه در موقع غسل خون قطع نشود، ضرری برای غسل ندارد، خواه ترتیبی باشد یا ارتماسی.

- مسئله ۱۸۴:** هرگاه زن روزه دار بعد از نماز ظهر و عصر مستحاضه شود برای روزه آن روز غسلی ندارد.
- مسئله ۱۸۵:** هر خونی که از زن خارج شود و شرایط حیض و نفاس را نداشته باشد و مربوط به بکارت یا زخم یا جراحی در رحم نبوده باشد، خون استحاضه است.
- مسئله ۱۸۶:** هرگاه شک کند که خون، از زخم است یا نه و ظاهر حال او سلامت است، خون استحاضه حساب می‌شود.

#### ۴. غسل مس میت

- مسئله ۱۸۷:** هرگاه کسی بدن مرده‌ای را بعد از سرد شدن و قبل از غسل، مس کند (یعنی جایی از بدن او با میت تماس پیدا کند) باید غسل مس میت نماید، خواه با اختیار باشد یا بی اختیار، حتی اگر ناخن او به ناخن میت برسد، غسل واجب است.
- مسئله ۱۸۸:** مس بدن مرده‌ای که تمام آن سرد نشده موجب غسل نیست، هر چند محل مس سرد شده باشد، همچنین مس بدن میت بعد از تمام شدن غسل‌های سه گانه او غسل ندارد.
- مسئله ۱۸۹:** هرگاه موی خود را به بدن میت بزند، یا دست به موی میت برساند، احتیاط واجب آن است که غسل کند.
- مسئله ۱۹۰:** غسل مس میت مثل غسل جنابت است و کفایت از وضو نیز می‌کند، هر چند احتیاط مستحب آن است که وضو بگیرد.

## تیمم

در هفت مورد باید به جای وضو یا غسل تیمم کرد : اوّل: در جایی که تهیه آب به اندازه وضو یا غسل ممکن نیست.

**مسأله ۱۹۱:** انسان در شهر و آبادی باشد و آب پیدا نکند باید آنقدر جستجو نماید تا از پیدا کردن آب مأیوس شود، اما اگر در بیابان است چنانچه کوهستانی و یا زمین پست و بلند است یا به واسطه درخت و مانند آن عبور از آن مشکل می باشد باید در هر یک از چهارطرف به اندازه پرتاب یک تیر که در قدیم با کمان پرتاب می کردند به جستجوی آب رود و اگر زمین هموار و بی مانع است باید در هر طرف به اندازه مسافت دو تیر جستجو کند، ولی هر طرفی که یقین دارد آب نیست جستجو لازم ندارد و هرگاه بعضی از چهار طرف هموار و بعضی پست و بلند است باید در هر طرف طبق دستور خودش عمل نماید.

### دوم از موارد تیمم

**مسأله ۱۹۲:** هرگاه آب در چاه باشد و به واسطه عدم توانایی یا نداشتن وسیله، دسترسی به آب ندارد، باید تیمم کند و همچنین اگر مشقت فوق العاده داشته باشد که عادتاً مردم آن را تحمل نمی کنند.

**سوم از موارد تیمم**

**مسئله ۱۹۳:** هرگاه آب دارد ولی می‌ترسد اگر وضو بگیرد بیمار شود یا بیماری او به طول انجامد، یا شدت کند، یا معالجه آن سخت شود، در تمام این موارد باید تیمم کند، ولی اگر مثلاً آب گرم برای او ضرر ندارد باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند و لازم نیست یقین به ضرر داشته باشد همین اندازه که می‌ترسد ضرر داشته باشد کافی است که وضو نگیرد و تیمم کند.

**چهارم از موارد تیمم**

**مسئله ۱۹۴:** هرگاه به مقدار کافی آب دارد اما اگر آن را به مصرف وضو یا غسل برساند می‌ترسد خودش یا فرزندان یا دوستان و همراهانش از تشنگی هلاک یا بیمار شوند، یا فوق العاده به زحمت بیفتند، باید تیمم کند و آب را نگه دارد، همچنین اگر انسان غیر مسلمانی جان او در خطر باشد باید آب را به او بدهد و تیمم نماید، درباره حیوان نیز همین حکم جاری است.

**پنجم از موارد تیمم**

**مسئله ۱۹۵:** کسی که آب کمی در اختیار دارد که اگر با آن وضو بگیرد و یا غسل کند برای تطهیر بدن یا لباس او چیزی نمی‌ماند باید نخست بدن و لباس را آب بکشد، بعد تیمم کند و نماز بخواند، اما اگر چیزی که بر آن تیمم کند ندارد باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

### ششم از موارد تیمم

مسئله ۱۹۶: هرگاه آب یا ظرفش غصبی است، یا از طلا و نقره است و آب و ظرف دیگری ندارد باید به جای وضو یا غسل تکیه کند.

### هفتم از موارد تیمم

مسئله ۱۹۷: در تنگی وقت که اگر بخواهد وضو بگیرد یا غسل کند همه نماز یا مقداری از آن خارج از وقت واقع می‌شود باید تیمم کند.

### بر چه چیزهایی می‌توان تیمم کرد؟

مسئله ۱۹۸: تیمم بر خاک، شن، ریگ، کلوخ (خاک‌های به هم چسبیده) و سنگ جایز است.

مسئله ۱۹۹: کسی که آب ندارد اگر برف یا یخ داشته باشد چنانچه ممکن است باید آن را آب کند و با آن وضو یا غسل بجا آورد.

### روش تیمم کردن و احکام آن

مسئله ۲۰۰: برای تیمم باید اول نیت کند، بعد تمام دو کف دست را با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند، سپس هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی بکشد و احتیاط مستحب آن است که روی ابروها را نیز مسح کند، سپس کف دست چپ را بر تمام پشت دست راست می‌کشد و بعد از آن، کف دست راست را بر تمام پشت دست چپ.

**مسئله ۲۰۱:** تیمم به جای وضو و به جای غسل فرقی با هم ندارند، ولی احتیاط مستحب آن است که در تیمم به جای غسل یک بار دیگر دست‌ها را بر زمین زند و مجدداً با آن پشت دست راست و سپس پشت دست چپ را مسح کند.

**مسئله ۲۰۲:** تمام پیشانی و پشت دست‌ها را باید مسح کند و اگر مختصری از آن را مسح نکند تیمم باطل است، خواه عمداً باشد یا از روی فراموشی، ولی دقت زیاد هم لازم نیست، همین اندازه که بگویند تمام پیشانی و پشت دست‌ها مسح شده کافی است.

**مسئله ۲۰۳:** لازم است در موقع نیت معین کند که تیمم او به جای غسل است یا به جای وضو، و لازم است که بقصد قربت انجام بگیرد.

**مسئله ۲۰۴:** باید برای تیمم، موانع را از اعضای تیمم برطرف کند و اگر انگشتی در دست دارد بیرون آورد، همچنین اگر موی پیش سر روی پیشانی افتاده آن را باید کنار زند، حتی اگر احتمال قابل توجهی دهد که مانعی در کار باشد باید جستجو نماید.

**مسئله ۲۰۵:** هرگاه پیشانی یا پشت دست‌ها یا کف دست‌ها زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری بر آن بسته است که نمی‌تواند باز کند، یا ضرر دارد، باید با همان حال تیمم کند.

**مسئله ۲۰۶:** کسی که وظیفه‌اش تیمم است نباید پیش از وقت نماز تیمم کند، ولی اگر برای کار واجب دیگر یا کار مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذرش باقی باشه می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند

**مسئله ۲۰۷:** تمام کاره‌ایی که وضو را باطل می‌کند تیمم به جای



وضو را هم باطل می‌کند و تمام کارهایی که غسل را باطل می‌کند تیمم به جای غسل را هم باطل می‌نماید.

**مسئله ۲۰۸:** هرگاه چند غسل بر انسان واجب شود و نتواند غسل کند یک تیمم به قصد همه آنها کافی است.

**مسئله ۲۰۹:** هرگاه به جای غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهد برای نمازهای بعد فقط باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد به جای آن تیمم کند.

**مسئله ۲۱۰:** اگر شخصی به جای غسل جنابت تیمم بدل از آن را بجا آورد می‌تواند وارد مسجد شود و تمام کارهایی که مشروط به طهارت است انجام دهد ولی اگر تیمم برای تنگی وقت بوده است فقط با آن تیمم آن نماز را که وقتش تنگ شده بود می‌تواند بخواند.

## نماز

### فضیلت نماز

نماز یکی از عبادات بزرگ اسلامی و ستون دین است . مظهر کامل خشوع و خضوع در برابر ذات اقدس الهی است . عبادتی است که در ضمن آن، انسان در پیشگاه مقدّس حق تعالی می ایستد و به بندگی خویش در مقابل خالق بزرگوار و مالک خود اعتراف می کند و حرف دلش را با او می گوید و از درگاه مقدّس آن ذات ذوالجلال، کمک می خواهد و پیشانی در آستانه پاک او به خاک می ساید و حوائج خود را از او می طلبد.

حضرت رسول اکرم فرمودند : «هر چیزی را چهره ای است و چهره دین شما نماز است و سعی کنید کمال و زیبایی این چهره را حفظ کنید.»

و نیز فرمودند: «نماز ستون دین است.»

و همانطور که در راه برپا ساختن یک خیمه ، دیوار و سقف ، طناب و میخ در صورتی به درد می خورد و در تشکیل خیمه نقش دارد که، ستون آن خیمه برپا باشد؛ نماز هم نقش ستون را در خانه و خیمه دین دارد که بدون آن، اعمال دیگر بی اثر و بی نتیجه است. معاویه بن وهب، که یکی از راویان احادیث است از حضرت

صادق × پرسید: «با فضیلت ترین عملی که بندگانی خدا با انجام آن به خداوند تقرّب پیدا می کنند کدام است» حضرتش در پاسخ فرمودند: «بعد از خداشناسی هیچ عملی را که بافضیلت تر از نماز باشد، سراغ ندارم.»

و نیز حضرت صادق فرمودند: «محبوب ترین اعمال در نزد خداوند نماز است و آن آخرین وصایای پیغمبران خدا است، یعنی آخرین موضوعی که به مردم درباره آن وصیت می نمود ه اند، نماز است.»

حضرت رسول اکرم نیز فرمودند: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ الصَّلَاةُ وَالْبِرُّ وَالْجِهَادُ» یعنی: محبوب ترین اعمال در پیشگاه خداوند متعال سه چیز است:

۱. نماز.
۲. نیکی و احسان به مردم.
۳. جهاد در راه خداوند.

### احکام نماز

سزاوار است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و به آن اهمیّت بسیار دهد و از تند خواندن نماز که ممکن است مایه خرابی نماز گردد جداً پرهیزد.

در حدیث آمده است روزی پیغمبر اکرم مردی را در مسجد مشغول نماز دید که رکوع و سجود را به طور کامل انجام نمی دهد،

فرمود: اگر این مرد از دنیا برود در حالی که نمازش اینگونه باشد به دین من از دنیا نخواهد رفت.

روح نماز «حضور قلب» است و سزاوار است از آنچه مایه پراکندگی حواس می شود بپرهیزد، معانی کلمات نماز را بفهمد و در حال نماز به آن توجه داشته باشد و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند بسیار کوچک ببیند.

در حالات معصومین آمده است به هنگام نماز آن چنان غرق یاد خدا می شدند که از خود بی خبر می گشتند، تا آنجا که پیکان تیریدر پای امیرالمؤمنین علی مانده بود در حال نماز بیرون آوردند و آن حضرت متوجه نشد.

برای قبولی نماز و کمال و فضیلت آن علاوه بر شرایط واجب باید امور زیر را نیز رعایت کند:

قبل از نماز از خطاهای خود توبه و استغفار نماید و از گناهیانی که مانع قبول نماز است مانند «حس» و «تکبر» و «غیبت» و «خوردن مال حرام» و «آشامیدن مسکرات» و «ندادن خمس و زکات» بلکه هر معصیتی بپرهیزد.

همچنین سزاوار است کارهایی که ارزش نماز و حضور قلب را کم می کند انجام ندهد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول و در میان سر و صداها و در برابر منظره هایی که جلب توجه می کند به نماز نایستد و کارهایی که ثواب نماز را زیاد می کند انجام

دهد، لباس پاکیزه بپوشد، موهای خود را شانه زند و مسواک کند و خود را خوشبو نماید و انگشتر عقیق به دست کند.

### نمازهای واجب

**مسئله ۲۱۱:** نمازهای واجب شش نماز است:

۱. نمازهای یومیه.
۲. نماز طواف واجب خانه خدا.
۳. نماز آیات.
۴. نماز میّت.
۵. نماز قضای پدر و مادر که بو پسر بزرگتر به شرحی که می‌آید واجب است.
۶. نماز نافاه ای که به واسطه نذر و عهد و قسم واجب شده است.

### نمازهای واجب یومیه

**مسئله ۲۱۲:** نمازهای واجب یومیه پنج نماز است :

نمازهای «ظهر» و «عصر» که هر کدام چهار رکعت است، نماز «مغرب» سه رکعت، نماز «عشاء» چهار رکعت و نماز «صبح» دو رکعت ، اما در سفر باید نماز چهار رکعتی را با شرایطی که بعداً به خواست خدا می‌آید دو رکعت بخواند.

**مسئله ۲۱۳:** نماز جمعه دو رکعت است و در روز جمعه

جانشین نماز ظهر می‌شود و در زمان حضور پیامبر و امام معصوم و نایب خاص او واجب عینی است، اما در زمان غیبت کبری واجب تخییری می‌باشد، یعنی میان نماز جمعه و نماز ظهر مخیر است، ولی در زمانی که حکومت عدل اسلامی باشد احتیاط آن است که ترک نشود.

### قبله

**مسئله ۲۱۴:** تمام نمازهای واجب باید رو به قبله خوانده شود.  
**مسئله ۲۱۵:** «خانه کعبه» که در مکه معظمه است قبله تمام مسلمین دنیاست و هر کس در هر جا باشد باید روبروی آن نماز بخواند، اما کسی که دور است اگر طوری بایستند که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند کافی است، بنابر این صف‌های طولانی نماز جماعت که طول آنها از طول خانه خدا بیشتر است هم می‌تواند رو به قبله باشد.

### پوشانیدن بدن در نماز

**مسئله ۲۱۶:** مرد باید در حال نماز عورتین خود را بپوشاند، هر چند کسی او را نمی‌بیند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند و از آن بهترین که لباس کامل که در برابر افراد محترم در تن می‌کند به تن داشته باشد.

**مسئله ۲۱۷:** زن باید در موقع نماز تمام بدن و حتی سر و موی

خود را بپوشاند، ولی پوشاندن گردی صورت و دست‌ها تا مچ و پاها تا مچ لازم نیست، اما برای این که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است احتیاط این است که مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تراز مچ را بپوشاند.

**مسئله ۲۱۸:** در نماز احتیاط و قضای سجده یا تشهد فراموش شده، بلکه بنا بر احتیاط واجب در موقع سجده سهو و سجده‌های واجب قرآن نیز خود را مانند موقع نماز بپوشاند.

**مسئله ۲۱۹:** برای زنان پوشانیدن موهای مصنوعی و زینت‌های پنهانی (مانند دست بند و گردن بند) نیز لازم است.

**مسئله ۲۲۰:** هرگاه در بین نماز بفهمد که قسمتی را که باید بپوشاند پرداخته است باید فوراً آن را بپوشاند، به شرط این که کاری که صورت نماز را برهم می‌زند بجا نیاورد و چنانچه پوشاندن آن زیاد طول بکشد احتیاط واجب آن است خود را بپوشاند و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

**مسئله ۲۲۱:** هرگاه بعد از نماز بفهمد که مقدار واج ب را در حال نماز نپوشانده، نمازش صحیح است.

### شرایط لباس نمازگزار

**مسئله ۲۲۲:** لباس نمازگزار شش شرط دارد:

۱. پاک بودن.
۲. غصبی نبودن.

۳. از اجزاء مردار نباشد.

۴. از حیوان حرام گوشت نباشد.

۵ و ۶. اگر نمازگزار مرد است لباس او از ابریشم خالص یا

طلا یا ف نباشد و شرح این‌ها در مسائل آینده خواهد آمد.

**مسئله ۲۲۳:** شرط اوّل اگر کسی عمداً با لباس یا بدن نجس

نماز بخواند نمازش باطل است، حتی اگر به خاطر یاد نگرفتن

مسئله باشد.

**مسئله ۲۲۴:** اگر خبر ندارد که بدن یا لباسش نجس است و بعد

از نماز بفهمد، نمازش صحیح است، اما اگر قبلاً با خبر بوده و

فراموش کرده و با آن نماز خوانده باید نماز را اعاده کند، خواه در

وسط نماز یادش بیاید، یا بعد از نماز و اگر وقت نماز گذشته باید

قضا کند.

**مسئله ۲۲۵:** کسی که بعد از نماز بفهمد بدن یا لباسش نجس

بوده نمازش صحیح است، خواه در وقت باشد یا بعد از وقت.

**مسئله ۲۲۶:** هرگاه لباس یا بدن نجس بوده و آن را آب بکشد و

یقین به پاکی آن پیدا کند و نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد هنوز

پاک نشده است، نماز او صحیح است و برای نمازهای بعد باید آن

را پاک کند.

**مسئله ۲۲۷:** شرط دوّم لباس نمازگزار این است که باید مباح

باشد و اگر عمداً در لباس غصبی نماز بخواند حتی اگر نخ یا دکمه

آن غصبی باشد نماز را اعاده کند، ولی اگر نمی‌دانست غصبی است



و با آن نماز خواند نمازش صحیح است، همچنین اگر قبلاً می‌دانسته غصبی است و بعد فراموش کرده، مگر این که غاصب خود نمازگزار باشد، به این معنی که چیزی را غصب کرده و بعد فراموش نموده و با آن نماز خوانده است در اینجا احتیاط واجب آن است که اعاده نماید.

**مسئله ۲۲۸:** شرط سوم لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد نباشد، بلکه احتیاط واجب آن است که از اجزای حیوان‌های مرده دیگر که خون جهنده ندارد (مانند ماهی و مار) نیز اجتناب کند.

**مسئله ۲۲۹:** نمازگزار باید از اجزای مردار چیزی همراه نداشته باشد هر چند به صورت لباس هم نباشد اما اجزایی که مانند مو و پشم بی‌روح است مانعی ندارد، مثلاً می‌توان از مو و پشم مردار حلال گوشت لباس تهیه کرد و با آن نماز خواند.

**مسئله ۲۳۰:** با لباس‌های چرمی که از بازار مسلمانان تهیه می‌شود می‌توان نماز خواند هر چند شک داشته باشد که از حیوانی است که ذبح شرعی شده یا نه، اما اگر یقین داشته باشد که چرم را از ممالک غیر اسلامی آورده‌اند نماز با آن جایز نیست و اگر نداند چرم از بلاد اسلامی است یا غیر بلاد اسلامی و از بازار مسلمانان یا از دست مسلمانان گرفته است اشکال ندارد.

**مسئله ۲۳۱:** شرط چهارم لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد، حتی اگر مویی از آن همراه نمازگزار باشد اشکال دارد

- مسئله ۲۳۲:** هرگاه آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت (مانند گربه) در بدن یا لباس نمازگزار باشد مادام که عین آن برطرف نشده نماز با آن اشکال دارد، اما اگر خشک شود و عین آن برطرف گردد نماز صحیح است.
- مسئله ۲۳۳:** اگر مروارید یا موم همراه نمازگزار باشد برای نماز او اشکالی ندارد ولی نماز خواندن با دکمه صدف که از حیوان حرام گوشت گرفته می شود مشکل است.
- مسئله ۲۳۴:** اگر شک داشته باشد که لباس از پشم و کرک و موی حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، نماز با آن صحیح است، خواه در داخل تهیه شده باشد یا در خارج.
- مسئله ۲۳۵:** این روزها چرم های مصنوعی را به وسیله مواد پلاستیکی و مانند آن می سازند نماز خواندن با آن اشکالی ندارد و هرگاه شک کند که چیزی چرم مصنوعی است یا چرم واقعی یا از حیوان حرام گوشت، یا حیوان مرده، آن هم اشکالی ندارد.
- مسئله ۲۳۶:** با پوست خز و سنجاب نماز خواندن اشکال ندارد.
- مسئله ۲۳۷:** شرط پنجم نماز خواندن با لباس طلا باف برای مردان جایز نیست و نماز را باطل می کند، ولی برای زنان اشکالی ندارد، در غیر حال نماز نیز پوشیدن چنین لباسی برای مردان حرام است
- مسئله ۲۳۸:** زینت طلا مانند انگشتر طلا و یا ساعت مچی طلا مانند آن برای مردان حرام است و نماز با آن نیکو باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا نیز خودداری

شود ولی همه این‌ها برای زنان در نماز و غیر نماز جایز است.  
**مسئله ۲۳۹:** شرط ششم پوشیدن لباس از ابریشم خالص برای مردان حرام است، حتی عرقچین و بند شلوار و نماز با آن باطل است، حتی آستر لباس نیز نباید از ابریشم خالص باشد، اما برای زنان همه این‌ها چه در حال نماز و چه در غیر نماز جایز است.  
**مسئله ۲۴۰:** لباسی که معلوم نیست از ابریشم خالص است یا چیز دیگر پوشیدن آن اشکال ندارد و نماز با آن صحیح است.

### مواردی که نجس بودن لباس یا بدن نمازگزار جایز است

**مسئله ۲۴۱:** در شش صورت اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد نماز او صحیح است:

۱. در جایی که به واسطه زخم یا جراحت و دمل، لباس یا بدن به خون آلوده شده باشد.
۲. در جایی که خون موجود در لباس یا بدن کمتر از درهم باشد (درهم تقویباً به اندازه یک اشرفی می‌شود).
۳. هرگاه لباس‌های کوچک مانند جوراب و عرقچین او نجس باشد.
۴. محمول متنجس.
۵. لباس زنی که پرستار بچه است.
۶. در جایی که ناچار است با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

شرح این‌ها در مسائل آینده ذکر می‌شود.

**مسئله ۲۴۲:** اوّل هرگاه در بدن یا لباس نمازگزار خون زخم یا

جراحی یا دمل باشد اگر به گونه‌ای است که آب کشیدن بدن یا لباس، کار مشکلی است تا وقتی که زخم یا جراحی و دمل خوب نشده می‌تواند با آن نماز بخواند، همچنین است چرکی که با خون بیرون می‌آید، یا دوائی که روی زخم می‌گذارند و نجس می‌شود، ولی اگر زخم به زودی خوب می‌شود و شستن خون آن از لباس یا بدن آسان است باید آن را آب کشد.

**مسئله ۲۴۳:** هرگاه به آسانی می‌تواند زخم را پانسمان کند و از سرایت خون به سایر بدن یا لباس جلوگیری کند باید این کار را انجام دهد.

**مسئله ۲۴۴:** کسی که بدنش زخم است اگر در لباس یا بدن خود خونی ببیند و نداند از آن زخم است یا خون دیگر نماز خواندن با آن مشکل است.

**مسئله ۲۴۵:** دوّم از موارد عفو، خون کمتر از درهم است که در لباس نمازگزار باشد، نماز خواندن با آن جایز است به شرط این که از خون حیض یا نفاس و استحاضه و خون سگ و خوک و مردار و خون حیوان حرام گوشت و همچنین خون کافر نباشد.

**مسئله ۲۴۶:** هرگاه خون در چند جای لباس یا بدن پراکنده باشد اگر مجموع آن کمتر از درهم است برای نماز ضرری ندارد.

**مسئله ۲۴۷:** سوم از موارد عفو، لباس‌ها ی کوچک نمازگزار است، مانند: عرقچین و جورابی که نمی‌توان با آن عورت را پوشانید، اگر نجس باشد نماز با آن‌ها صحیح است و همچنین

انگشتر و عینک که نجس شده است.

**مسئله ۲۴۸:** چهارم هرگاه دستمال یا لباسی نجسی کمی توان با آن

عورت را پوشانید در جیب نمازگزار باشد نماز او صحیح است و همچنین سایر اشیاء نجس ولی احتیاط مستحب اجتناب از آن است

**مسئله ۲۴۹:** پنجم زنی که پرستار بیچه است و نمی تواند برای

نماز به آسانی لباس طاهر تهیه کند، هرگاه در شبانه روز یک مرتبه لباس خود را بشوید می تواند با آن نماز بخواند، هر چند لباسش با بول بیچه نجس شود، ولی احتیاط آن است که لباس خود را برای اولین نمازی که بجامی آورد آب بکشد.

### مکان نمازگزار

**مسئله ۲۵۰:** مکان نمازگزار باید دارای شرایط زیر باشد:

شرط اول مباح بودن، بنابراین کسی که ملک غصبی یا روی فرش یا تخت غصبی نماز می خواند نمازش اشکال دارد، همچنین نماز در ملکی که منفعت آن متعلق به دیگری است (مثل این که در اجاره اوست) که نماز خواندن در آن بدون اجازه مستأجر اشکال دارد، همچنین در ملکی که مورد تعلق حق دیگری است، مثل این که میت وصیت کرده که ثلث مال او را به مصرفی برسانند تا وقتی که ثلث راجدا نکنند نمی توان در آن ملک نماز خواند.

**مسئله ۲۵۱:** کسی که در مسجد نشسته اگر دیگری جای او را

غصب کند و در آن نماز بخواند گناه کرده است ولی نمازش

صحیح است.

**مسئله ۲۵۲:** تصرف در ملک میّتی که خمس و زکات بدهکار

است حرام و نماز در آن باطل است.

**مسئله ۲۵۳:** شرط دوّم مکان نمازگزار «استقرار» است یعنی اگر

مکان نمازگزار متحرک باشد به طوری که نتواند کارهای نماز را به

طور عادی انجام دهد مانند نماز در کشتی و ماشین در حال

حرکت، نماز او باطل است، و اگر از جهت تنگی وقت یا ضرورت

دیگری ناچار باشد نماز را در کشتی و اتومبیل و مانند آن بخواند و

قبله دائماً در حال تغییر باشد باید تا آنجا که می‌تواند به طرف قبله

برگردد و در حال برگشتن به سوی قبله چیزی نخواند، نمازش

صحیح است.

**مسئله ۲۵۴:** شرط سوم آن است که در جایی نماز بخواند که بتواند

واجبات را انجام دهد، بنابراین در جایی که سقف آن کوتاه است و

نمی‌تواند بایستد یا جای رکوع و سجود ندارد نماز باطل است

**مسئله ۲۵۵:** اگر زن در کنار مرد یا جلوتر از مرد (در صورتی که

محرم باشند) در نماز بایستد نمازشان صحیح است ولی بهتر آن

است که زن عقب‌تر از مرد بایستد.

**مسئله ۲۵۶:** شرط پنجم باید محل پیشانی نمازگزار از جای

ایستادن او به بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست تر نباشد.

## اذان و اقامه

**مسئله ۲۵۷:** مستحب است پیش از نمازهای یومیه اذان و اقامه بگویند و بهتر است حتی الامکان ترک نشود، مخصوصاً «اقامه»، ولی برای نماز عید «فطر» و «قربان» و نمازهای واجب دیگر، اذان و اقامه نیست، بلکه سه مرتبه به امید مطلوبیت پروردگار بگویند «الصلاة» و نیز مستحب است به عنوان تبرک و امید ثواب در روز اول که بچه به دنیا می‌آید، یا پیش از آن که بند نافش بیفتد در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

**مسئله ۲۵۸:** اذان دارای ۱۸ جمله است به ترتیب:

اللَّهُ أَكْبَرُ چهار مرتبه (یعنی خداوند بزرگتر از آن است که به وصف آید).

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دو مرتبه (یعنی گواهی می‌دهم غیر از خداوند یکتا معبود دیگری نیست).

أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ دو مرتبه (یعنی گواهی می‌دهم که محمد فرستاده خداست).

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی نماز).  
حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ دو مرتبه (یعنی بشتاب بسوی رستگاری).

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ دو مرتبه (یعنی بشتاب به سوی بهترین کارها که نماز است).

اللَّهُ أَكْبَرُ دو مرتبه (یعنی گواهی می‌دهم غیر از خداوند یکتا معبود دیگری نیست).

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ دو مرتبه (یعنی هیچ معبودی جز خداوند یکتا نیست).

و اقامه ۱۷ جمله است به این ترتیب که همه چیزش مانند اذان است جز این که در اول آن فقط دو مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» می‌گویند و در آخر آن یک مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ولی بعد از گفتن «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» (یعنی نواز برپا شد) اضافه می‌شود.

مسئله ۲۵۹: «أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيَّ اللَّهِ» (یعنی گواهی می‌دهم که علی ولی خدا بر همه خلق است) جزء اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از «أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ» به قصد قربت گفته شود و چون در امثال زمان ما شعار تشیع محسوب می‌شود در هر جا که اظهار این شعار مستحسن و لازم باشد گفتن آن هم مستحسن و لازم است.

مسئله ۲۶۰: کسی که اذان دیگری را می‌شنود مستحب است هر جمله را که می‌شنود بازگو کند، بازگو کردن اقامه نیز به امید ثواب مستحب است (و آن را حکایت اذان و اقامه گویند).

مسئله ۲۶۱: مستحب است در موقع اذان گفتن رو به قبله بایستد و با وضو باشد و صدا را بلند کند و بکشد و بین جمله‌ها ی



اذان کمی فاصله دهد و در میان آن حرف نزنند.

### واجبات نماز

**مسئله ۲۶۲:** واجبات نماز یازده چیز است:

۱. نیت.
۲. قیام.
۳. تکبیرة الاحرام، یعنی «الله اکبر» در اول نماز.
۴. قرائت
۵. رکوع.
۶. سجود.
۷. ذکر رکوع و سجود.
۸. تشهد.
۹. سلام.
۱۰. ترتیب.

۱۱. موالات (پی در پی بجا آوردن اجزاء نماز).

**مسئله ۲۶۳:** واجبات نماز بر دو گونه است بعضی رکن است و

بعضی غیر رکن، رکن چیزی است که اگر آن را بجا نیاورد یا اضافه کند نماز باطل است، خواه عمداً باشد یا از روی سهو و اشتباه ولی در واجبات غیر رکنی هنگامی نماز باطل می شود که آن را عمداً کم و زیاد کند و اگر از روی سهو و اشتباه کم و زیاد کند نماز صحیح است

**مسئله ۲۶۴:** ارکان نماز پنج چیز است:

اوّل - نیت.

دوّم - تکبيرة الاحرام.

سوم - قیام در موقع گفتن تکبيرة الاحرام و قیام متصل به رکوع،

یعنی ایستادن پیش از رکوع.

چهارم - رکوع.

پنجم - دو سجده.

### ۱. نیت

**مسأله ۲۶۵:** نماز را باید به قصد قربت یعنی برای اطاعت فرمان

خدا انجام داد و لازم نیست نیت را به زبان آورد و یا در اوّل نماز از قلب بگذراند، همین اندازه که اگر سؤال کنند چه می‌کنی، بتواند جواب دهد که برای خدا نماز می‌خوانم کافی است.

**مسأله ۲۶۶:** در موقع نیت باید قصد کند که نماز ظهوی خواند یا

«عصر» یا نمازهای دیگر و اگر فقط نیت کند چهار رکعت نماز می‌خوانم کافی نیست، بلکه نمازی را که می‌خواند باید در نیت خود معین کند و واجب است که قضا و ادا بودن آن را نیز معین نماید

**مسأله ۲۶۷:** نیت باید تا آخر نماز ادامه داشته باشد و اگر طوری

غافل شود که نداند چه می‌کند نمازش باطل است.

### ۲. تکبيرة الاحرام

**مسأله ۲۶۸:** اولین جزء نماز «الله اکبر» است که آن را

«تکبيرة الاحرام» می‌گویند و ترک آن خواه از روی عمد باشد یا سهو نماز را باطل می‌کند.

**مسئله ۲۶۹:** «الله اکبر» مانند سایر ذکرهای نماز و حمد و سوره باید به عربی صحیح گفته شود و عربی غلط یا ترجمه آن کافی نیست

**مسئله ۲۷۰:** باید موقع گفتن تکبيرة الاحرام بدن آرام باشد و اگر در حالی که مثلاً قدم بر می‌دارد الله اکبر بگوید باطل است.

**مسئله ۲۷۱:** مستحب است در موقع گفتن تکبيرة الاحرام و سایر تکبیرهای نماز دست‌ها را تا مقابل گوش بالا ببرد.

### ۳. قیام

**مسئله ۲۷۲:** قیام یعنی ایستادن، در دو جای نماز واجب و رکن است: هنگام گفتن تکبيرة الاحرام و قیام قبل از رکوع که آن را «قیام متصل به رکوع» گویند، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و همچنین بعد از رکوع واجب است اما رکن نیست.

**مسئله ۲۷۳:** هرگاه در حال قیام برای حمد و سوره از روی فراموشی بدن و پاها را حرکت دهد یا به طرفی خم شود نماز باطل نیست، اما اگر در موقع تکبيرة الاحرام و قیام متصل به رکوع باشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و اعاده نماید.

**مسئله ۲۷۴:** اگر پاها را بیش از اندازه گشاد بگذارد به طوری که از شکل ایستادن بیرون رود نمازش باطل است مگر این که لُچار باشد.

**مسئله ۲۷۵:** هرگاه در نماز می‌خواهد کمی جلو یا عقب رود یا

بدن را کمی به طرف راست و چپ حرکت دهد باید چیزی نگوید ولی «بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ» را باید در حال برخاستن بگوید.

**مسئله ۲۷۶:** در موقع ذکرهای واجب نماز نیز باید بدن آرام باشد، بلکه احتیاط واجب آن است که در ذکرهای مستحب نیز این معنی رعایت شود.

**مسئله ۲۷۷:** کسی که می‌تواند قسمتی از نماز را ایستاده بخواند واجب است آن مقدار را بایستد و بقیه را بنشیند و اگر نتوانست بخوابد

**مسئله ۲۷۸:** شایسته است در حال ایستادن بدن را راست نگه دارد، شانه‌ها را پایین بیندازد، دست‌ها را روی ران‌ها بگذارد، انگشت‌ها را به هم بچسباند، سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد و به محل سجده نگاه کند و با خضوع و خشوع باشد، مردان کمی پاهارا باز بگذارند و زنان به هم بچسبانند.

#### ۴. قرائت

**مسئله ۲۷۹:** در رکعت اول و دوم نمازهای واجب روزانه باید بعد از تکبیرة الاحرام سوره حمد را قرائت کند و بعد از آن یک سوره تمام از قرآن مجید را و خواندن یک یا چند آیه کافی نیست.

**مسئله ۲۸۰:** واجب است مردان حمد و سوره نماز «صبح» و «مغرب» و «عشاء» را بلند و حمد و سوره نماز «ظهر» و «عصر» را

آهسته بخوانند و زنان نیز باید حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند، اما حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را می‌توانند بلند یا آهسته بخوانند، ولی اگر نامحرم صدای آن‌ها را بشنود احتیاط مستحب آن است که آهسته بخوانند.

**مسئله ۲۸۱:** در جایی که باید حمد و سوره را بلند بخواند اگر عمداً یک کلمه را آهسته بخواند نماز باطل است، همچنین در جایی که باید آهسته بخواند اگر یک کلمه را بلند بخواند نماز باطل می‌شود.

**مسئله ۲۸۲:** هرگاه در جایی که باید قرائت را بلند بخواند عمداً آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی، یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است.

**مسئله ۲۸۳:** هرگاه در اثناء حمد و سوره متوجه شود مقداری را برخلاف دستور بالا سهواً بلند یا آهسته خوانده لازم نیست برگردد.

**مسئله ۲۸۴:** هرگاه کسی در قرائت و ذکر نماز صدای خود را بیش از حد معمول بلند کند و با فریاد بخواند نمازش باطل است.

**مسئله ۲۸۵:** باید قرائت و ذکر نماز را صحیح بخواند و اگر نمی‌تواند یاد بگیرد، اما کسانی که نمی‌توانند تلفظ صحیح را یاد بگیرند باید همانطور که می‌توانند بخوانند و برای چنین اشخاصی بهتر است که تا می‌توانند نماز خود را با جماعت بجا آورند.

**مسئله ۲۸۶:** لازم نیست آنچه را علمای تجوید برای بهتر خوانی

قرآن ذکر کرده‌اند رعایت کند، بلکه لازم است طوری بخواند که بگویند عربی صحیح است هر چند رعایت دستورات تجوید بهتر است.

**مسئله ۲۸۷:** احتیاط واجب آن است که در نماز، وقف به حرکت ننماید و معنی وقف به حرکت آن است که زیر و زیر آخر کلمه را بگوید اما بین آن کلمه و کلمه بعد فاصله دهد، مثل این که بگوید: «**اللَّهُ أَكْبَرُ**» (و آخر آن را پیش دهد) اما مدتی سکوت کند بعد **بِسْمِ اللَّهِ** را شروع نماید، احتیاط واجب آن است که وصل به سکون نیز نکند و معنی وصل به سکون این است که آخر جمله را بدون زیر و زیر بخواند و بلافاصله آیه یا کلمه بعد را بگوید.

**مسئله ۲۸۸:** در رکعت سوم و چهارم نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی مخیر است که حمد بخواند (بدون سوره) یا سه مرتبه تسبیحات اربعه یعنی «**سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ**» بگوید، بلکه یک مرتبه نیز کافی است و مانعی ندارد در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید.

**مسئله ۲۸۹:** واجب است در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات اربعه را آهسته بخوانند، حتی بسم الله را.

**مسئله ۲۹۰:** اگر در رکعت اوّل و دوّم نماز به گمان این که رکعت سوم و چهارم است تسبیحات بگوید، چنانچه پیش از رکوع

متوجه شود باید برگردد و حمد و سوره بخواند و اگر در رکوع یا بعد از آن بفهمد نمازش صحیح است.

**مسئله ۲۹۱:** اگر در رکوع یا بعد از آن شک کند که تسبیحات را خوانده یا نه، اعتنا به شک نکند، اما اگر هنوز به اندازه رکوع خم نشده احتیاط واجب آن است که برگردد و بخواند.

**مسئله ۲۹۲:** اگر آیه سجده را از کسی بشنویم و یا از رادیو و تلویزیون مستقیم پخش می‌شود واجب است سجده بجا بیاوریم.

## ۵. رکوع

**مسئله ۲۹۳:** در هر رکعت بعد از قرائت ، یک رکوع واجب است، یعنی به اندازه‌ای خم شود که اگر بخواهد کف دست‌ها را به زانو بگذارد بتواند.

**مسئله ۲۹۴:** در رکوع واجب است ذکر بگوید، ذکر رکوع بنا بر احتیاط واجب سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» است که باید به عربی صحیح گفته شود و مستحب است آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه تکرار کند.

**مسئله ۲۹۵:** در موقع ذکر واجب باید بدن آرام باشد و برای ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکر رکوع می‌گوید آرام بودن بدن لازم است.

**مسئله ۲۹۶:** هرگاه ذکر را قبل از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن

گرفتن بدن بگوید باید آن را بعد از آرام گرفتن اعاده کند، حتی اگر عمداً این کار را کند احتیاط این است که نماز را نیز بعداً اعاده ننماید

**مسئله ۲۹۷:** هرگاه پیش از تمام شدن ذکر واجب عمداً سر از

رکوع بردارد نمازش باطل است و اگر سهواً باشد چنانچه پیش از خارج شدن از حال رکوع متوجه شود باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید و اگر بعد از آن که از حال رکوع خارج شد متوجه گردد، نمازش صحیح است.

**مسئله ۲۹۸:** رکوع از واجبات رکنی است که اگر ترک شود یا

در یک رکعت دو رکوع یا بیشتر بجا آورد نماز باطل است خواه عمداً باشد یا از روی سهو و فراموشی.

**مسئله ۲۹۹:** بعد از تمام شدن رکوع، واجب است راست بایستند

و بعد از آرام گرفتن بدن به سجده رود و اگر عمداً این کار را ترک کند نمازش باطل است، اما اگر از روی سهو باشد اشکالی ندارد.

**مسئله ۳۰۰:** مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که

راست ایستاده «الله اکبر» بگوید و در حال رکوع زانوها را عقب دهد و پشت را صاف نگهدارد، گردن را بکشد و مساوی پشت نگهدارد و میان دو قدم نگاه کند و بعد از آن که از رکوع برخاست و راست ایستاد در حالی که بدن آرام است بگوید «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».



## ۶. سجود

**مسئله ۳۰۱:** در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب دو سجده واجب است و محل آن از رکوع است و هرگاه هر دو را عمداً یا از روی فراموشی ترک کند یا به جای دو سجده چهار سجده بجا آورد نماز باطل است، اما زیادی یا کمی یک سجده بشرط این که از روی سهو باشد نماز را باطل نمی‌کند.

**مسئله ۳۰۲:** در سجده باید هفت موضع بر زمین قرار گیرد: پیشانی، کف دست‌ها، سر دو زانو، سر دو انگشت بزرگ پا و هرگاه یکی از این اعضا را عمداً بر زمین نگذارد سجده اش باطل است، اما اگر پیشانی به زمین باشد و بعضی دیگر از اعضا را سهواً به زمین نگذارد سجده صحیح است.

**مسئله ۳۰۳:** ذکر سجده نیز واجب است و احتیاط آن است که حداقل سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ» بگوید و هر چه بیشتر بگوید بهتر است.

**مسئله ۳۰۴:** در سجده باید بدن به مقدار گفتن ذکر واجب آرام باشد، در موقع ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکری که برای سجده دستور داده شاه بگوید آرام بودن بدن لازم است و اما اگر به قصد ذکر مطلق باشد که در هر جای نماز جایز است حرکت مانعی ندارد

**مسئله ۳۰۵:** هرگاه پیش از آن که بدن آرام بگیرد ذکر سجده را شروع کند باطل است، همچنین اگر قسمتی از آن را هنگام بلند

شدن از سجده بگوید، اما اگر سهواً باشد مانعی ندارد و اگر قبل از برداشتن سر از سجده متوجه شود باید ذکر را اعاده کند.

**مسئله ۳۰۶:** هنگامی که مشغول ذکر نیست می تواند بعضی از اعضای هفتگانه را بجز پیشانی از زمین بردارد، یا جابجا کند، ولی در موقع ذکر جایز نیست.

**مسئله ۳۰۷:** بعد از سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

**مسئله ۳۰۸:** باید جای پیشانی نمازگزار از جای زانوهایش بیش از چهار انگشت بسته، بالاتر و پایین تر نباشد، همچنین جای پیشانی نسبت به جای انگشتان پای او، خواه زمین سرایشی باشد یا نباشد.

**مسئله ۳۰۹:** پیشانی باید روی چیزی قرار گیرد که سجده بر آن صحیح است و شرح آن به خواست خدا در مسائل آینده ذکر می شود و اگر حایلی در این وسط باشد مانند موی سر یا چرک بودن مهر به حلّی که پیشانی به خود مهر نرسد سجده باطل است، ولی تغییر رنگ مهر اشکالی ندارد.

**مسئله ۳۱۰:** بنا بر احتیاط واجب باید هنگام سجده سر دو انگشت پاها بر زمین باشد و انگشت های دیگر کافی نیست، حتی اگر ناخن انگشت بزرگ پا طوری بلند باشد که سر انگشت به زمین نرسد اشکال دارد.

**مسئله ۳۱۱:** هرگاه پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود و برگردد، یک سجده حساب می شود، چه ذکر سجده را گفته باشد یا

نه، ولی اگر اختیاراً آن را بردارد اگر قبل از ذکر و از روی عمد باشد نمازش باطل است و الا اشکال ندارد.

### چیزهایی که سجده بر آن صحیح است

**مسئله ۳۱۲:** هنگام سجده باید پیشانی بر زمین یا چیزهایی که از زمین می‌روید مانند چوب و برگ درختان باشد، ولی سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی هر چند از زمین بروید جایز نیست و همچنین سجده کردن بر فلزات مانند طلا و نقره باطل است، اما سجده بر سنگ‌های معدنی مانند سرنگ مرمر و سنگ های سفید و سیاه اشکال ندارد.

**مسئله ۳۱۳:** احتیاط واجب آن است که بر برگ درخت مو که بعضی آنرا در غذا مصرف می‌کنند سجده نکند.

**مسئله ۳۱۴:** سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ چه قبل از پخته شدن و چه بعد از آن صحیح است، همچنین بر آجر و سفال و سیمان نیز جایز است.

**مسئله ۳۱۵:** سجده بر کاغذ جایز است.

**مسئله ۳۱۶:** بهتر از هر چیز برای سجده «خاک» مخصوصاً «تربت حضرت سیدالشهداء» است.

**مسئله ۳۱۷:** سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام است و بعضی از مردم عوام که در مقابل قبر امامان پیشانی را بر زمین می‌گذارند اگر به قصد سجده برای امام باشد فعل حرام است و اگر

برای شکر خدا باشد اشکالی ندارد، ولی اگر در نظر بینندگان چنین نشان دهد که سجده برای امام است یا بهانه به دست دشمنان دهد اشکال دارد.

### سجده‌های واجب قرآن مجید

**مسئله ۳۱۸:** چنانچه گفته شد در چهار سوره از قرآن مجید آیه سجده است (سوره «الم سجده» و «حم سجده» و «النجم» و «اقر») و هر گاه انسان آیه سجده را بخواند یا گوش کند باید فوراً به سجده رود و اگر فراموش کرد هر زمان یادش آید سجده واجب است و اگر گوش ندهد بلکه آیه سجده به گوشش بخورد، بنابر احتیاط واجب باید سجده کند.

**مسئله ۳۱۹:** اگر انسان خودش آیه سجده را بخواند و در همان حال از دیگری هم بشنود یک سجده کافی است.

**مسئله ۳۲۰:** هرگاه در غیر نماز در حال سجده آیه سجده را بخواند یا به آن گوش فرا دهد، باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.

**مسئله ۳۲۱:** هرگاه آیه سجده را از مثل نوار گوش کند و همچنین رادیو اگر مستقیم نباشد سجده لازم نیست.

**مسئله ۳۲۲:** برای سجده واجب قرآن کافی است به سجده رود ذکر گفتن واجب نمی‌باشد، اما بهتر است این ذکر را بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
إِلَّا إِيْمَانًا وَ تَصْدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

عُبُودِيَّةً وَ رَقًّا سَخَدَتْ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا  
وَ رَقًّا لَا مُسْتَنْكَفًا وَ لَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ  
أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».

مسأله ۳۲۳: در سجده قرآن، رو به قبله بودن شرط نیست و به

هر سوی می‌تواند سجده کند، ولی بهتر رو به قبله بودن است.

### ۷. ذکر رکوع و سجده

که شرح آن در مسائل رکوع و سجود گذشت.

### ۸. تشهد

مسأله ۳۲۴: در رکعت دوّم تمام نمازها، تشهد واجب است ،  
همچنین در رکعت آخر نماز مغرب و عشاء و ظهر و عصر و طریقه  
تشهد این است که بعد از سجده دوّم می‌نشینند و در حال آرام بودن  
بدن ذکر تشهد را می‌گویند و کافی است بگویند:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا  
شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
وَ رَسُولُهُ أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ  
مُحَمَّدٍ»

و این کلمات باید به عربی صحیح و به ترتیب و پشت سر هم

گفته شود.

مسأله ۳۲۵: هرگاه تشهد را فراموش کند اگر پیش از رکوع

رکعت بعد یادش بیاید بنشینند و تشهد را بخوانند و دوباره برخیزد و

از نو تسبیحات را بخواند، اما اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید

نمازش صحیح است و برگشتن واجب نیست، ولی احتیاط واجب آن است که بعد از نماز تشهد را قضا کند و دو سجده سهو نیز بجا آورد.

**مسئله ۳۲۶:** مستحب است در حال تشهد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد و نیز مستحب است قبل از تشهد بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ يَا بَسْمَ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ»

و نیز مستحب است در حال تشهد دست‌ها را بر ران بگذارد و انگشتها را به یکدیگر بچسباند و به دامان خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهد اوّل بگوید:

«وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ» (خداوند!

شفاعت پیامبر را بپذیر و درجه او را بالاتر ببر).

**مسئله ۳۲۷:** اگر شخصی تشهد نماز را فراموش کند، لازم است بعد از سلام تشهد را بخواند، و سجده سهو نیز بجا آورد.

## ۹. سلام

**مسئله ۳۲۸:** در رکعت آخر تمام نمازها بعد از تشهد، واجب

است سلام بگوید و سلام دارای سه صیغه است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ  
وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ  
الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ  
بَرَكَاتُهُ».

سلام اوّل از مستحبات است و سلام دوّم و سوم هر یک از آنها کافی است ولی بهتر سوم است.

**مسئله ۳۲۹:** اگر سلام نماز را فراموش کند و هنگامی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری که عمداً و سهواً نماز را باطل می‌کند (مانند پشت به قبله کردن) انجام نداده است، باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است، اما اگر موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم خورده، ولی کاری که عمداً و سهواً نماز را باطل می‌کند انجام نداده، سلام لازم نیست و نمازش صحیح است و اگر پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد چنین کاری را انجام داده احتیاط واجب آن است که نماز را اعاده کند.

#### ۱۰. ترتیب

**مسئله ۳۳۰:** نمازگزار باید کارهای نماز را به ترتیبی که در مسائل گذشته گفته شد انجام دهد و اگر عمداً برخلاف آن انجام دهد، مثلاً سجود را قبل از رکوع، یا تشهد را قبل از سجده انجام دهد نمازش باطل است و اگر از روی فراموشی باشد باید تا داخل رکن بعد نشده، برگردد و انجام دهد به طوری که ترتیب حاصل شود و اگر وارد رکن بعد شده نمازش صحیح است، مگر آن که جزء فراموش شده از ارکان نماز باشد، مثل این که رکوع را فراموش کند تا وارد سجده دوّم شود که در این صورت نمازش باطل است.

### ۱۱. موالات

**مسئله ۳۳۱:** نمازگزار باید «موالات» را رعایت کند، یعنی در میان کارهای نماز، مانند رکوع و سجود و تشهد، آن قدر فاصله نیندازد که از صورت نماز خارج شود وگرنه نمازش باطل است خواه عمداً باشد یا از روی سهو.

**مسئله ۳۳۲:** اگر در میان حرف‌ها یا کلمات قرائت، یا کلمات ذکر و تشهد سهواً فاصله بیندازد که صورت قرائت و کلمات از بین برود ولی صورت نماز از بین نرود باید برگردد و به طور صحیح بخواند، مگر آنکه وارد رکن بعد شده باشد که نمازش صحیح است و بازگشت ندارد.

### قنوت

**مسئله ۳۳۳:** «قنوت» در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم مستحب است، و در نماز شفع قنوت را بقصد رجاء بخواند. و در نماز وتر با آن که یک رکعت است خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب می‌باشد.

**مسئله ۳۳۴:** در قنوت، ذکر و دعای مخصوصی شرط نیست، همچنین بلند کردن دست‌ها، ولی بهتر آن است دست‌ها را تا مقابل صورت بلند کند به طوری که کف دست رو به آسمان باشد و آن‌ها را به یکدیگر بچسباند و ذکر خدا بگوید و یا دعا کند و هر ذکر ی در قنوت بخواند جایز است حتی گفتن یک «سُبْحَانَ اللَّهِ»



ولی بهتر است دعاهایی مانند دعای زیر را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ  
الْهَرَبِ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ  
السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ  
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»  
و حوایج دنیا و آخرت را از خدا طلب کند.

**مسأله ۳۳۵:** مستحب است قنوت را کمی بلندتر بخواند ولی در

نماز جماعت طوری نخواند که امام جماعت صدای او را بشنود.

**مسأله ۳۳۶:** هرگاه قنوت را عمداً ترک کند قضا ندارد و اگر

فراموش کند اگر پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید

مستحب است بایستد و بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید مستحب

است بعد از رکوع قضا کند و اگر در سجده یادش بیاید بعد از

سلام نماز قضا نماید.

## ترجمه نماز

### ترجمه سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : بنام خداوند

بخشنده مهربان.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ : سپاس مخصوص خدایی

است که پروردگار جهانیان است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : خداوندی که بخشنده و مهربان

است.

مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ: خداوندی که صاحب روز جزا

است.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: خداوندا تنها تو

را می پرستیم و تنها از تو کمک می طلبیم.

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را به راه راست

هدایت فرما.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ: راه کسانی که به

آنها نعمت دادی.

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ لَا الضَّالِّينَ: نه

راه کسانی که بر آنها غضب کردی و نه گمراهان.

### ترجمه سوره قل هو الله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: بنام خداوند

بخشنده مهربان.

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ: بگو ای پیغمبر اوست خدای یکتا.

اللَّهُ الصَّمَدُ: خداوندی که از همه بی نیاز است و همه به

او نیازمندند.

لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ: نه کسی از او متولد شده و

نه او از کسی.

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ: و هیچ کسی مانند

او نیست.

### ترجمه ذکر رکوع

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ .

پاک و منزّه است پروردگار بزرگ من و او را سپاس می‌گویم.

### ترجمه ذکر سجود

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ .

پاک و منزّه است خداوند بلند مقام من و او را سپاس می‌گویم.

### ترجمه تشهد

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ .

گواهی می‌دهم هیچ‌کسی شایسته پرستش جز خداوند

نیست، یگانه است و شریک ندارد.

وَ أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ .

و گواهی می‌دهم محمد بنده و فرستاده اوست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ .

خداوندا! درود بفرست بر محمد و اهل بیت او.

### ترجمه سلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

سلام بر تو این پیغمبر و رحمت خدا و برکات او.

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلِي عِبَادِ اللَّهِ  
الصَّالِحِينَ.

سلام بر ما و بر تمام بندگان صالح خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.  
سلام بر شما ای جمعیت نمازگزاران و رحمت و برکات او.

### ترجمه تسیبحات

سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
وَ اللَّهُ أَكْبَرُ.

پاک و منزّه است خداوند و حمد و ستایش مخصوص اوست و

معبودی جز او نیست و خداوند بزرگتر از آن است که به وصف  
آید.

### ترجمه قنوت

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ  
حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.

خداوندا در دنیا و در سرای دیگر به ما نیکی و مرحمت فرما ما

را از عذاب دوزخ نگاهدار.

### تعقیب نماز

مسأله ۳۳۷: مستحب است نمازگزار بعد از نماز مشغول ذکر و

دعا و قرآن شود و این را تعقیب می‌نامند و بهتر است پیش از آن

که از جای خود حرکت کند و وضوی او باطل شود رو به قبله

بنشیند و تعقیب را بخواند، در کتاب‌های دعا تعقیب‌های زیادی از

ائمه معصومین نقل شده که یکی از مهمترین آن‌ها تسبیح حضرت زهرا است، به این ترتیب که ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» سپس ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و بعد ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و فضیلت و ثواب بسیار دارد که حضرت صادق فرموده است: ثواب آن از هزار رکعت نماز مستحبی بیشتر است.

**مسئله ۳۳۸:** دیگر از مستحبات بعد از نماز سجده شکر است و آن این است که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد و اگر شکر خداوند را به زبان نیز آورد بهتر است و به قصد رجاء یک مرتبه یا سه مرتبه، یا صد مرتبه «شُكْرًا لِلَّهِ» بگوید و مستحب است هر وقت نعمتی به انسان برسد یا بلایی از او دفع شود سجده شکر بجا آورد.

**مسئله ۳۳۹:** صلوات بر پیغمبر و آل او بعد از نماز، یا در حال نماز و همچنین در سایر حالات از مستحبات مؤکد است و نیز مستحب است هر موقع نام مبارک حضرت رسول خواه محمد باشد یا احمد و همچنین لقب و کنیه آن جناب را مانند مصطفی و ابوالقاسم بشنود صلوات بفرستد، حتی اگر در نماز باشد، همچنین اگر خودش این نام‌های مقدس را بر زبان جاری کند صلوات بفرستد.

## مبطلات نماز

**مسئله ۳۴۰:** یازده چیز نماز را باطل می‌کند که آن‌ها را «مبطلات

نماز» می‌گویند. اوّل این که در بین نماز یکی از شرط‌های آن از بین برود.

**مسأله ۳۴۱:** دوّم این که در بین نماز چیزی که وضو را باطل می‌کند انجام دهد، خواه عمداً باشد یا سهواً، یا از روی ناچاری ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط جلوگیری کند باید مطابق دستوری که در احکام وضو گفته شد عمل نماید، همچنین خارج شدن خون از زن مستحاضه نماز را باطل نمی‌کند به شرط این که به دستورات عمل کرده باشد.

**مسأله ۳۴۲:** کسی که بی اختیار خوابش برده (مثلاً در حال سجده خوابش برده) اما نمی‌داند در سجده نماز بوده یا بعد از آن، در سجده شکر باید نماز را اعاده کند.

**مسأله ۳۴۳:** سوم از مبطلات نماز آن است که دست بسته نماز بخواند آن گونه که بعضی از فرق اسلامی انجام می‌دهند، حتی اگر به قصد ادب دست‌ها را روی هم بگذارد، یا دست به سینه نماز بخواند، هر چند شبیه آن‌ها نباشد احتیاط آن است که نماز را اعاده کند، اما اگر از روی فراموشی و ناچاری یا برای کار دیگری مثل خاراندن دست و مانند آن باشد اشکال ندارد.

**مسأله ۳۴۴:** چهارم از مبطلات آن است که بعد از خواندن حمد «آمین» بگوید و احتیاط واجب این است که نماز را تمام کند و اعاده نماید ولی اگر از روی اشتباه یا در حال تقیه بگوید اشکال ندارد.

**مسئله ۳۴۵:** پنجم از مبطلات نماز آن است که پشت به قبله کند ولی کاملاً به طرف راست یا چپ قبله برگردد، خواه از روی عمد باشد یا فراموشی، همچنین اگر عمداً به قدری منحرف شود که نگویند رو به قبله است نمازش باطل است.

**مسئله ۳۴۶:** هرگاه عمداً یا سهواً صورت را به تنهایی کاملاً به طرف راست یا چپ برگرداند بنا بر احتیاط واجب نمازش را اعاده کند، ولی اگر صورت را کمی برگرداند به طوری که از قبله خارج نشود نماز باطل نمی‌شود.

**مسئله ۳۴۷:** ششم از مبطلات نماز آن است که عمداً حرف بزند، حتی یک جمله، یا یک کلمه، حتی کلمه دو حرفی مانند «من» و «ما» بلکه بنا بر احتیاط اگر دو حرف معنی دار هم نباشد نماز باطل است (منظور از احتیاط در مبطلات نماز آن است که نماز را تمام کرده بعد اعاده کند).

**مسئله ۳۴۸:** سخن گفتن از روی سهو و فراموشی و نسیان نماز را باطل نمی‌کند ولی سجده سهو دارد.

**مسئله ۳۴۹:** هرگاه کلمه‌ای بگوید که یک حرف بیشتر ندارد (مانند «ق» در عربی یعنی نگهدار) چنانچه آن کلمه معنی داشته باشد و معنی آن را قصد کند نمازش باطل است و اگر قصد نکند اما متوجه معنی آن باشد احتیاط آن است که نماز را اعاده کند.

**مسئله ۳۵۰:** سرفه کردن، آه کشیدن، عطسه زدن، نماز را باطل نمی‌کند، هر چند عمدی باشد، ولی گفتن «آخ» و «آه» و مانند

این ها که دو حرف دارد اگر عمدی باشد بنا بر احتیاط واجب نماز را باطل می کند.

**مسئله ۳۵۱:** ذکر خدا و قرائت قرآن و دعا، در هر جای نماز جایز است و اگر جمله ای را مانند «الله اکبر» به قصد ذکر خدا بگوید، اما در موقع گفتن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد، ولی دعا و ذکر به زبان های غیر عربی اشکال دارد.

**مسئله ۳۵۲:** تکرار کردن آیات حمد و سوره یا ذکرهای رکوع و سجود و تسبیحات برای ثواب یا برای احتیاط مانعی ندارد، اما اگر به خاطر وسوسه باشد اشکال دارد.

**مسئله ۳۵۳:** نماز گزار نباید در حال نماز به دیگری سلام کند، ولی اگر دیگری به او سلام کند جواب او واجب است، اما جواب باید مانند سلام باشد، مثلاً اگر گفت: «السَّلام علیک» در جواب بگوید «السَّلام علیک» و اگر بگوید «سلام علیکم» در جواب بگوید «سلام علیکم»، حتی اگر بگوید «سلام» در جواب باید بگوید: «سلام».

**مسئله ۳۵۴:** در غیر نماز هم جواب سلام واجب است، اما سلام کردن مستحب است و باید جواب را طوری بگوید که جواب سلام محسوب شود، یعنی اگر زیاد فاصله بیندازد که جواب محسوب نشود کار حرام کرده و جواب دادن دیگر واجب نیست.

**مسئله ۳۵۵:** اگر کسی در حال نماز جواب سلام را ندهد گناه کرده ولی نمازش صحیح است.



**مسئله ۳۵۶:** واجب است جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، اما اگر سلام کننده کر باشد یا در محیطی است که سر و صدا زیاد است چنانچه به طور معمول جواب دهد کافی است و احتیاط آن است که با اشاره نیز به او بفهماند.

**مسئله ۳۵۷:** جواب سلام را باید به قصد جواب بگوید، نه به قصد قرائت بعضی از آیات قرآن و مانند آن.

**مسئله ۳۵۸:** هرگاه مرد یا زن نامحرم حتی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به نمازگزار یا غیر نمازگزار سلام کند جواب او واجب است.

**مسئله ۳۵۹:** هرگاه سلام از روی مسخره یا شوخی باشد و یا طوری غلط بگوید که سلام حساب نشود جواب آن‌ها لازم نیست و احتیاط واجب آن است که در جواب سلام غیر مسلمان فقط «سلام» بگوید، یا تنها «علیک».

**مسئله ۳۶۰:** اگر کسی وارد مجلس شود و به جمعیت سلام کند جواب او بر همه واجب است ولی اگر یک نفر جواب دهد کافی است

**مسئله ۳۶۱:** هرگاه به عده‌ای سلام کند و در میان آن‌ها بعضی مشغول نماز باشند اگر نمازگزار شک کند که سلام کننده قصد او را داشته یا نه، نباید جواب دهد و نیز اگر بداند قصد او را هم داشته، ولی دیگری جواب سلام را بدهد، اما در این صورت اگر دیگران جواب نگویند او باید جواب دهد.

**مسئله ۳۶۲:** سلام کردن از مستحبات مؤکد است و در قرآن

مجید و روایات اسلامی روی آن تأکید فراوان شده است و سزاوار است که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچکتر به بزرگتر سلام کند.

**مسئله ۳۶۳:** اگر دو نفر همزمان به یکدیگر سلام کنند احتیاط واجب آن است که هر دو جواب دهند.

**مسئله ۳۶۴:** این که بعضی در جواب سلام می گویند: «سلام از من» کافی نیست، بلکه سلام دیگر از ناحیه شخص مقابل محسوب می شود و هر دو احتیاطاً باید بعد از آن جواب دهند.

**مسئله ۳۶۵:** مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگویند (البته در نماز همانگونه که گفته شد باید مثل آن باشد) مثلاً اگر کسی در غیرنماز بگوید: «سلام علیکم» در جواب بگوید: «سلام علیکم و رحمة الله».

**مسئله ۳۶۶:** هفتم از مبطلات نماز خنده عمدی و با صدا است و همچنین خنده ای که در آن بی اختیار باشد، اما تبسم و لبخند نماز را باطل نمی کند هر چند عمدی باشد و نیز خنده سهوی به گمان این که در حال نماز نیست موجب باطل شدن نماز نمی شود.

**مسئله ۳۶۷:** هر گاه برای جلوگیری از صدای خنده به خود فشار آورد به طوری که حالش تغییر کند و رنگش سرخ شود و بدن تکان بخورد به طوری که از شکل نماز گزار بیرون رود نماز او باطل است و اگر به این حد نرسد اشکال ندارد.

**مسئله ۳۶۸:** هشتم از چیزهایی که نماز را باطل می کند گریه

کردن با صداست هر چند بی اختیار شود، بلکه بنابر احتیاط واجب گریه بی صدا نیز نماز را باطل می کند و این ها در صورتی است که گریه از ترس خدا و برای آخرت نباشد، و الا نه تنها نماز را باطل نمی کند، بلکه از بهترین اعمال و از کارهای اولیای خداست.

**مسئله ۳۶۹:** نهم از مبطلات نماز کارهایی است که صورت نماز را به هم می زند مانند کف زدن و به هوا پریدن و مانند آن، خواه از روی عمد باشد یا از روی فراموشی، اما کارهایی که صورت نماز را به هم نمی زند اشکالی ندارد مانند: اشاره کردن به دست.

**مسئله ۳۷۰:** هرگاه در اثناء نماز آن قدر سکوت کند که از صورت نماز گزار خارج شود نمازش باطل است، اما اگر مقداری سکوت کند و شک کند که آیا این مقدار سکوت، نماز را به هم زده یا نه، نمازش صحیح است، همچنین اگر کاری انجام داده که شک دارد صورت نماز را به هم می زند یا نه.

**مسئله ۳۷۱:** دهم از مبطلات نماز خوردن و آشامیدن است به گونه ای که صورت نماز را به هم زند.

**مسئله ۳۷۲:** یازدهم از مبطلات نماز شک در رکعت های نماز دو رکعتی، یا سه رکعتی، همچنین شک در رکعت اول و دوم نماز چهار رکعتی است.

**مسئله ۳۷۳:** دوازدهم از مبطلات نماز آن است که رکنی از ارکان نماز را کم یا زیاد کند عمداً باشد یا سهواً، مانند کم و زیاد کردن رکوع، یا دو سجده با هم، اما کم و زیاد کردن چیزی که رکن

نیست اگر عمدی نباشد اشکالی ندارد و اگر از روی عمد باشد نماز را باطل می‌کند، مانند کم و زیاد کردن یک سجده.

**مسئله ۳۷۴:** هرگاه بعد از نماز شک کند که چیزی از مبطلات را در نماز انجام داده یا نه اعتنا نکند و نمازش صحیح است.

### جایی که شکستن نماز جایز است

**مسئله ۳۷۵:** شکستن نماز واجب عمداً جایز نیست، ولی برای جلوگیری کردن از ضرر قابل توجه مالی یا بدنی مانعی ندارد، مثلاً اگر جان نمازگزار یا کسی که حفظ جان او واجب است به خطر بیفتد و بدون شکستن نماز رفع خطر ممکن نباشد باید نماز را شکست، همچنین برای حفظ مالی که نگهداری آن لازم است، اما برای مالی که اهمیت چندانی ندارد، مکروه است.

**مسئله ۳۷۶:** در مواردی که شکستن نماز واجب است چنانچه ادامه دهد معصیت کرده و نماز او نیز اشکال دارد.

### شکایات نماز

**مسئله ۳۷۷:** شکایات نماز ۲۳ قسم است:

۱. شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند و آن ۸ قسم است.
۲. شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد و آن ۶ قسم است.
۳. شک‌هایی صحیح و آن ۹ قسم است که شرح آنها در مسائل بعدی به خواست خدا می‌آید.

## ۱. شک‌های باطل

**مسئله ۳۷۸:** شک‌های هشتگانه‌ای که نماز را باطل می‌کند به

شرح زیر است:

۱. شک در رکعت‌های نماز دو رکعتی مانند نماز صبح و نماز مسافر، ولی شک در نمازهای مستحب دو رکعتی نماز را باطل نمی‌کند.
  ۲. شک در رکعت‌های نماز سه رکعتی (مغرب).
  ۳. شک در نماز چهار رکعتی هرگاه یک طرف شک، یک باشد، مثل این که شک کند یک رکعت خوانده یا سه رکعت.
  ۴. شک در نمازهای چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم در حالی که یک طرف شک دو باشد (مانند شک دو و سه قبل از اتمام دو سجده).
  ۵. شک بین دو و پنج یا بیشتر از پنج.
  ۶. شک بین سه و شش یا بیشتر (البته این شک‌ها کمتر اتفاق می‌افتد ولی در عین حال باید حکم آن روشن شود).
  ۷. شک بین چهار و شش یا بیشتر، ولی در اینجا احتیاط واجب آن است که مانند شک چهار و پنج عمل کند، یعنی بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد و سپس نماز را دوباره بخواند.
- مسئله ۳۷۹:** اگر یکی از شک‌های باطل در اثناء نماز برای انسان پیش آید نمی‌تواند فوراً نماز را بشکند، بلکه باید اوّل مقداری فکر

کند اگر شک پابرجا شود نماز را رها می‌کند.

## ۲. شک‌هایی که اعتبار ندارد

مسئله ۳۸۰: شک‌هایی که نباید به آن‌ها اعتنا کرد به شرح زیر

است:

۱. شک بعد از محل.
۲. شک بعد از سلام.
۳. شک بعد از گذشتن وقت نماز.
۴. شک کثیرالشک.
۵. شک امام و مأموم.
۶. شک در نمازهای مستحبی و شرح هر یک از این‌ها در مسائل آینده می‌آید.

### اول: شک بعد از محل

مسئله ۳۸۱: هرگاه در اثناء نماز بعد از گذشتن محل چیزی ،

شک کند که آن را بجا آورده یا نه؛ مثل این که بعد از داخل شدن در رکوع، شک در حمد و سوره کند و یا بعد از ورود در سجده شک در رکوع کند، در هیچ یک از این موارد نباید به شک خود اعتنا کند، خواه جزء بعدی رکن باشد یا غیر رکن.

**دوم: شک بعد از سلام**

**مسئله ۳۸۲:** هرگاه بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بود یا نه؛ خواه شک مربوط به عدد رکعت‌های نماز باشد یا شرایط نماز، مانند قهله و طهارت و یا اجزای نماز مانند رکوع و سجود، به شک خود اعتنا نمی‌کند.

**سوم: شک بعد از وقت**

**مسئله ۳۸۳:** هرگاه بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز را خوانده یا نه؛ یا حتی گمان کند نخوانده است، به شک اعتنا نکند، ولی هرگاه پیش از گذشتن وقت نماز شک کند، باید نماز را بجا آورد، حتی اگر گمان دارد نماز را خوانده کافی نیست.

**چهارم: کثیر الشک**

**مسئله ۳۸۴:** «کثیر الشک» یعنی کسی که زیاد شک می‌کند نباید به شک خود اعتنا کند، خواه در عدد رکعات نماز باشد، یا در اجزای نماز یا شرایط نماز.

**پنجم: شک امام و مأوم**

**مسئله ۳۸۵:** اگر امام جماعت در عدد رکعت‌های نماز شک کند، مثلاً نداند سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، هرگاه مأوم بداند چهار رکعت خوانده با علامتی به امامی فهماند و امام باید مطابق آن

عمل کند و به عکس اگر امام می‌داند چند رکعت خوانده ولی مأوم شک می‌کند، باید از امام پیروی کند و به شک خود اعتنا نکند.

### ششم: شک در نماز مستحبی

**مسئله ۳۸۶:** هرگاه در عدد رکعت‌های نماز مستحبی شک کند مخیر است بنا را بر کمتر بگذارد یا بیشتر، مگر این که طرف بیشتر، نماز را باطل کند که در این صورت بنا را بر کمتر می‌گذارد، مثلاً اگر شک میان یک و دو کند مخیر است بنا را بر یک یا دو بگذارد، اما اگر شک در میان دو و سه کند حتماً بنا را بر دو، می‌گذارد.

### ۳. شک‌های صحیح

**مسئله ۳۸۷:** چنانچه گفته شد شک در عدد رکعت‌های نمازهای چهار رکعتی در نه صورت صحیح است:

اوّل - شک میان «دو و سه» بعد از سر برداشتن از سجده دوّم که باید بنا بگذارد که سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده به دستوری که بعداً گفته می‌شود بجا آورد و اگر در سجده دوّم بعد از ذکر واجب شک کند بنا بر احتیاط واجب همین دستور را عمل کند، بعداً نماز را هم اعاده نماید (این حکم در تمام مواردی که شک باید بعد از تمام کردن سجده دوّم باشد جاری است).

دوّم - شک میان «سه و چهار» که در هر جای نماز باشد بنا بر



چهار می‌گذارد و نماز را تمام کرده و بعد از آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته، بجا آورد.

سوم - شک میان «دو و چهار» بعد از سر برداشتن از سجده دوّم که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

چهارم - شک میان «دو و سه و چهار» بعد از سر برداشتن از سجده دوّم که باید بنا را بر چهار بگذارد و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، سپس دو رکعت نشسته بجا آورد.

پنجم - شک میان «چهار و پنج» بعد از سر برداشتن از سجده دوّم که بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از آن دو سجده سهو بجا می‌آورد.

ششم - شک میان «چهار و پنج» در حال ایستاده که باید بنشیند تا شک او تبدیل به سه و چهار شود و بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند بعد یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته بجا می‌آورد و احتیاط واجب آن است که نماز را نیز اعاده کند.

هفتم - شک بین «سه و پنج» در حال ایستاده که باید بنشیند و شک او به دو و چهار برمی‌گردد، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند، سپس دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا می‌آورد و بنا بر احتیاط واجب اصل نماز را نیز اعاده می‌کند.

هشتم - شک بین «سه و چهار و پنج» در حال ایستاده که باید

بنشیند و شک او به دو و سه و چهار برمی‌گردد، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تکمیل کرده، سپس دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا می‌آورد و احتیاطاً اصل نماز را اعاده می‌کند.

نهم - شک میان «پنج و شش» در حال ایستاده که باید بنشیند و شک او به چهار و پنج برمی‌گردد، نماز را تمام کرده و دو سجده سهو بجا آورد و بنا بر احتیاط اصل نماز را اعاده می‌کند.

**مسئله ۳۸۸:** هرگاه یکی از شک‌های صحیح برای انسان پیش آید نمی‌تواند نماز را بشکند، بلکه باید به دستورهای بالا عمل کند و در مورد تمام شک‌ها باید قبلاً کمی فکر کند اگر یقین به هیچ طرف حاصل نشد و یا گمان در مواردی که معتبر است بر هیچ طرف قرار نگرفت، چنانچه از شک‌های باطل باشد نماز را رها می‌کند و اگر از شک‌های صحیح باشد به دستور آن عمل می‌نماید.

**مسئله ۳۸۹:** «ظن و گمان» در رکعات نماز در حکم یقین است، یعنی باید بنا بر گمان بگذارد و نماز را ادامه دهد، ولی اگر در رکعت اول و دوم باشد احتیاط واجب این است که نماز را بعداً نیز اعاده کند

**مسئله ۳۹۰:** هرگاه در ابتدا گمانش به یک طرف قرار گرفت و بعد هر دو مساوی شد و حالت شک پیدا کرد، باید به دستور شک عمل کند و به عکس اگر نخست حالت شک داشت و بعد گمانش بیشتر به یک طرف شد، باید مطابق گمان عمل کند، ولی اگر شک از شک‌هایی است که نماز را باطل می‌کند و پابرجا شد باید نماز را

از سر گیرد و مبدل شدن آن به ظن اثری ندارد.

**مسئله ۳۹۱:** کسی که نمی‌داند حالتی که برای او پیدا شده است «شک» است یا «ظن» باید به احکام شک عمل کند.

**مسئله ۳۹۲:** هرگاه مشغول تشهد است، یا وارد رکعت بعد شده و شک کند آیا دو سجده را بجا آورده یا نه؛ و در همان موقع یکی از شک‌هایی که اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بیفتد صحیح است برای او پیش آید (مثلاً شک میان دو و سه) باید بنا بگذارد که سجده‌ها را بجا آورده و به دستور شک عمل کند و نمازش صحیح است، ولی اگر قبل از گذشتن از محل سجده شک کند نمازش باطل است.

**مسئله ۳۹۳:** هرگاه شک او از بین برود و شک دیگری به جای آن پیدا شود، باید به شک دوم عمل کند، مثلاً اگر شک در میان «دو و سه» بود، بعد یقین کرد سه رکعت را خوانده و شک میان «سه و چهار» کرد، باید به دستور شک سه و چهار عمل کند.

**مسئله ۳۹۴:** هرگاه می‌داند در وسط نماز شک کرده، اما نمی‌داند مثلاً شک دو و سه بوده، یا دو و چهار، احتیاط واجب آن است که به دستور هر دو عمل کند و نماز را نیز اعاده نماید.

### طریقه نماز احتیاط

**مسئله ۳۹۵:** نماز احتیاط که برای شک در رکعت‌های نماز بجا آورده می‌شود به‌این ترتیب است که «بعد از سلام نماز باید فوراً

نیت نماز احتیاط کند و الله اکبر بگوید و حمد را بخواند (و سوره را ترک کند) بعد به رکوع برود و مانند نمازهای معمولی سجده نماید، اگر نماز احتیاط او یک رکعت است بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد و اگر دو رکعت است بعد از دو سجده یک رکعت دیگر را مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از تشهد سلام ده».

**مسئله ۳۹۶:** نماز احتیاط اذان و اقامه و سوره و قنوت ندارد و حمد را باید آهسته بخواند، حتی احتیاط واجب آن است که «بسم الله» را نیز آهسته بگوید و در میان اصل نماز و نماز احتیاط کاری که نماز را باطل می کند انجام ندهد.

**مسئله ۳۹۷:** اگر کسی شک کند که نماز احتیاطی که بر او واجب بوده بجا آورده است یا نه؛ چنانچه بعد از وقت نماز باشد به شک خود اعتنا نکند و اگر هنوز وقت نماز باقی است در صورتی که مشغول کار دیگری نشده باید نماز احتیاط را بخواند و اگر کاری که نماز را باطل می کند بجا آورده است احتیاط واجب آن است که نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده کند.

**مسئله ۳۹۸:** دستور نماز احتیاط از نظر کم و زیاد کردن رکن و اجزای غیر رکن و شک در بجا آوردن اجزا مانند سایر نمازهای واجب است.

**مسئله ۳۹۹:** هرگاه قضای سجده یا قضای تشهد یا سجده سهو بر او واجب شده و در عین حال نماز احتیاط نیز بر او واجب است باید اول نماز احتیاط را بجا آورد بعد قضای سجده یا تشهد را و بعد

سجده سهو را.

### مواردی که سجده سهو واجب است

**مسئله ۴۰۰:** برای چند چیز بنا بر احتیاط واجب باید بعد از نماز

دو سجده سهو به دستوری که گفته می شود بجا آورد:

۱. کلام بی جا، یعنی سهواً به گمان این که نماز تمام شده است

و یا در حال نماز نیست حرف بزند.

۲. سلام بی جا، یعنی مثلاً در رکعت دوم نماز چهار رکعتی سلام

بدهد.

۳. سجده فراموش شده.

۴. تشهد فراموش شده.

۵. بجای ایستادن سهواً بنشیند، یا بجای نشستن برخیزد.

۶. در شک میان «چهار و پنج» بعد از سجده دوم واجب است

نماز را تمام کند، بعداً دو سجده سهو بجا آورد و برای کم و زیاد

کردن غیر اینها سجده سهو مستحب است.

**مسئله ۴۰۱:** اگر چیزی را غلط خوانده و دوباره به طور صحیح

بخواند سجده سهو ندارد.

**مسئله ۴۰۲:** اگر سجده سهو واجب را بعد از سلام نماز عمداً

بجا نیاورده معصیت کرده و باید هر چه زودتر بجا آورد، ولی

نمازش باطل نیست.

### دستور سجده سهو

**مسأله ۴۰۳:** سجده سهو به ترتیب زیر است بعد از نماز بلافاصله نیت سجده سهو می کند و بعد به سجده می رود و می گوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

سپس سر از سجده برمی دارد و می نشیند، دوباره به سجده می رود و همان ذکر را می گوید و بعد از آن که سر از سجده برداشت تشهد می خواند و سلام می دهد و احتیاط آن است که در تشهد به مقدار واجب اکتفا کند و تنها به سلام آخر قناعت نماید.

**مسأله ۴۰۴:** سجده سهو باید رو به قبله و با حالت وضو و طهارت باشد و پیشانی را نیز بر چیزی گذارد که سجده نماز بر آن جایز است.

### قضای سجده و تشهد فراموش شده

**مسأله ۴۰۵:** هرگاه کسی یک یا چند سجده نماز را فراموش کرد باید قضای آن را بعد از نماز بجا آورد (البته اگر دو سجده از یک رکعت فراموش شود نماز باطل است) همچنین اگر تشهد را فراموش نماید باید بلافاصله بعد از نماز آن را قضا کند و علاوه بر قضای سجده و تشهد باید برای هر کدام بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.

**مسئله ۴۰۶:** در قضای سجده و تشهد فراموش شده تمام شرایط نماز مانند طهارت و قبله و شرط های دیگر لازم است و باید بلافاصله بعد از نماز انجام دهد.

**مسئله ۴۰۷:** اگر یک سجده و تشهد را فراموش کند می تواند هر یکی را که بخواهد اول قضا نماید و ترتیب لازم نیست.

**مسئله ۴۰۸:** هرگاه علاوه بر قضای سجده یا تشهد، سجده سهو نیز به ذمه او باشد، باید بعد از نماز اول سجده یا تشهد را قضا کند و بعدسجده سهو را بجا آورد.

**مسئله ۴۰۹:** برای قضا سجده یا تشهد بعد از نماز نیت می کند، سپس همان سجده یا تشهد را بدون الله اکبر و چیز اضافی دیگر قضا می کند و بعد بنابر احتیاط سجده سهو بجا می آورد.

## نماز مسافر

**مسأله ۴۱۰:** مسافر با «هشت شرط» باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بجا آورد:

شرط اول: سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد (حدود ۴۳ کیلومتر)

**مسأله ۴۱۱:** کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است در صورتی نماز او شکسته است که هر یک از رفتن و برگشتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد بنابراین اگر رفتن سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ یا بلعکس باشد نماز را تمام یعنی چهار رکعت بخواند. مگر این که در وسط این مسافت، ده روز قصد اقامه کند.

**مسأله ۴۱۲:** شرط دوم این است که از اول، قصد هشت فرسخ را داشته باشد، بنابراین اگر اول می‌خواهد به محلی که کمتر از هشت فرسخ است برود و در وسط راه یا پس از رسیدن به آن مقصد قصد کند مسافرت خود را ادامه دهد به طوری که مجموع مسافرت او هشت فرسخ باشد، چون از اول قصد نداشته باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر در اثنا، یا پس از رسیدن به مقصد قصد کند از آنجا هشت فرسخ یا بیشتر برود، نماز او شکسته است.

**مسأله ۴۱۳:** کسی که اختیارش در سفر با دیگری است مانند پسری که با پدر خود مسافرت می‌کند، چنانچه بداند سفر پدرش هشت فرسخ است باید نماز را شکسته بخواند، حتی اگر کسی را به



اجبار به جایی می‌برند (مانند زندانی) و بدانند مسافت او هشت فرسخ یا بیشتر است همین حکم را دارد، مگر این که احتمال عقلایی بدهد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از آن‌ها جدا می‌شود و برمی‌گردد.

**مسئله ۴۱۴:** شرط سوم این که در بین راه از قصد خود برنگردد، بنابراین اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد، یا مردد شود باید نماز را تمام بخواند، اما اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافت خود منصرف شود، باید نماز را شکسته بخواند، مگر این که مردد در ماندن و برگشتن باشد و یا بخواهد همانجا ده روز بماند.

**مسئله ۴۱۵:** شرط چهارم این است که قبل از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود عبور نکند و نخواهد ده روز یا بیشتر در اثناء راه توقف کند، پس اگر به وطن خود وارد شود سفر او قطع می‌گردد و همچنین اگر به محل اقامه برسد، حتی اگر تردید دارد که از وطنش بگذرد یا در جایی ده روز اقامه کند باز هم نماز او تمام است

**مسئله ۴۱۶:** شرط پنجم این که سفر او برای کار حرامی نباشد بنابراین اگر به قصد دزدی، خیانت یا کار حرام دیگری سفر کند، باید نماز را تمام بخواند، همچنین اگر خود سفر حرام باشد مثل این که چنان مسافرتی برای بدن او ضرر قابل ملاحظه‌ای دارد، یا زن بدون اجازه شوهر سفر کند یا فرزند با نهی پدر و مادر سفر نماید به طوری که مایه اذیت آن‌ها شود، باید نماز را تمام بخواند، ولی

اگر سفر واجبی مانند حج واجب بوده باشد رضایت شوهر و پدر و مادر شرط نیست و نماز شکسته است.

**مسئله ۴۱۷:** شرط ششم آن است که از «صحرائینها ی خانه به دوش» که وطن خاصی ندارند و هر جا آب و خوراک پلای خود و حیواناتشان فراهم باشد توقف می کنند نباشد، این اشخاص باید در این مسافرت‌ها نمازشان را تمام بخوانند و روزه را بگیرند.

**مسئله ۴۱۸:** شرط هفتم این است که شغل و کار او مسافرت نباشد، بنابراین راننده‌ها، خلبان‌ها، کشتیان‌ها و ساربان‌ها و مانند آن‌ها که سفر شغل آن‌هاست باید نماز را در غیر سفر اوّل تمام بخوانند و در سفر اوّل نمازشان شکسته است مگر این که سفر اوّل نیز طولانی باشد که در این صورت پس از این که صدق کند که شغل او مسافرت شده - مثلاً بعد از دو روز - نمازش تمام است و نیز کسی که شغلی دارد که در مسافرت انجام می‌دهد اگر در کمتر از ده روز برای انجام شغل خود مثل این که از تهران به کرج می‌رود برای تدریس یا طبابت یا تجارت یا انجام کار اداری یا دانشجو است، چه هر روز برود یا هر نه روز مثلاً یکبار در غیر سفر اوّل نمازش تمام است.

**مسئله ۴۱۹:** شرط هشتم آن است که به «حد ترخص» برسد، یعنی از وطن یا محل اقامتش به اندازه‌ای دور شود که صدای اذان شهر رانشنود و دیوار شهر را نبیند، ولی باید در هوا گرد و غبار یا مه یا چیز دیگری که مانع دیدن است یا سر و صدایی که مانع

شنیدن است وجود نداشته باشد و اگر یکی از این دو علامت حاصل شود کافی است، به شرط این که یقین به نبودن دیگری نداشته باشد، و الا احتیاط جمع میان نماز شکسته و تمام است.

### چیزهایی که سفر را قطع می‌کند

چند چیز است که سفر را قطع می‌کند و باید نماز را تمام خواند:

اول - رسیدن به «وطن» و منظور از وطن محلی است که انسان آن را برای اقامت و زندگی خود انتخاب کرده، خواه در آنجا متولد شده باشد یا نه و خواه وطن پدر و مادرش باشد یا خودش آنجا را انتخاب کرده است.

دوم - قصد اقامت ده روز - هرگاه مسافری می‌خواهد ده روز پشت سر هم در محلی بماند، یا می‌داند اجباراً باید در آنجا توقف کند باید نماز را تمام بخواند.

سوم - «توقف یک ماه بدون قصد» - هرگاه مسافر در محلی توقف کند ولی نمی‌داند مدت توقف او چند روز است باید نماز را شکسته بخواند، اما بعد از گذشتن سی روز باید نماز را تمام بخواند، اگر چه مقدار کمی بعد از آن در آنجا بماند (اگر یک ماه از ماه‌های قمری بماند که کمتر از سی روز باشد نیز کافی است مثلاً از دهم این ماه تا دهم ماه دیگر).

**مسئله ۴۲۰:** هرگاه کسی می‌خواهد نه روز یا کمتر در محلی

بماند بعد از گذشتن این مدت باز تصمیم می‌گیرد نه روز یا کمتر بماند، تا سی روز، باید نماز را شکسته بخواند، از روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.

### مسائل متفرقه نماز مسافر

**مسئله ۴۲۱:** هرگاه فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند چنانچه در وقت یادش بیاید باید شکسته بجا آورد و اگر بعد از وقت متوجه شود قضا نماید.

**مسئله ۴۲۲:** کسی که وظیفه اش نماز تمام است عمداً یا از روی اشتباه یا فراموشی شکسته بخواند نمازش باطل است، حتی اگر قصد اقامه ده روز کرده و نمی‌دانسته که باید در این حال تمام بخواند و نماز خود را شکسته خوانده، احتیاط واجب آن است که به صورت تمام اعاده کند.

**مسئله ۴۲۳:** هرگاه کسی اوّل وقت مسافر بوده و نماز را نخوانده و بعد به وطن یا جایی که قصد دارد ده روز بماند وارد شود باید نماز را تمام بخواند و به عکس، اگر کسی اول وقت در وطن یا محل اقامت بوده و نماز را نخوانده، مسافرت کرد، باید نمازش را در سفر شکسته بخواند.

**مسئله ۴۲۴:** حکم بلاد کبیره و غیر کبیره یکسان است مگر در جاهایی که هر محله از آن عرفاً یک شهر مستقل محسوب شود.

**مسئله ۴۲۵:** مبدأ و منتهای سفر در مسافت نماز قصر معیار

فاصله بین دو شهر یعنی آخرین خانه مبدأ حرکت و اولین خانه مقصد می باشد.

**مسئله ۴۲۶:** محل تحصیل دانشجویان در دوره های ۲ و ۴ ساله یا بیشتر جزء وطن محسوب نمی شود اگر در کمتر از ده روز رفت و آمد می کند یا قصد اقامه کنند نمازشان تمام است.

**سؤال:** محل تحصیل دانشجویی در چهار فرسخی محل سکونت اوست، نماز و روزه اش را چگونه انجام دهد؟

**جواب:** اگر رفت و آمد مستمر دارد یعنی در کمتر از ده روز رفت و آمد دارد نمازش را تمام می خواند و روزه اش را می گیرد.

**مسئله ۴۲۷:** مسافر می تواند در شهر مکه و شهر مدینه و مسجد کوفه و حائر حضرت سیدالشهدا نماز خود را تمام بخواند.

### نماز جماعت

نماز جماعت از مهمترین مستحبات و از بزرگترین شعائر اسلامی است و در روایات، فوق العاده روی آن تکیه شده است ، مخصوصاً برای همسایه مسجد یا کسی که صدای اذان مسجد را می شنود بیشتر سفارش شده و سزاوار است انسان تا می تواند نمازش را با جماعت بخواند.

**مسئله ۴۲۸:** حاضر نشدن به نماز جماعت اگر از روی بی اعتنائی و سبک شمردن باشد حرام است.

**مسئله ۴۲۹:** مستحب است انسان صبر کند که نماز را به

جماعت بخواند و نماز جماعت از نماز اوّل وقت که فرادی (تنها) باشد بهتر است و نیز جماعتی که مختصر بخوانند از نماز فرادی که آن را طول دهند برتر است.

**مسأله ۴۳۰:** هرگاه جماعت برپا شود مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده دوباره با جماعت بخواند و اگر بعداً بفهمد که نماز اولش باطل بوده نماز دوّم کافی است.

**مسأله ۴۳۱:** در نمازهای یومیّه هر نمازی را می‌توان با هر نماز امام اقتدا کرد، مثلاً اگر امام نماز ظهر را می‌خواند و او نماز ظهر را قبلاً خوانده می‌تواند نماز عصرش را با نماز ظهر امام بخواند، ولی اگر امام برای احتیاط نمازش را اعاده کرده، نمی‌تواند نماز خود را با او بخواند، مگر این که هر دو از جهت احتیاط مثل هم باشند.

### شرایط نماز جماعت

**مسأله ۴۳۲:** در جماعت چند چیز باید رعایت شود:

اوّل - «نبودن حایل» یعنی میان امام و مأوم و همچنین میان مأومین نسبت به یکدیگر باید چیزی که مانع دیدن است نباشد، بلکه حایل شیشه‌ای نیز اشکال دارد، اما اگر مأوم زن باشد حایل میان او و مردان مانعی ندارد.

**مسأله ۴۳۳:** کسی که پشت ستون ایستاده اگر از طرف راست یا چپ به واسطه مأوم دیگر به امام متصل باشد کافی است.

**مسأله ۴۳۴:** شرط دوّم این که «جای ایستادن امام از جای مأوم

بلندتر نباشد» مگر به مقدار بسیار کم و اگر زمین سرایشی باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد در صورتی که سرایشی آن زیاد نباشد و به آن زمین مسطح گویند مانعی ندارد.

**مسئله ۴۳۵:** بلندتر بودن جای مأموم از جای امام ضرری ندارد، مثلاً اگر امام در صحن مسجد بایستد و عده‌ای از مأمومین در بالکن و پشت بام، اگر طوری باشد که به آن جماعت نگویند صحیح نیست مثل این که امام در طبقه اول بایستد و مأمومین در بعضی از طبقات بالا که از جماعت دور است.

**مسئله ۴۳۶:** شرط سوم این که «میان امام و مأموم یا مأمومین با یکدیگر زیاد فاصله نباشد» اما اگر یک قدم فاصله باشد، به طوری که به آن جماعت گویند مانعی ندارد، بنابراین فاصله شدن یک نفر که نماز نمی‌خوانند مانعی ندارد، ولی مستحب است صفوف کاملاً به هم متصل باشد.

**مسئله ۴۳۷:** هنگامی که امام تکبیر می‌گوید و وارد نماز می‌شود در صورتی که صف‌های جلوتر آماده نماز باشند همه می‌توانند تکبیر بگویند و وارد نماز شوند و لازم نیست انتظار بکشند تا صف‌های جلو وارد نماز شوند بلکه انتظار کشیدن برخلاف احتیاط است.

**مسئله ۴۳۸:** شرط چهارم این است که «مأموم جلوتر از امام نبایستد» بنابراین اگر مأموم در انتهای جماعت یا در اثناء، جلوتر بایستد جماعت او باطل می‌شود، احتیاط این است که مساوی هم

نایستند، بلکه کمی عقب‌تر قرار گیرد و این عقب‌تر بودن در تمام حالات نماز مراعات گردد حتی در حالت رکوع و سجود.

### فضیلت نماز جماعت

نماز جماعت از دیدگاه اسلام که یک دین اجتماعی است و برای اجتماعات دینی و حضور مردم در صحنه اجتماعات اسلامی اهمیت فراوان قایل است، بسیار با اهمیت است. و لذا مستحب مؤکد است که مسلمانان نمازهای واجب مخصوصاً نمازهای یومیّه را به جماعت بخوانند.

حضرت باقر و صادق<sup>ع</sup> فرمودند: «نماز جماعت نسبت به نمازی که فرادی خوانده شود، ۲۴ درجه برتری و مزیت دارد.»  
در حدیثی، زراره از حضرت صادق می‌پرسد: «این که می‌گویند یک نماز با جماعت، از ۲۵ نمازی که به تنهایی خوانده شود با فضیلت تر است درست است»

حضرتش فرمودند: «بلی درست گفتند.»

پرسید: «آیا دو نفر که یکی از آنها امام و دیگری مأموم باشد نیز جماعت است»

حضرت فرمود: «بلی و مأموم در این صورت در طرف راست امام بایستد.»

و بطور کلی در احادیث اسلامی به منظور تشویق و ترغیب مردم برای حضور در مساجد و مراکز نماز جماعت، حتی برای هر



گامی که در این راه برداشته شود فضیلت و ثواب ذکر شده است که از جمله دروصایای حضرت پیغمبر اکرم به حضرت علی آمده است، سه چیز باعث بالا رفتن درجه و مقام انسان در پیشگاه خداوند است:

۱. در هوای سرد وضو گرفتن.

۲. پس از هر نماز، انتظار نماز بعد را کشیدن (که علامت اشتیاق انسان به عبادت پروردگار است).

۳. شب و روز به سوی اجتماعات مسلمانان گام برداشتن. حضرت رسول اکرم فرمودند: جبرئیل با ۷۰ هزار فیشته از جانب پروردگار پس از نماز ظهر به سوی من آمد و گفت: «یا محمد پروردگار تو به تو سلام می‌رساند و دو هدیه برای تو فرستاده است.»

گفتم: «آن دو هدیه کدام است»

گفت: «یکی نماز «وتر» که سه رکعت است (منظور نماز شفع و وتر است که جزء نماز شب و دارای ثواب و فضیلت بسیار است) و یکی دیگر خواندن نماز پنجگانه به جماعت است.»

گفتم: «ای جبرئیل برای امت من در نماز جماعت چه اندازه ثواب و فضیلت مقرر شده است»

گفت: «اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آن‌ها ثواب صد و پنجاه رکعت نماز را دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعت ثواب ششصد نماز دارد و اگر سه نفر اقتدا کنند،

هر رکعت از نماز آنان ثواب یک هزار و دویست رکعت و اگر ۴ نفر اقتدا نمایند، هر رکعت ثواب دو هزار و چهارصد نماز را دارد و هر چه بیشتر شوند ثواب نمازشان به همین ترتیب بیشتر می‌شود تا به ده نفر برسند و تعداد آنها که از ۱۰ گذشت اگر تمام آسمان‌ها کاغذ و همه دریاها مرگب و درخت‌ها قلم و جن و انس و ملائکه بخواهند بنویسند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.»

براساس احادیث اسلامی، ثواب نماز جماعت با افزوده شدن مزایای دیگری از قبیل عالم بودن امام جماعت یا از سادات بودن او بیشتر می‌شود که حضرت صادق فرمودند: «یک رکعت نماز پشت سر عالم، دارای ثواب هزار رکعت است و پشت سر سید دارای ثواب یکصد رکعت است.» و همچنین هر چه امام جماعت بافضیلت‌تر باشد ثواب نماز جماعت نیز زیادتر خواهد بود و نیز با توجه به تفاوت مسجدها در فضیلت که ثواب نماز در مسجد بازار، دوازده برابر و در مسجد محل ۲۵ برابر و در مسجد جامع ۱۰۰ برابر است و اجتماع هر یک از آنها با جماعت موجب افزایش ثواب می‌گردد و هر اندازه که امام جماعت با تعهدتر و پرهیزکارتر و بافضیلت‌تر و مأمومین نیز هر چه با فضیلت‌تر و از لحاظ تعداد همانطور که گفته شد بیشتر باشند، ثواب آن بیشتر خواهد گشت.

### احکام جماعت

**مسئله ۴۳۹:** هرگاه مأموم به واسطه عذری بعد از حمد و سوره امام از او جدا شد و نیت فرادی کرد لازم نیست حمد و سوره را بخواند، ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادی کند باید آن مقدار را که امام نخوانده بخواند.

**مسئله ۴۴۰:** اگر موقعی که امام در رکوع است به او اقتدا کند و به رکوع رود و به رکوع امام برسد نماز او صحیح است، خواه امام ذکر رکوع را گفته باشد یا نه و رکعت اوّل او حساب می‌شود، اما اگر به رکوع امام نرسد نمازش را به طور فرادی تمام کند و بنا بر احتیاط واجب اعاده نماید، همچنین اگر شک کند به رکوع امام رسیده یا نه.

**مسئله ۴۴۱:** در رکعت‌های دیگر نماز (غیر از رکعت اوّل) نیز باید خود را به رکوع امام برساند وگرنه جماعت او اشکال دارد.

**مسئله ۴۴۲:** اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود امام سر از رکوع بردارد، نیت فرادی می‌کند و نمازش صحیح است و اعاده ندارد.

**مسئله ۴۴۳:** هرگاه در اوّل نماز یا در بین حمد و سوره اقتدا کند و خود را به رکوع امام نرساند جماعت او صحیح نیست، مگر این که عذری داشته باشد.

**مسئله ۴۴۴:** اگر موقعی به جماعت رسد که امام مشغول

تشهد آخر نماز است چنانچه بخواهد به ثواب نماز جماعت  
برسد باید نیت کند و تکبیرة الاحرام بگوید و بعد بنشیند و تشهد  
نماز را با امام بخواند، ولی سلام نگوید و کمی صبر کند تا امام سلام  
نماز را بگوید، بعد بایستد و نماز را ادامه دهد، یعنی حمد و سوره  
را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند.

**مسأله ۴۴۵:** اگر در رکعت دوم اقتدا کند قنوت و تشهد را با  
امام می خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تشهد زانوها را  
از زمین بلند کند و تنها انگشتان دست و سینه پا را بر زمین بگذارد  
(و به صورت نیمه خیز بنشیند) و بعد از تشهد امام برخیزد و حمد  
و سوره بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و  
در رکوع، خود را به امام برساند.

**مسأله ۴۴۶:** کسی که در رکعت دوم امام اقتدا می کند، باید در  
رکعت دوم نماز خودش که رکعت سوم امام است بعد از دو سجده  
بنشیند و تشهد را به مقدار واجب بخواند و بپخیزد و خود را به  
امام برساند و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد  
یک مرتبه بگوید و در رکوع خود را به امام رساند.

**مسأله ۴۴۷:** اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و مأموم بداند  
که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام می رسد، بلایر احتیاط  
واجب باید صبر کند تا امام به رکوع برود بعد اقتدا کند

**مسأله ۴۴۸:** هرگاه در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند، باید  
حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد فقط حمد را

می خواند و خود را در رکوع به امام می‌رساند.

**مسئله ۴۴۹:** کسی که اطمینان دارد اگر سوره را بخواند به رکوع امام می‌رسد، احتیاط واجب آن است که سوره را بخواند و در این حال اگر سوره را بخواند و اتفاقاً به رکوع امام نرسد جماعتش صحیح است.

**مسئله ۴۵۰:** اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند در کدام رکعت است می‌تواند اقتدا کند و حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و نمازش صحیح است، خواه معلوم شود امام در رکعت سوم و چهارم بوده، یا در رکعت اول و دوم، به شرط این که نماز ظهر و عصر باشد که حمد و سوره را امام آهسته می‌خواند.

**مسئله ۴۵۱:** اگر خیال می‌کرد امام در رکعت اول یا دوم است و حمد و سوره را نخواند و بعد از رکوع فهمید که رکعت سوم و چهارم بوده، نمازش صحیح است، ولی اگر پیش از رکوع بفهمد باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد فقط حمد را بخواند و در رکوع، خود را به امام برساند.

**مسئله ۴۵۲:** هرگاه مشغول نماز واجب است و جماعت برپا شود، چنانچه وارد رکعت سوم نشده و می‌ترسد اگر نماز را تمام کند به جماعت نرسد مستحب است نیت خود را به نماز مستحبی برگرداند و آن را دو رکعت تمام کرده، خود را به جماعت برساند.

**مسئله ۴۵۳:** کسی که یک رکعت از امام عقب مانده، وقتی امام تشهد را می‌خواند مستحب است که زانوهای را از زمین بلند کند و

انگشتان دست و سینه پا را بر زمین بگذارد و همراه او تشهد بخواند، یا ذکر بگوید و اگر تشهد آخر است صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید و بعد برخیزد و ادامه دهد و می‌تواند قصد فرادی کند و برخیزد.

### شرایط امام جماعت

**مسئله ۴۵۴:** امام جماعت باید «بالغ» و «عقل» و «عادل» و «حلال زاده» و «شیعه دوازده امامی» باشد و قرائت را صحیح بخواند و اگر مأموم مرد است امام هم باید مرد باشد، ولی امامت زن بوی زن مانعی ندارد و هر انسانی حلال زاده است خواه مسلمان یا غیر مسلمان، مگر این که خلاف آن ثابت شود.

**مسئله ۴۵۵:** «عدالت» یک حالت خداترسی باطنی است که انسان را از انجام گناه کبیره و تکرار گناه صغیره باز می‌دارد و همین اندازه که باکسی معاشرت داشته باشیم و گناهی از او نبینیم نشانه وجود عدالت است و این را حُسن ظاهر که حاکی از ملکه باطن است می‌گویند.

**مسئله ۴۵۶:** مأموم باید امام را در نیت خود معین کند، ولی دانستن اسم او لازم نیست مثلاً همین اندازه که نیت کند اقتدا به امام حاضر می‌کنم و عدالت و سایر جهات در او جمع باشد کافی است

**مسئله ۴۵۷:** مأموم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند و حمد و سوره در صورتی از او ساقط است که در

رکعت اول و دوم با امام نماز بخواند، اما اگر در رکعت سوم و چهارم در حال قیام امام، اقتدا کند نلید حمد و سوره را خودش بخواند.

**مسئله ۴۵۸:** اگر مأموم صدای قرائت امام را در نمازهای صبح و مغرب و عشاء بشنود باید حمد و سوره را ترک کند و اگر صدای امام را نشنود جایز است حمد و سوره را بخواند، ولی باید آهسته بخواند، اما در نمازهای ظهر و عصر احتیاط واجب آن است که همیشه حمد و سوره را ترک نماید، اما ذکر گفتن به طور آهسته جایز، بلکه مستحب است.

**مسئله ۴۵۹:** هرگاه مأموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام، یا صدای مهممه او را بشنود احتیاط واجب ترک حمد و سوره است.

**مسئله ۴۶۰:** مأموم باید کارهای نماز را مانند رکوع و سجود جلوتر از امام انجام ندهد، بلکه همراه امام یا کمی بعد از او بجا آورد و اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد باید دوباره به رکوع برود و با امام سر بردارد و زیادی رکوع در اینجا نماز را باطل نمی‌کند، ولی اگر به رکوع بگردد و پیش از آن که به رکوع برسد امام سر بردارد نمازش باطل است.

**مسئله ۴۶۱:** اگر اشتهاً سر از رکوع یا سجده بردارد و سهواً یا به خیال این که به امام نمی‌رسد به رکوع یا سجده نرود نمازش صحیح است.

**مسئله ۴۶۲:** هرگاه مأموم سهواً ق بل از امام به رکوع رود و

طوری باشد که اگر سر بردارد به مقداری از قرائت امام می‌رسد باید برگردد و قرائت امام را درک کند و با او به رکوع رود و هرگاه می‌داند به چیزی از قرائت امام نمی‌رسد احتیاط واجب آن است که سر بردارد و با امام نماز را تمام کند.

**مسئله ۴۶۳:** در تمام مواردی که مأموم باید برگردد اگر عمداً برگردد نمازش اشکال دارد.

### اموری که در نماز جماعت مستحب است

- مسئله ۴۶۴:** مستحب است امور زیر به امید ثواب الهی در جماعت رعایت شود:
۱. اگر امام و مأموم هر دو زن باشند در یک صف می‌ایستند، ولی امام کمی جلوتر می‌ایستد.
  ۲. امام در وسط صف بایستد و اهل علم و فضیلت و تقوی در صف اول بایستند.
  ۳. صف‌های جماعت منظم باشد آن چنان که شانه‌ها ی آنان ردیف یکدیگر قرار گیرد و میان کسانی که در یک صف ایستاده اند فاصله‌ای نباشد.
  ۴. بعد از گفتن «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» مأمومین همگی برخیزند و آماده جماعت شوند.
  ۵. اگر امام در رکوع بفهمد شخص یا اشخاصی تازه رسیده‌اند و می‌خواهند اقتدا کنند رکوع را کمی طول بدهد تا به او برسند.



**مسئله ۴۶۵:** مقلد مرجعی می‌تواند به امام جماعتی که مقلد مرجع دیگر است اقتدا کند، مگر این که علم به بطلان نماز او داشته باشد.

**مسئله ۴۶۶:** نماز کسانی که در محل اقامه جماعت بصورت فرادا می‌خوانند هرگاه هتک امام جماعت مسجد شود اشکال دارد.

**مسئله ۴۶۷:** شرکت بانوان در نمازهای جماعت یومیّه و نماز جمعه در شرایط فعلی خوب و گاهی لازم است.

### نماز جمعه

**مسئله ۴۶۸:** همانگونه که گفته شد در عصر معصومین و نایب خاص آنها نماز جمعه واجب عینی است، ولی در زمان غیبت حضرت مهدی - ارواحنا فداه - واجب تخییری می‌باشد، یعنی هر یک از نماز جمعه یا ظهر را انجام دهد کافی است، ولی احتیاط آن است که به هنگام تشکیل حکومت اسلامی نماز جمعه را انتخاب کند.

**مسئله ۴۶۹:** «نماز جمعه» باید به جماعت خوانده شود و حداقل جمعیت برای انعقاد جمعه، پنج نفر است (امام جمعه و چهار نفر دیگر).

**مسئله ۴۷۰:** احتیاط مستحب آن است که نمازگزاران هنگام ایراد خطبه با طهارت باشند و رو به امام بشینند و واجب است به خطبه‌ها گوش فرادهند، و مستحب است که سکوت کنند، ولی اگر

عمداً سخن بگویند، نماز جمعه آن‌ها باطل نمی‌شود، هر چند کار خلافی کرده‌اند.

**مسئله ۴۷۱:** هرگاه کسی به خطبه‌ها نرسد و در نماز شرکت کند، یا فقط یک رکعت از نماز جمعه را درک نماید نماز او صحیح است، ولی احتیاط واجب آن است که عمداً تأخیر نیندازد.

### نماز آیات

**مسئله ۴۷۲:** نماز آیات در چهار صورت واجب می‌شود: اول و دوم: گرفتن «خورشید» و «ماه» هر چند مقدار کمی از آن‌ها بگیرد، خواه کسی بترسد یا نه. سوم: زلزله، خواه کسی بترسد یا نه. چهارم: صاعقه و بادهای سیاه و سرخ و هرگونه حوادث خوفناک آسمانی در صورتی که بیشتر مردم بترسند، بلکه برای حوادث خوفناک زمینی نیز اگر موجب وحشت بیشتر مردم شود احتیاط واجب آن است که نماز آیات بخوانند.

**مسئله ۴۷۳:** هرگاه اموری که نماز آیات برای آن‌ها واجب است مکرر اتفاق بیفتد واجب است برای هر یک از آن‌ها یک نماز آیات بخواند، مثل این که چند بار زلزله شود، یا گرفتن خورشید با زلزله همراه گردد، اما اگر در بین نماز آیات این امور واقع شود همان یک نماز کافی است.

**مسئله ۴۷۴:** در صورتی نماز آیات واجب است که این امور در

همان محل رخ دهد و اگر در شهرها و نقاط دیگر رخ دهد بر او واجب نیست.

**مسئله ۴۷۵:** در موقع گرفتن خورشید یا ماه وقت نماز آیات از موقعی است که شروع به گرفتن کرده و تا زمانی که کاملاً باز نشده ادامه دارد، ولی احتیاط مستحب آن است که قبل از شروع به باز شدن نماز را بخواند.

**مسئله ۴۷۶:** هنگامی که زلزله یا صاعقه و مانند آن اتفاق می افتد باید بلافاصله نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و لازم است تا آخر عمر هر وقت توانست بخواند.

**مسئله ۴۷۷:** اگر بعد از گذشتن وقت بفهمد تمام خورشید یا ماه گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بجا آورد، اما اگر تمام آن نگرفته باشد قضا واجب نیست.

### دستور نماز آیات

**مسئله ۴۷۸:** نماز آیات دو رکعت است و هر رکعت پنج رکوع دارد و می توان آن را دو گونه بجا آورد:

۱. بعد از نیت تکبیر بگوید و یک حمد و سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره تمام بخواند، باز به رکوع رود، تا پنج بار این کار را انجام ده د، بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را مانند رکعت اول بجا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.

۲. بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه های یک سوره را پنج قسمت کند و یک قسمت از آن را بخواند و به رکوع رود، بعد سر بردارد و قسمت دوم از همان سوره را (بدون حمد) بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید و بعد به رکوع رود و رکعت دوم را هم به همین صورت بجا آورد، مثلاً سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را به ترتیب زیر تقسیم کند: قبل از رکوع اول: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بگویند و به رکوع رود بعد بایستد و بگوید: قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ باز به رکوع رود و سر بردارد و بگوید: اللَّهُ الصَّمَدُ ، باز به رکوع رود و سر بردارد و بگوید: لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ به رکوع رود و سر بردارد و بگوید: وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، بعد به رکوع رود و بعد از سر برداشتن دو سجده کند و رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول بجا آورد و در آخر تشهد بخواند و سلام گویند.

**مسأله ۴۷۹:** تمام کارهایی که در نماز روزانه واجب و مستحب است در نماز آیات هم واجب و مستحب است، فقط در نماز آیات اذان و اقامه نیست و بجای آن سه مرتبه به امید ثواب «الصَّلَاة» می گویند.

**مسأله ۴۸۰:** مستحب است قبل از رکوع دهم قنوت بخواند.

**مسأله ۴۸۱:** هر یک از رکوع های نماز آیات رکن است و اگر

عمداً یا سهواً کم و زیاد شود نماز باطل است.

### نماز عید فطر و قربان

**مسئله ۴۸۲:** این نماز در زمان حضور امام واجب است و باید به جماعت خوانده شود، ولی در زمان ما که امام غایب است مستحب می‌باشد و می‌توان آن را به جماعت یا فرادی خواند.

**مسئله ۴۸۳:** نماز عید فطر و قربان دو رکعت است ، در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود، بعد دو سجده بجا آورد و برخیزد و در رکعت دوم چهار تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده بجا آورد و تشهد بخواند و سلام گوید.

**مسئله ۴۸۴:** در قنوت این نماز هر دعایی کافی است ، ولی مناسب است این دعا را به قصد ثواب بخواند: «**اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِظَمَةِ وَ اَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبْرُوتِ وَ اَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ اَهْلَ التَّقْوِي وَ الْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيْدًا وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ ذُخْرًا وَ شَرَفًا وَ كِرَامَةً وَ مَزِيْدًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيْهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلِّوْا تَكْ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِم اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ**

**عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ».**

**مسأله ۴۸۵:** مستحب است در نماز عید فطر و قربان امور زیر را

به امید ثواب پروردگار رعایت کند:

۱. قرائت نماز عید را بلند بخواند.
۲. بعد از نماز دو خطبه بخواند که با خطبه های نماز جمعه تفاوتی ندارد تنها تفاوتش در این است که در نماز جمعه قبل از نماز و در نماز عید بعد از نماز خوانده می شود (و این خطبه در صورتی است که نماز را با جماعت بخواند).
۳. در این نماز سوره مخصوص شرط نیست، ولی بهتر است در رکعت اول سوره «سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» و در رکعت دوم سوره «وَالشَّمْسُ» بخواند.
۴. در روز عید فطر قبل از نماز عید با خرما افطار کند و در عید قربان بعد از نماز قدری از گوشت قربانی بخورد.
۵. پیش از نماز عید غسل کند و دعاهایی که قبل از نماز و بعد از آن در کتب دعا آمده بخواند.
۶. در نماز عید بر زمین سجده کند و در موقع گفتن تکبیرها دستها را بلند کند.

**نماز غفيله**

**مسأله ۴۸۶:** از نمازهایی که بجا آوردن آن مستحب و دارای

ثواب زیادی است نماز غفيله است که بین نماز مغرب و عشاء

خوانده می شود و وقت آن بعد از نماز مغرب است تا موقعی که سرخی طرف مغرب از بین برود، در رکعت اول بعد از حمد بجای سوره این آیه را می خواند:

وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الغَمِّ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ.

و در رکعت دوم بعد از حمد به جای سوره این آیه را بخواند:

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي البَرِّ وَ البَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتٍ الارضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ.

و در قنوت آن بگویند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا.

و به جای کلمه کذا و کذا حاجت های خود را بگویند و بعد

بگویند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِي نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَيَّ طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِمَا قَضَيْتَهَا لِي.

### مسائل متفرقه نماز

**مسأله ۴۸۷:** چنانچه فرد مسلمانی در مأموریت‌های فضایی به خارج از جو کره زمین برود با توجه به این که در خلاء قرار گرفته و هیچ ایستایی و سکونی نمی‌تواند داشته باشد و نمی‌تواند وضو بسازد، زیرا آب نیز در آنجا به حالت معلق می‌باشد و همچنین به واسطه حساسیت دستگاه‌های فضاپیما کوچکترین ذره غباری نیست که حتی بتواند تیمم کند و اگر باشد آن هم معلق است و حتی پایش افق معنی ندارد و قبله‌ای نیست نماز خود را به همان حالت بخواند و اگر نخوانده است بعداً قضا کند.

**مسأله ۴۸۸:** دختران پس از تمام شدن ۹ سال قمری بالغ می‌شوند ولی اگر نتوانند بعضی از وظایف را مانند روزه بر اثر ضعف انجام دهند از آن‌ها فعلاً ساقط می‌شود و اگر نتوانستند تا سال آینده قضا کنند برای هر روز یک مد طعام (تقریباً ۷۵۰ گرم گندم یا مانند آن) به فقیر می‌دهند.

**مسأله ۴۸۹:** شخصی که به طریقی یا برای سفر یا به عنوان کاری که ایجاب کرده است به قطب سفر کرده و مدت مدیدی را در آنجا بگذراند (در قطب شش ماه روز و شش ماه شب می‌باشد) نماز و روزه و قبله این شخص مطابق مناطق معتدله است. اگر شخص قصد سفر کره ماه را داشته باشد نماز و روزه او در طول راه (و داخل سفینه) نیز مطابق مناطق معتدله زمین می‌باشد و



در مورد قبله نیز نزدیکترین مسافت به مکه را در نظر می‌گیرد و می‌ایستد.

### فضیلت سحرخیزی و نماز شب

باید توجه داشت که وقت سحر، وقت بسیار مبارکی است، وقت تهجد و عبادت خدا است، وقت انس گرفتن با محبوب حقیقی در خلوت شب است، وقتی است که پیشوایان معصوم اسلام مسلمانان را به بیداری و تهجد در آن ترغیب می‌نمودند، وقتی است که علمای بزرگ و صلحای روزگار همیشه در آن وقت از خواب برمی‌خواستند و در پیشگاه حضرت حق به نماز خواندن و تلاوت قرآن و استغفار می‌پرداختند و حل مشکلات و قضای حوایج مهم خود را در این ساعت از آن ذات مقدس می‌خواستند و به مقصود می‌رسیدند.

خداوند در دو جای قرآن، کسانی را که در سحرگاهان به استغفار می‌پردازند و از خداوند کریم و رحیم بخشایش گناهان خود را می‌خواهند مورد تمجید قرار داده است.

وقت سحر بنا بر اظهر، آخرین قسمت از یک ششم شب می‌باشد.

هر چند وقت نماز شب از نصف شب به بعد آغاز می‌شود و تا طلوع فجر ادامه پیدا می‌کند، ولی هر چه به طلوع فجر نزدیکتر

باشد، ثواب بیشتری دارد.

برای نماز شب فضیلت‌های فراوانی و تأکید بسیاری در احادیث اهل بیت عصمت ذکر شده است. حضرت رسول اکرم در ضمن وصیت‌های خود به حضرت امیرمؤمنان × فرمودند: «عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، بِصَلَاةِ اللَّيْلِ» یعنی سه مرتبه فرمودند: نماز شب خواندن را بر خود لازم بشمار.

حضرت صادق فرمودند: «شرافت مؤمن در نماز شب خواندن و عزت مؤمن در این است که متعرض آغراض مردم، یعنی چیزهایی که مردم عنایت به پنهان ماندن آن دارند، نشود؛ به این معنی که تفحص در امور مردم نداشته باشد و غیبت آنان را نکند.» و نیز حضرت صادق × فرمودند: «مال دنیا و فرزندان، زینت زندگی این دنیا و نماز شب، زینت آخرت است.»

در احادیث اسلامی برای نماز شب علاوه بر این که ثواب و فضیلت فراوان آخروی ذکر شده است، فواید دنیوی بسیاری نیز برای آن بیان شده است.

که حضرت صادق فرمودند: «نماز شب بخوانید که آن سنت پیغمبر و رسم صلحایی است که پیش از شما می‌زیستند و آن درد و مرض را از بدن شما دور می‌کند.»

و نیز فرمودند: «نماز شب خواندن روی انسان را سفید و نورانی و خلق انسان را نیکو و بوی وی را پاکیزه می‌کند و روزی را فراوان

می‌سازد و موجب ادای قرض انسان می‌گردد و غم و اندوه را برطرف می‌نماید و به چشم انسان جلوه و روشنی می‌بخشد.»

حضرت رسول اکرم فرمودند: «خانه‌هایی که در آن‌ها نماز شب و قرآن خوانده می‌شود، برای اهل آسمان روشنایی می‌دهند به همان طوری که ستارگان آسمان برای مردم زمین، روشنی می‌دهند.»

حضرت رضا فرمودند: «نماز شب خواندن را بر خود لازم بدانید زیرا هر بنده مؤمنی که هشت رکعت نماز شب و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وثر بخواند و در قنوت وثر ۷۰ مرتبه استغفار کند خداوند او را از عذاب قبر و از عذاب آتش نجات می‌دهد و عمرش را در دنیا طولانی می‌کند و در زندگی اقتصادی خداوند به او وسعت و گشایش می‌دهد و هر خانه‌ای که در آن نماز شب خوانده شود آن خانه برای مردم آسمان روشنایی می‌دهد همانطور که ستارگان آسمان برای مردم روی زمین روشنایی می‌بخشند.»

برای دستیابی به این توفیق لازم است از اوّل شب تصمیم بگیرید و مخصوصاً با کم غذا خوردن در شب خود را برای بیداری آماده سازند که حضرت امیرمؤمنان<sup>×</sup> فرمودند: «در سه چیز با سه چیز طمع مکن:

۱. در بیداری شب با پر خوردن.
۲. در نور صورت با خوابیدن در جمیع شب.
۳. در آمان ماندن در دنیا با همنشینی با فاسقان و فاجران.»

## کیفیت نماز شب

و اما کیفیت نماز شب به این ترتیب است که:

هشت رکعت که هر دو رکعت به یک سلام انجام بگیرد به قصد

نماز نافله شب خوانده شود و بعد از آن دو رکعت نماز به قصد

نماز شفع می‌خواند و از آن پس یک رکعت به نیت نماز وتر بجا

می‌آورد و بهتر این است که قنوت نماز وتر را به این ترتیب بجا

بیاورد:

۱. دعای فرج را که عبارت از این دعا است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْكَرِيمُ الْكَرِيمُ لَا  
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ  
رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ  
السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ  
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ سَلَامٌ عَلَيَّ الْمُرْسَلِينَ  
بخواند.

۲. هفت مرتبه بگوید : أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا

إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ  
وَالْإِكْرَامِ مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي  
عَلَيَّ نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.

بعد از آن ۷۰ مرتبه بگوید : أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ

أَتُوبُ إِلَيْهِ.

پس از آن ۳۰۰ مرتبه بگوید: أَلْعَفْوُ.

سپس برای چهل مؤمن دعا کند (به زبان غیر عربی هم اشکال

ندارد، مثلاً بگوید: خداوندا! فلانی را بیمارز).

از آن پس برای خود و پدر و مادر خود دعا کند و در خاتمه قنوت ۷ مرتبه بگوید: **هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ.**

### فضیلت نماز جعفر طیار

نماز جعفر طیار، دارای ثواب و فضیلت بسیار است و بر اساس روایاتی که از اهل بیت عصمت رسیده است تأثیر زیادی در بخشیده شدن گناهان انسان دارد.

حضرت صادق فرمودند: «روزی که قلعه خیبر، دژ محکم یهودانی که در برابر پیشرفت اسلام جوان، سنگ اندازی می کردند و هر روز نقشه ای می کشیدند و ترفندهایی برای متوقف ساختن، بلکه برانداختن نظام اسلامی، طرح می کردند به دست سپاه اسلام فتح شد؛ جعفر از کشور حبشه که به سرپرستی جمعی از مسلمانان که در نتیجه فشار سردمداران کفر به آنجا مسافرت کرده بودند که تا هم در محیطی آزاد به اقامه مراسم دین قیام کنند و هم به تبلیغ اسلام پرداخته درخت دین را در آن سرزمین بنشانند، مراجعت کرد

حضرت رسول اکرم از شنیدن این جریان بسیار خرسند گردید و فرمود: **«وَاللَّهِ مَا أَدْرِي بِأَيِّهِمَا أَنَا أَشَدُّ سُورًا بِقُدُومِ جَعْفَرٍ أَمْ بِفَتْحِ خَيْبَرَ».** قسم به خداوند از این دو جریانی که امروز برای ما پیش آمده است نمی دانم برای کدام یک بیشتر خوشنود باشم، آیا برای فتح خیبر یا

برای بازگشت جعفر؟ و از جای خود برخاست و جعفر را به آغوش کشید و میان دو چشم وی را بوسید و فرمود: می خواهم هدیه‌ای به تو بدهم.

چون این کلام را مسلمانان شنیدند افراد بسیاری در میان آن جمع گرد آمدند و چنین فکر می‌کردند که این هدیه طلا و نقره قابل توجهی خواهد بود. حضرتش به جعفر فرمودند: «چهار رکعت نماز به تو تعلیم می‌دهم اگر بتوانی در هر روز و اگر نه در دو روز و گرنه در هر جمعه و اگر نتوانستی در هر ماه یک مرتبه و اگر نتوانستی در هر سال یک مرتبه بخوان؛ خداوند متعال گناهای را که ما بین آن دو نماز انجام گرفته باشد می‌آمرزد.

سپس آن را بیان فرمود و توضیح آن به این ترتیب است:  
چهار رکعت است، به دو تشهد و دو سلام. در رکعت اول بعد از سوره حمد، سوره «اذا زلزلت» و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره «والعادیات» و در رکعت سوم پس از حمد، سوره «اذا جاء نصر الله» و در رکعت چهارم بعد از حمد، سوره «قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ» و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت پانزده مرتبه می‌گوید **سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ وَ اللهُ أَكْبَرُ** و در رکوع همین تسیحات را ده مرتبه می‌گوید و چون سر از رکوع برمی‌دارد، ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و چون سر از سجده برمی‌دارد ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن

پیش از این که برخیزد، ده مرتبه می گوید و هر چهار رکعت را به همین ترتیب می خواند که مجموعاً ۳۰۰ مرتبه می شود. اگر نتواند این سوره ها را بخواند بجای آن ها هم سوره **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** را بخواند، ثواب و فضیلت این نماز را بدست می آورد.

خواندن نماز جعفر در هر موقع مستحب است ، ولی بهترین اوقات آن در روز جمعه هنگامی است که آفتاب در سطح زمین گسترش یافته باشد.

علمای بزرگ اسلام و صلحای روزگار در این وقت بر خواندن آن مواظبت داشتند.

نمازهای مستحبی غیر از این ها نیز بسیار است به کتاب مفاتیح الجنان و غیر آن مراجعه فرمایید.

## روزه

**مسأله ۴۹۰:** در هر سال واجب است همه افراد مکلف یک ماه مبارک رمضان را روزه بدارند.

**مسأله ۴۹۱:** روزه آن است که انسان برای اطاعت فرمان خدا، از اذان صبح تا مغرب، از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند و شرح آن در مسائل بعد می‌آید خودداری کند.

## نیت

**مسأله ۴۹۲:** روزه از عبادات است و لازم است با نیت بجا آورده شود، در موقع نیت لازم نیست به زبان بگوید، یا از قلب خود بگذراند همین اندازه که در نظرش این باشد که برای اطاعت فرمان خدا از اذان صبح تا مغرب کارهایی که روزه را باطل می‌کند ترک نماید کافی است.

**مسأله ۴۹۳:** باید احتیاطاً کمی قبل از اذان صبح و کمی هم بعد از مغرب، از انجام این کارها خودداری کند تا یقین حاصل کند که تمام این مدت را روزه داشته است.

**مسأله ۴۹۴:** کافی است که در هر شب از ماه مبارک رمضان برای روزه فردا نیت کند، ولی بهتر است که در شب اول ماه، علاوه



بر این، نیت روزه همه ماه را نیز بنماید.

**مسئله ۴۹۵:** نیت وقت معینی ندارد، بلکه هر موقعی تا قبل از اذان صبح نیت کند کافی است و همین که برای خوردن سحری برمیخیزد و اگر از او سؤال شود منظور چیست بگوید: «قصد روزه دارم» کافی است.

**مسئله ۴۹۶:** وقت نیت برای روزه مستحبی در تمام روز نیز ادامه دارد حتی اگر مختصری به مغرب باقی مانده باشد و تا آن موقع کارهایی که روزه را باطل می‌کند انجام نداده است می‌تواند نیت روزه مستحبی کند و روزه او صحیح است.

**مسئله ۴۹۷:** اگر در ماه رمضان نیت را فراموش کند چنانچه تا قبل از اذان ظهر یادش بیاید و فوراً نیت کند و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد روزه اش صحیح است، اما اگر بعد از ظهر نیت کند صحیح نیست.

### کارهایی که روزه را باطل می‌کند

**مسئله ۴۹۸:** کارهایی که روزه را باطل می‌کند بنا بر احتیاط نه

چیز است:

۱. خوردن و آشامیدن.
۲. جماع.
۳. استمناء.
۴. دروغ به خدا و پیغمبر و امامان بستن.

۵. رساندن غبار غلیظ به حلق.
۶. فرو بردن سر در آب.
۷. باقی ماندن به جنابت یا حیض یا نفاس تا اذان صبح.
۸. اماله کردن با مایعات.
۹. قی کردن عمدی که شرح احکام آن ها در مسائل آینده به خواست خدا بیان می شود.

### ۱. خوردن و آشامیدن

- مسئله ۴۹۹:** خوردن و آشامیدن از روی عمد روزه را باطل می کند، خواه از چیزهای معمولی باشد مانند نان و آب و یا غیر معمولی مانند برگ درختان، کم باشد یا زیاد، حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد، دوباره داخل دهان کند و رطوبت آن را فرو برد روزه اش باطل می شود، مگر آن که رطوبت مسواک کم باشد و در آب دهان از بین برود.
- مسئله ۵۰۰:** اگر هنگامی که مشغول خوردن غذا یا نوشیدن آب است بفهمد صبح شده، باید آنچه را در دهان است بیرون آورد و اگر عمداً فرو برد روزه اش باطل است و کفاره نیز دارد.
- مسئله ۵۰۱:** خوردن و آشامیدن از روی سهو و فراموشی روزه را باطل نمی کند.
- مسئله ۵۰۲:** تزریق هر نوع آمپول به روزه دار اشکال ندارد.
- مسئله ۵۰۳:** کسی که می خواهد روزه بگیرد بهتر است پیش از

اذان صبح دندان‌هایش را بشوید و خلال کند و اگر بداند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می‌رود احتیاط واجب آن است که قبلاً آن را بشوید و خلال کند دو اگر نکند و غذا فرو رود روزه را تمام کند و بعد قضا نماید.

**مسئله ۵۰۴:** فرو بردن آب دهان، هر چند به واسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد، روزه را باطل نمی‌کند، و فرو بردن اخلاط سر و سینه تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد، اما اگر داخل فضای دهان شود احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.

**مسئله ۵۰۵:** اگر روزه دار به اندازه‌ای تشنه شود که طاقت تحمل آن را ندارد و یا ترس بیماری و تلف داشته باشد، می‌تواند به اندازه ضرورت آب بنوشد، ولی روزه او باطل می‌شود و اگر ماه رمضان باشد باید بقیه روز را امساک کند.

**مسئله ۵۰۶:** انسان نمی‌تواند به خاطر ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر به قدری ضعف پیدا کند که تحمل آن بسیار مشکل شود، می‌تواند روزه را بخورد و بعداً قضای آنرا بجا بیاورد و همچنین اگر خوف بیماری داشته باشد.

**۲. جماع****۳. استمناء**

**مسئله ۵۰۷:** اگر روزه‌دار با خود کاری کند که منی از او بیرون آید روزه‌اش باطل می‌شود، اما اگر بی اختیار در حال خواب یا بیداری بیرون آید، روزه باطل نمی‌شود.

**مسئله ۵۰۸:** هرگاه روزه‌دار می‌داند که اگر در روز بخوابد محتمل می‌شود، یعنی در خواب منی از او بیرون می‌آید، جایز است بخوابد و چنانچه محتمل شود برای روزه او اشکالی ندارد. و برای نمازش غسل کند.

**مسئله ۵۰۹:** اگر روزه‌دار به قصد بیرون آمدن منی استمناء کند روزه‌اش باطل می‌شود هر چند منی از او بیرون نیاید.

**۴. دروغ بستن به خدا و پیغمبر**

**مسئله ۵۱۰:** هرگاه روزه‌دار دروغی به خدا و پیغمبر اکرم و جانشینان معصوم او نسبت دهد خواه با گفتن باشد، یا نوشتن، یا اشاره و مانند آن، بنابر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود، هر چند بلافاصله توبه کند، دروغ بستن به سایر انبیاء و فاطمه زهرا نیز همین حکم را دارد.

**مسئله ۵۱۱:** اگر از شخص روزه‌دار سؤال کنند که آیا پیغمبر اکرم چنین مطلبی را فرموده؛ و او عمداً بگوید: آری، در حالی که

پیغمبر | نگفته باشد، یا بگوید: نه، در حالی که پیغمبر | گفته باشد روزه‌اش اشکال دارد.

### ۵. رساندن غبار غلیظ به حلق

**مسئله ۵۱۲:** رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می‌کند، خواه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مانند آرد، یا غبار چیزی که خوردن آن حرام است.

**مسئله ۵۱۳:** هرگاه به واسطه باد یا جارو کردن زمین ، غبار غلیظی برخیزد و بر اثر عدم مواظبت به حلق برسد، روزه اش باطل می‌شود.

**مسئله ۵۱۴:** اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند، یا بی‌اختیار و بدون اراده، غبار و مانند آن به حلق او برسد، روزه اش باطل نمی‌شود.

### ۶. سر فرو بردن در آب (ارتماس)

**مسئله ۵۱۵:** روزه دار بنا بر احتیاط واجب تمام سر را عمداً در آب فرو نبرد، حتی اگر بقیه بدن بیرون از آب باشد، اما اگر تمام بدن و قسمتی از سر زیر آب برود ولی مقداری از سر بیرون باشد روزه باطل نمی‌شود، فرو بردن سر در مایعاتی مانند گلاب و آب‌های مضاف دیگر حکم آب مطلق را دارد.

**مسئله ۵۱۶:** اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر را دفعه

دیگر، در آب فرو برد، روزه اش صحیح است، ولی اگر تمام سر را زیر آب ببرد اما مقداری از موها بیرون بماند روزه اش اشکال دارد.

**مسئله ۵۱۷:** غواصان اگر سر خود را در کلاهک پنهان کنند و با آن زیر آب روند روزه آنها صحیح است.

**مسئله ۵۱۸:** اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد، یا او را در آب بیندازند و سر او زیر آب رود، یا فراموش کند که روزه است سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی شود، ولی اگر یادش بیاید بنا بر احتیاط واجب باید فوراً سر را از آب بیرون آورد.

### ۷. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

**مسئله ۵۱۹:** اگر شخص جنب عمداً تا صبح غسل نکند بنا بر احتیاط واجب روزه اش باطل است ولی اگر توانایی بر غسل ندارد یا وقت تنگ است تیمم نماید، اما اگر از روی عمد نباشد روزه اش صحیح است و زنی که از حیض یا نفاس پاک شده و تا اذان صبح غسل نکرده در حکم کسی است که باقی بر جنابت مانده است.

**مسئله ۵۲۰:** باطل شدن روزه به خاطر بقاء بر جنابت مخصوص روزه ماه رمضان و قضای آن است و در روزهای دیگر موجب بطلان نمی شود.

**مسئله ۵۲۱:** کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود نباید بخوابد و چنانچه بخوابد و بیدار نشود روزه اش اشکال دارد و بنا بر احتیاط واجب باید قضا

و کفاره بجا آورد، اما اگر احتمال می دهد بیدار شود، می تواند بخوابد، اما احتیاط این است که در دفعه دوم که بیدار شد نخوابد تا غسل کند.

**مسئله ۵۲۲:** کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند یا احتمال می ده د که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و با این تصمیم بخوابد و تا اذان بیدار نشود روزه اش صحیح است، ولی اگر تصمیم بر غسل نداشته باشد یا مردد باشد که غسل بکند یا نه، در این صورت اگر بیدار نشود روزه اش اشکال دارد.

**مسئله ۵۲۳:** هرگاه روزه دار در روز محتلم شود بهتر است فوراً غسل کند اما اگر نکند برای روزه اش اشکالی ندارد و لازم است برای نماز غسل کند.

**مسئله ۵۲۴:** اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود نمی تواند روزه بگیرد، همچنین اگر در اثناء روز خون حیض یا نفاس ببیند اگر چه نزدیک مغرب باشد.

**مسئله ۵۲۵:** اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن کوتاهی کند، بنابراین احتیاط واجب روزه اش باطل است، ولی چنانچه کوتاهی نکند، مثلاً منتظر باشد که حمام باز شود یا آب حمام گرم شود و تا اذان صبح غسل نکند در صورتی که تیمم کرده باشد روزه او صحیح است.

**۸. اماله کردن با مایعات**

**مسئله ۵۲۶:** تنقیه (اماله کردن) با مایعات روزه را باطل می کند هر چند برای معالجه بیماری و از روی ناچاری باشد، ولی استعمال شیاف‌ها برای معالجه اشکال ندارد.

**۹. قی کردن**

**مسئله ۵۲۷:** قی کردن از روی عمد روزه را باطل می کند، هر چند برای نجات از مسمومیت و درمان بیماری و مانند آن باشد، ولی قی کردن بدون اختیار یا از روی سهو روزه را باطل نمی کند.

**مسئله ۵۲۸:** اگر در شب چیزی بخورد که می داند در روز بی اختیار قی می کند روزه باطل نمی شود، ولی احتیاط مستحب این است که چنین کاری نکند و اگر کرد، روزه را قضا نماید.

**مسئله ۵۲۹:** واجب نیست روزه دار با فشار آوردن به خود از قی کردن خودداری کند، ولی اگر ضرر و مشقتی نداشته باشد بهتر است جلوگیری کند.

**مسئله ۵۳۰:** هرگاه یکی از امور نه گانه‌ای که قبلاً گفته شد سهواً یا بدون اختیار بجا آورد روزه‌اش صحیح است، ولی جنب اگر بخوابد و تا اذان صبح غسل نکند روزه‌اش به شرحی که قبلاً گفته شد اشکال دارد.

**مسئله ۵۳۱:** فرو بردن وسایل غیر خوراکی (مانند وسایل معاینات پزشکی) در دهان به هنگام روزه باعث بطلان روزه



نمی‌شود مگر این که آلوده به آب دهان باشد.

### مواردی که قضا و کفاره واجب است

**مسئله ۵۳۲:** کارهایی که روزه را باطل می‌کند اگر عمداً و با علم و اطلاع انجام دهد، علاوه بر این که روزه او باطل می‌شود و قضا دارد کفاره نیز دارد، ولی اگر به خاطر ندانستن مسئله باشد کفاره ندارد، ولی احتیاط آن است که قضا کند.

**مسئله ۵۳۳:** هرگاه به واسطه بی‌اطلاعی و ندانستن مسئله کاری را انجام دهد که می‌داند حرام است، ولی نمی‌داندسته است که روزه را باطل می‌کند کفاره نیز بر او واجب است اگر تقصیر کرده و اطلاع حاصل نکرده است.

### کفاره روزه

**مسئله ۵۳۴:** کفاره روزه یکی از سه چیز است: آزاد کردن یک بنده یا دو ماه روزه گرفتن، یا شصت فقیر را سیر کردن (و اگر به هر کدام یک «مُد» که تقریباً ۷۵۰ گرم است گندم یا جو یا مانند آن‌ها بدهد کافی است). و در زمان ما که بنده آزاد کردن موضوع ندارد در میان دو چیز دیگر مخیر است و به جای گندم می‌تواند مقدار نانی بدهد که گندم آن به اندازه یک «مُد» است.

**مسئله ۵۳۵:** هرگاه هیچ یک از این سه کار ممکن نشود هر چند «مُد» که می‌تواند به فقرا اطعام کند و اگر نتواند باید ۱۸ روز روزه

بگیرد و اگر نتواند هر چند روز که می‌تواند بجا آورد و اگر نتواند استغفار کند و همین اندازه که در قلب بگوید: «**أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ**» کافی است و واجب نیست بعداً که قدرت پیدا کرد کفاره را بدهد.

**مسئله ۵۳۶:** کسی که شصت روز را برای کفاره انتخاب کرده ، احتیاط واجب آن است که ۳۱ روز آن را پی در پی بجا آورد، ولی در ۱۸ روز که در بالا گفته شد پی در پی بجا آوردن لازم نیست.

**مسئله ۵۳۷:** در جایی که باید پی در پی روزه بگیرد اگر در وسط یک روز را عمداً روزه نگیرد باید همه را از نو بجا آورد، ولی اگر مانعی پیش آید مانند عادت ماهانه و نفاس و سفری که ناچار از انجام آن است می‌تواند بعد از رفع مانع ادامه دهد و لازم نیست از سر بگیرد.

**مسئله ۵۳۸:** اگر روزه دار به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، بنا بر احتیاط واجب باید کفاره جمع بدهد، یعنی هم یک بنده آزاد کند و هم دو ماه روزه بگیرد و هم شصت فقیر را سیر کند (یا به هر کدام از آنها یک مد طعام که تقریباً ۷۵۰ گرم است بدهد) و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد هر کدام که ممکن است باید انجام دهد (خواه آن چیز حرام، مانند شراب و زنا باشد یا مانند نزدیکی کردن با همسر خود در عادت ماهانه).

**مسئله ۵۳۹:** هرگاه روزه دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید نباید آن را فرو ببرد، و الا روزه او باطل می‌شود و قضا و کفاره دارد، ولی کفاره جمع لازم نیست.

### زکات فطره

**مسأله ۵۴۰:** زکات فطره بر تمام کسانی که قبل از غروب شب عید فطر «بالغ» و «عاقل» و «غنی» باشند واجب است، یعنی باید برای خودش و کسانی که نانخور او هستند، هر نفر به اندازه یک صاع (تقریباً سه کیلو) از آنچه غذای نوع مردم دنیا است، اعم از گندم و جو یا خرما یا برنج یا ذرت و مانند این‌ها به مستحق بدهد و اگر پول یکی از این‌ها را بدهد کافی است.

### مصرف زکات فطره

**مسأله ۵۴۱:** مصرف زکات فطره همان مصرف زکوٰة معمولی است ولی اگر بفقرا بدهند بهتر است و مشروط است بر این که مسلمان و شیعه دوازده امامی باشند و به اطفال شیعه که نیازمند هستند نیز می‌توان فطره داد، خواه به مصرف آن‌ها برسانند یا از طریق ولی طفل به آن‌ها تملیک کنند.

## خمس

### موارد هفتگانه خمس

یکی از وظایف اقتصادی مسلمانان، پرداختن «خُمُس» است، که در بعضی از چیزها، باید یک پنجم آن‌ها را برای مصارف مشخص به حاکم اسلامی (مجتهد جامع شرایط) بپردازند.

**مسئله ۵۴۲:** خمس در هفت چیز واجب است:

۱. منافع کسب و کار.
۲. معادن.
۳. گنج‌ها.
۴. اموال حلال مخلوط به حرام.
۵. جواهراتی که با غواصی از دریا به دست می‌آید.
۶. غنایم جنگی.
۷. زمینی که کافر از مسلمان می‌خرد.

### ۱. منافع کسب و کار

**مسئله ۵۴۳:** هرگاه انسان از طریق زراعت یا صنعت یا تجارت یا از طریق کارگری و کارمندی در مؤسسات مختلف درآمدی به دست آورد، چنانچه از مخارج سال او و همسر و فرزندان و سایر

کسانی که نفقه آنها را می‌دهد زیاد آید، باید خمس (پنج یک) آن را بپردازد.

## ۲. معادن

**مسئله ۵۴۴:** واجب است خمس چیزی را که از معادن طلا، نقره، سرب، آهن، مس، زغال سنگ، نفت، گوگرد، فیروزه، نمک و معدن‌های دیگر و انواع فلزات به دست می‌آورند بدهند.

## ۳. گنج

**مسئله ۵۴۵:** «گنج» مالی است که در زیرزمین، یا کوه، یا دیوار، یا درون درخت پنهان کرده باشند و در عرف به آن گنج گویند.

## ۴. مال مخلوط به حرام

**مسئله ۵۴۶:** هرگاه مال حلال با حرام مخلوط شود به طوری که انسان نتواند آنها را از هم تشخیص دهد و مقدار مال حرام و همچنین صاحب آن، هیچ کدام معلوم نباشد، و نداند که حرام در بین، بیش از مقدار یک پنجم است، باید خمس تمام آن مال را بدهد و بقیه برای او حلال است.

## ۵. جواهراتی که با غواصی به دست می‌آید

**مسئله ۵۴۷:** هرگاه انسان به واسطه فرو رفتن در دریا جواهراتی مانند لؤلؤ و مرجان و مانند آن از دریا بیرون آورد باید خمس آن را

بدهد، به شرط آن که قیمت آن بعد از کم کردن مخارج بیرون آوردن کمتر از یک مثقال شرعی طلای سکه دار نباشد (مثقال شرعی ۱۸ نخود است) خواه آن جواهرات معدنی باشد یا رویدنی و خواه در یک مرتبه از دریا بیرون آورد یا در چند دفعه پشت سر هم و با فاصله که عرفاً یک مرتبه حساب شود، از یک جنس باشد یا از چند جنس.

### ۶. غنائیم جنگی

**مسأله ۵۴۸:** هرگاه مسلمانان به دستور امام معصوم یا نایب او با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند باید خمس آن را بدهند، اما مخارجی را که برای حفظ غنیمت و حمل و نقل آن کرده‌اند از آن کم می‌شود.

### ۷. زمینی که کافر از مسلمان می‌خرد

**مسأله ۵۴۹:** هرگاه کافر ذمی، یعنی کافری که به صورت یک اقلیت سالم در کنار مسلمانان زندگی می‌کند و شرایط ذمه را پذیرفته است، زمینی را از مسلمان بخرد باید یک پنجم عواید را به عنوان خمس بپردازد.

### مصرف خمس

**مسأله ۵۵۰:** خمس را باید دو قسمت کرد:

یک قسمت آن سهم مبارک امام است و نیم دیگر سهم سادات .  
سهم سادات را باید به سادات فقیر یا یتیم نیازمند، یا ساداتی که  
در سفر وامانده‌اند و نیازمند هستند، داد (هر چند در محل خود فقیر  
نباشند) ولی سهم امام × را در زمان ما باید به مجتهد عادل یا نماینده  
او داد، تا در مصارفی که مورد رضای امام است از مصالح مسلمین  
و مخصوصاً اداره حوزه‌های علمیّه و مانند آن مصرف کند.

**مسأله ۵۵۱:** صرف کردن قسمتی از سهم مبارک امام برای  
ساختن مساجد یا حسینیه‌ها یا بیمارستان و درمانگاه و مدارس، تنها  
در صورتی مجاز است که با اجازه مجتهد عادل و رعایت اولویت  
باشد، ولی سهم سادات را جز در مورد ساداتی که گفته شد  
نمی‌توان مصرف کرد.

**مسأله ۵۵۲:** به هدیه و ارث خمس تعلق نمی‌گیرد.

## زکات

### احکام زکات مال

یکی دیگر از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان، پرداختن زکات است. در قرآن مجید به زکات اهمیت فراوانی داده شده که پس از نماز آمده است و نشانه ایمان شمرده شده.

**مسئله ۵۵۳:** زکات بر نه چیز واجب است:

۱. گندم. ۲. جو. ۳. خرما. ۴. انگور (کشمش). ۵. طلا. ۶. نقره. ۷. گوسفند. ۸. گاو. ۹. شتر.

### مصرف زکات

**مسئله ۵۵۴:** زکات را در یکی از هشت مورد زیر باید صرف

کرد:

- ۱ و ۲. «فقرا» و «مساکین» و آنها کسانی هستند که مخارج سال خود و عیالاتشان را ندارند. تفاوت فقیر و مسکین در این است که فقیر روی سؤال از کسی ندارد، اما مسکین نیازمندی است که روی سؤال دارد، کسانی که صنعت و ملک و سرمایه و کسبی دارند که زندگی آنها را اداره نمی‌کند فقیر محسوب می‌شوند و کمبود زندگی خود را می‌توانند از زکات بگیرند.



۳. کسانی که از طرف امام یا نایب او مأمور جمع آوری زکات یا نگهداری یا رسیدگی به حساب آن و یا رساندن آن به امام و نایب او، یا رساندن به مصارف لازم هستند می‌توانند به اندازه زحمتی که می‌کشند از زکات استفاده کنند.
۴. افراد ضعیف الایمانی که با گرفتن زکات تقویت می‌شوند و تمایل به اسلام پیدا می‌کنند.
۵. خریدن برده‌ها و آزاد کردن آن‌ها.
۶. اشخاص بدهکاری که نمی‌توانند قرض خود را ادا کنند.
۷. «سبیل الله» یعنی کارهایی مانند ساختن مسجد که منفعت دینی عمومی دارد و همچنین مدارس علوم دینی، مراکز تبلیغاتی، اعزام مبلغین، نشر کتاب‌های مفید اسلامی و خلاصه آنچه برای اسلام نفع داشته باشد به هر نحو که باشد، مخصوصاً جهاد در راه خدا.
۸. «ابن السبیل» یعنی مسافری که در سفر مانده و محتاج شده که به مقدار نیازش می‌تواند از زکات استفاده کند، هر چند در محل خود غنی و بی‌نیاز باشد.

## ازدواج

**مسئله ۵۵۵:** ازدواج از مستحبات است و اگر کسی بترسد که با ترک ازدواج در حرام بیفتد ازدواج بر او واجب است.

**مسئله ۵۵۶:** به واسطه عقد ازدواج زن و مرد به هم حلال می‌شوند و آن بر دو قسم است: ازدواج دائم و ازدواج موقت، ازدواج دائم همیشگی است و زنی را که به این عقد در می‌آید دائمه گویند و ازدواج موقت آن است که برای مدت معینی عقد زناشویی می‌بندند، خواه این مدت کوتاه باشد یا طولانی و آن را «متعّه» و «صیغه» نیز می‌نامند.

**مسئله ۵۵۷:** در عقد ازدواج خواه دائم باشد یا موقت، خواندن صیغه لازم است و رضایت طرفین به تنهایی کافی نیست و صیغه عقد را طرفین یا وکیل آنها می‌توانند بخوانند.

### عده‌ای از زنان که ازدواج با آنان حرام است

**مسئله ۵۵۸:** ازدواج با زنانی که با انسان محرم هستند حرام است. مانند: مادر، دختر، خواهر، عمّه، خاله، دختر برادر، دختر خواهر، زن پدر، دختر زن و مادر زن.

**مسئله ۵۵۹:** هرگاه کسی زنی را برای خود عقد نماید، هر چند با او نزدیکی نکرده باشد، مادر و مادرِ مادرِ آن زن و مادرِ پدر او هر چه

بالا روند به آن مرد محرم می‌شوند، ولی دختر زن و نوه دختری و پسری آن زن در صورتی به آن مرد حرامی شوند که با آن زن نزدیکی کرده باشد.

**مسئله ۵۶۰:** عمّه و خاله پدر و عمّه و خاله پدر پدر و عمّه و خاله مادرو عمّه و خاله مادر، هر چه بالا روند به انسان محرمند.

**مسئله ۵۶۱:** پدر شوهر و جدّ او هر چه بالا روند و پسر و نوه پسری و دختری شوهر، هر چه پایین آیند به زن او محرمند، چه قبل از عقد متولد شده باشند یا بعد از عقد.

### احکام نگاه کردن

**مسئله ۵۶۲:** نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم، خواه با قصد لذت باشد یا بدون آن حرام است و همچنین نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم، ولی نگاه کردن به صورت و دست‌های زن نامحرم تا می‌چ اگر به قصد لذت نباشد و مایه فساد و گناه نگردد اشکال ندارد، همچنین نگاه کردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار که معمولاً آن را نمی‌پوشاند مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پا و دست.

**مسئله ۵۶۳:** نگاه کردن به دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن ترس از افتادن در حرام نداشته باشد جایز است، ولی بنا بر احتیاط واجب باید به جاهایی مثل ران و شکم که معمولاً می‌پوشانند نگاه نکند.

- مسئله ۵۶۴:** واجب است زن بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند و احتیاط مستحب آن است که پسر نابالغ که خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است مستور دارد، ولی پوشانیدن صورت و دست‌ها تا مچ واجب نیست.
- مسئله ۵۶۵:** نگاه کردن به عورت دیگری حرام است هر چند در آئینه یا آب صاف و مانند آن باشد خواه محرم باشد یا نامحرم، مرد باشد یا زن و احتیاط واجب آن است که به عورت بچه ممیز نیز نگاه نکند، ولی زن و شوهر می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.
- مسئله ۵۶۶:** مرد و زنی که با هم محرمند (مانند خواهر و برادر) می‌توانند به بدن یکدیگر به آن مقدار که در میان محارم معمول است نگاه کنند و در غیر آن احتیاط آن است که نگاه نکنند.
- مسئله ۵۶۷:** مرد نمی‌تواند با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.
- مسئله ۵۶۸:** عکس برداشتن مرد از زن نامحرم حرام نیست، مگر این که ناچار باشد که به بدن او غیر از صورت و دست‌ها نگاه کند.
- مسئله ۵۶۹:** در صورتی که زنی مقید به حفظ حجاب شرعی است نگاه کردن به عکس بدون حجاب او اشکال دارد مگر این که او را نشناسد و مفسده دیگری از نگاه کردن حاصل نشود.
- مسئله ۵۷۰:** هرگاه پرستار یا طبیب ناچار باشد دست به عورت بیمار بزند باید دستکش یا مانند آن در دست داشته باشد، همچنین

اگر طیب و پرستار مرد ناچار شد دست به بدن زن بزند یا طیب و پرستار زن دست به بدن مرد بزند، ولی در صورت ضرورت و ناچاری اشکالی ندارد.

**مسئله ۵۷۱:** نگاه کردن مرد به زنی که می خواهد با او ازدواج کند به منظور آگاه شدن از حسن و عیب او جایز است حتی اگر با یک بار نگاه کردن این منظور حاصل نشود چند بار در چند مجلس نگاه کند.

**مسئله ۵۷۲:** شنیدن صدای زن نامحرم در صورتی که به قصد لذت نباشد و سبب افتادن در گناه نشود اشکالی ندارد، ولی زن نباید لحن صدای خود را طوری کند که هوس انگیز باشد.

**مسئله ۵۷۳:** نگاه کردن به زن نامحرم برای شناختن او به منظور شهادت دادن در دادگاه و امور مهم و لازمی از این قبیل جایز است.

### شرایط عقد ازدواج

**مسئله ۵۷۴:** دختری که به حد بلوغ رسیده است هر چند رشیده هم باشد یعنی مصلحت خود را تشخیص بدهد در ازدواج خود چه دائم و چه موقت باید با اذن پدر یا جد پدری اق دام به ازدواج نماید.

## مسائل متفرقه

**مسئله ۵۷۵:** دیدن فیلم های خارجی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می شود و خانم های بدون روسری و چادر در آن بازی می کنند هرگاه موجب مفسد خاص و انحرافات اخلاقی نشود اشکال ندارد.

**مسئله ۵۷۶:** نگاه کردن به فیلم هایی که زن های بی حجاب و آرایش کرده در آن بازی می کنند و بعضاً از تلویزیون پخش می شود در صورتی که منشأ مفسد خاصی بشود حرام است.

**مسئله ۵۷۷:** در کلاس های دانشگاه اساتید مرد و زن تدریس می کنند، نگاه کردن دانشجویان مرد به استاد زن و بالعکس در صورتی که نگاه هوس آلود نباشد در مورد وجه و کفین (یعنی صورت و دو دست تا مچ) اشکالی ندارد.

**مسئله ۵۷۸:** نگاه کردن به عکس های عربیان موجود در کتب پزشکی که آموزش آن برای دانشجویان ضروری است و گاهی ریه آور است بدون قصد لذت و ریه اشکالی ندارد و هرگاه چنین حالتی خود به خود حاصل شود تنها در موارد ضرورت و به مقدار ضرورت نگاه کنند.

**مسئله ۵۷۹:** لمس و تماس دست دانشجوی پسر با دست زن موقع گرفتن نبض و معاینه و معالجه در مقام آموزش علمی که از

نظر استاد الزامی است تنها در مورد ضرورت جایز است و اگر امکان داشته باشد که از روی پیراهن بگیرد مقدم است.  
**مسئله ۵۸۰:** برای زن جایز نیست که عطر بزند و از منزل بیرون رود.

**مسئله ۵۸۱:** آمپول زدن توسط مرد نامحرم در غیر صورت ضرورت جایز نیست.

**مسئله ۵۸۲:** مراجعه زن به دکتر مرد اگر دکتر حاذق زن نباشد در مورد ضرورت مانعی ندارد.

**مسئله ۵۸۳:** برای زن جایز نیست که با آرایش و زینتی که جلب نظر می کند از منزل خارج شود.

**مسئله ۵۸۴:** دیدن فیلم های ویدئویی که در آن زن ها در برابر زن ها و مردان در برابر مردان می رقصند چون مشاهده این فیلم ها موجب فساد است جایز نیست.

**مسئله ۵۸۵:** مراجعه زن به پزشک مرد در صورتی که بتواند پزشک زن در آن رشته بیابد با توجه به این که مستلزم نگاه کردن به غیر صورت و دست ها است فقط در صورت ضرورت جایز است و با وجود پزشک زن جایز نیست.

### موسیقی

**مسئله ۵۸۶:** آهنگ هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام است و غیر آن اشکالی ندارد.

- مسئله ۵۸۷:** خواندن سرود توسط زنان به صورت دست جمعی همراه با مردان خالی از اشکال نیست.
- مسئله ۵۸۸:** گوش دادن به آواز زن نامحرم برای مرد هر چند اشعار مذهبی هم بخواند چون موجب مفسده است اشکال دارد.
- مسئله ۵۸۹:** آواز خواندن زن برای زنان و برای شوهرش بدون غنا و بدون آهنگ‌های مناسب لهو و فساد اشکال ندارد.
- مسئله ۵۹۰:** رقص زن جز برای همسر خود جایز نیست.
- مسئله ۵۹۱:** آهنگ‌هایی که از صدا و سیما پخش می‌شود اگر به صورت غنای محرم نباشد، استماعش جایز است.
- مسئله ۵۹۲:** استماع موزیک در صورتی که مهیج شهوت و موجب فساد نباشد، جایز است.

### دست زدن

- مسئله ۵۹۳:** دست زدن همراه با مداحی در مجالس شادی ائمه معصومین و روزهای تولد آن‌ها اگر با امور حرام دیگری مقرون نباشد حرام نیست، ولی در مساجد و حسینیه‌ها از آن پرهیز کنید.

### بازی با شطرنج

- مسئله ۵۹۴:** اگر شطرنج در عرف عام از آلات قم ار محسوب شود بازی با آن حرام است و اگر از حالت قمار خارج و جزء ورزش‌های فکری درآمده باشد اشکالی ندارد.



## فال گرفتن

**مسئله ۵۹۵:** رجوع به فالگیرها و جادوگران برای معالجه و غیر آن حرام است.

## تراشیدن ریش

**مسئله ۵۹۶:** لازم است در چهره مسلمان به اندازه‌ای که محاسن صدق کند، موی باشد.

**مسئله ۵۹۷:** دیدن تصویر زنان که حد پوشش شرعی را رعایت نمی‌کنند اگر شناخته شده است جایز نیست و در صورت عدم شناخت نیز اگر فساد بر آن مترتب می‌شود جایز نیست.

**مسئله ۵۹۸:** دروغ گفتن به کودکی که قادر به تمییز و تشخیص مسائل نیست، اشکال دارد.

**مسئله ۵۹۹:** به کار بردن روکش طلا، گذاشتن دندان مصنوعی از جنس طلا یا محکم کردن دندان‌ها با طلا برای زینت مردان حرام است.

**مسئله ۶۰۰:** پوشیدن لباس آستین کوتاه و یا شلوارهای کوتاه که نیمی از پا و یا دست معلوم است برای مردان در حدی که مخالف عفت عمومی نباشد و در نظر افراد متشرع منکر محسوب نشود، جایز است.

**مسئله ۶۰۱:** اگر مرد لباس زن و زن لباس مرد بپوشد، اشکال دارد.

**مسئله ۶۰۲:** مرد نباید لباس طلا باف و حریر و ابریشم بپوشد.

**مسئله ۶۰۳:** تصاویر تخیلی ، تصاویر برقی و کامپیوتری ، مجسمه، تصاویر کاریکاتور و کارتنی در صورتی که با محرّمات دیگر توأم نباشد، اشکال ندارد.

**مسئله ۶۰۴:** خرید و فروش مواد مخدر جایز نیست.

**مسئله ۶۰۵:** اگر انسان قبل از بلوغ حق کسی را ضایع و یا

پایمال کرده باشد لازم است بعد از بلوغ از آن حلیت بطلبد یا حقوق ضایع شده آنان را پرداخت نماید.

**مسئله ۶۰۶:** شعبده بازی و همچنین حضور در مجلس آن نیز

جایز نیست.

**مسئله ۶۰۷:** ارائه بلیط به راننده اتوبوس که به منزله حقوق آن

است، استنکاف از آن جایز نیست.

**مسئله ۶۰۸:** نگاه کردن و گوش دادن به برنامه های کشورهای

خارجی در صورتی که موجب انحراف فکری و اخلاقی نباشد،

جایز است.

**مسئله ۶۰۹:** اگر خانه یا دکان یا اطاقی را اجاره کند و صاحب

ملک با او شرط کند که فقط خود او از آنها استفاده نماید، مستأجر

نمی تواند آن را به دیگری اجاره دهد. و اگر شرط نکند می تواند آن

را به دیگری اجاره دهد. ولی اگر بخواهد به زیادتر از مقداری که

اجاره کرده آن را اجاره دهد ، باید در آن ، کاری مانند تعمیر و

سفیدکاری انجام داده باشد خواه به غیر جنسی که اجاره کرده آن را

اجاره دهد یا به همان جنس.

### رهن خانه

**مسئله ۶۱۰:** افرادی که پولی را مثلاً سیصد هزار تومان به مالک خانه ای میدهند و خانه ای را که اجاره آن معمولاً بیست هزار تومان است به ده هزار تومان اجاره میکنند در حقیقت با دادن این پول تخفیفی در مال الاجاره می گیرند این کار، در این صورت صحیح است که نخست خانه را اجاره کند به ده هزار تومان (مال الاجاره کمتر از معمول) و در ضمن عقد اجاره شرط کند که مستأجر سیصد هزار تومان مثلاً به صاحب خانه قرض بدهد ولی اگر نخست سیصد هزار تومان را به عنوان قرض به مالک خانه بدهد و در ضمن عقد قرض شرط کند که خانه را با مال الاجاره کمتر به صاحب پول اجاره بدهد چون قرض ربوی به وجود می آید حرام و باطل است.

### قولنامه

**مسئله ۶۱۱:** سوال - اینکه در قولنامه ها معمولاً می نویسند که هر یک از طرفین که پشیمان شد باید فلان مبلغ به دیگری بدهد آیا به این قول و قرار عمل کردن لازم است.

جواب - اگر آنچه که ما بین خریدار و فروشنده واقع شده است گفتگوی مقدماتی است و هنوز معامله ای صورت نگرفته است و

بنای طرفین بر این است که معامله را بعداً - مثلاً در محضر - انجام بدهند و لذا صیغه معامله خوانده نشده است و داد و ستدی هم به قصد انشای معامله انجام نگرفته است در این صورت عمل کردن به آن قول و قرار لازم نیست - چون این شرط در ضمن عقد لازم نبوده است.

ولی اگر معامله واقع شده است و در ضمن عقد آن معامله شرط کرده‌اند که هر یک از طرفین اگر پشیمان شود و حق فسخ و خیار داشته باشد و بخواهد از حق فسخ خود استفاده کند و یا از طرف دیگر بخواهد که او معامله را اقاله نماید (از انجام معامله صرف نظر کند) در این صورت طرف دیگر می‌تواند او را الزام به دادن آن پول کند و آن پول را بگیرد.